

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه شهید بهشتی

مجموعه چکیده مقالات
سومین همایش ملی اعجاز قرآن کریم
(محور ویژه: اعجاز قرآن به مثابه مطالعه‌ی میان رشته‌ای)

مرکز همایش‌های بین‌المللی دانشگاه شهید بهشتی (ره)

اردیبهشت ماه ۱۳۹۵

عنوان کتاب: چکیده مقالات سومین همایش ملی اعجاز قرآن کریم
(با محوریت اعجاز قرآن به مثابه مطالعه‌ی میان رشته‌ای)

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۹۵

ناشر: انتشارات بنیاد نهج البلاغه

گردآوری: پژوهشکده‌ی اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی

ویراستاران: مصطفی قیاسی، مصطفی مرادی

صفحه آرا: سعیده افشین افشار



۱۱.....	دیاچه.....
۱۳.....	پیام رئیس دانشگاه شهید بهشتی / دکتر محمد مهدی طهرانچی.....
۱۴.....	پیام رئیس همایش / دکتر علیرضا طالب پور.....
۱۵.....	سخن دبیر علمی همایش / دکتر منصور پهلوان.....
۱۹.....	اطلاعات همایش.....

مقالات سخنرانی

• اعجاز محتوایی قرآن کریم

۲۳.....	مریم ثقفی.....
۲۵.....	اعجاز کیهان‌شناسی قرآن در ارائه مدل توسعه‌یابنده از جهان / سید عیسی مسترحمی.....
۲۸.....	«فلک مشحون» در آیه ۴۱ سوره یس و اعجاز علمی قرآن / زهرا تارخ، زهرا بشارتی، محمدرضا بشارتی.....
۳۱.....	جایگاه انسان در جهان هستی از دیدگاه قرآن / مهدی جعفری نجفی.....
۳۵.....	تفسیر علمی تسبیح همگانی موجودات / فرزانه روحانی مشهدی، مصطفی مرادی.....
۳۸.....	اعجاز علمی قرآن با تکیه بر آیه ۷ سوره نبأ / مرضیه نورانی نگار.....
۳۹.....	علم غیب امام و اعجاز علمی قرآن در روایات تفسیری / محمد شعبان پور، زهرا بشارتی.....
۴۲.....	نگاهی نو به بخشی از جزئیات نامه اعمال با استفاده از مسائل زیست مولکولی در قرآن کریم / هدی زارع میرک آباد، جواد ایروانی، مهدی مقامی، محمد فارسی.....
۴۴.....	وجوه اعجاز قرآن در ترسیم روابط فردی و اجتماعی مطلوب برای انسان / محمد جانی پور، نجمه کاظمی.....



• مطالعات بنیادین اعجاز قرآن کریم

- تبيين ریشه‌های قرآنی اندیشه کلامی اعجاز قرآن / فرزانه روحانی مشهدی..... ۴۷
- آیه در برابر معجزه؛ مقایسه دو گفتمان قرآنی و پساقرآنی / سید هدایت جلیلی، زهره سادات موسوی ۵۰
- ارزیابی میزان توجیه‌پذیری اعجاز قرآن در نظریه‌های کلاسیک معرفت‌شناسی / حسین اله وردی، میثم قهوه‌چیان..... ۵۲
- درآمدی بر مبانی کلامی تفسیر علمی قرآن کریم / بهاره مظاهری طهرانی، عباس مصلاهی پور، فرزانه روحانی مشهدی، مهدی ایزدی ۵۵
- بازتقریر تحدی بمثابه استدلالی عقلی به‌جای آزمونی تجربی (شبهه‌شناسی در زمینه اعجاز قرآن) / زهرا اخوان صراف..... ۵۸
- بررسی آیات تحدی با تکیه بر نظم قرآن / مصطفی کریمی، مرتضی سازجینی، عباس یوسفی نازه‌کندی..... ۵۹
- بررسی تفسیری گزاره‌های علمی قرآن / زهرا محققیان..... ۶۰
- سنجش اعجاز قرآن به‌مثابه یکی از مبانی تفسیر قرآن / سید هدایت جلیلی..... ۶۳
- نقش پیش فرض‌ها در نظریه‌های اعجاز قرآن / کلثوم شیخی کیاسری..... ۶۴

• اعجاز زبانی قرآن کریم (مطالعات میان رشته‌ای)

- پژوهشی در تعریف، تبیین و توصیف «زیادة المبانی تدلّ علی زیادة المعانی» با رویکرد قرآنی (گامی در راستای اثبات اعجاز واژگانی قرآن) / خلیل پروینی، محمد امیری‌فر، عطیه یوسفی..... ۶۹
- منظر «بافت» و «متن» در تحلیل انتقادی گفتمان قدرت در قرآن کریم: رویکرد ون دایک / مهین ناز میردهقان، رقیه رحمانی پور..... ۷۲
- زمان پریشی‌آشنازدا در داستان حضرت آدم عليه السلام در قرآن کریم / مریم بخشی، علی باقر طاهرینیا ۷۵
- بررسی عناصر دستوری و لغوی ایجاد انسجام متن در سوره قیامت بر اساس دیدگاه نقش‌گرای هلیدی / اختر ذوالفقاری..... ۷۸
- خوانش اعجاز ادبی قرآن از رهگذر مطالعات بینامتنی / مرضیه محمص ۷۹
- حذف و فزونی واج‌ها در قرآن کریم با رویکرد معناشناسی آوایی / سیده فاطمه سلیمی، سجاد شفیع پور بروجنی..... ۸۱



کارکرد موسیقایی واژگان ناهمگن در ایجاد معانی متفاوت (نگاه موردی جزء ۲۹ قرآن کریم) / دکتر
 جواد گرجامی، دکتر عادل آزاددل، سولماز پرشور ۸۴

دلالات الأصوات و اعجاز الصوتی فی سورة الرحمن / رحمان برزگر ۸۷

بررسی رده‌شناختی مقوله‌های اسمی جاننداری و معرفگی در قرآن کریم / فهیمه بیدادیان، مهین‌ناز
 میردهقان ۸۸

اعجاز معنوی قرآن کریم از دیدگاه صدرالمتهلین / حمیده حائری پور ۸۹

مقالات پوستری

نحوه تعامل مفسران معاصر با آیات کیهان‌شناسی (رجم شیطان با شهاب، هفت آسمان، فلک) / علی حاجی
 خانی، سعید جلیلیان ۹۴

نگاهی دیگر بار به جامعیت قرآن کریم / قاسم فائز، عماد صادقی ۹۵

نقدی بر کتاب معترک الأقران فی إعجاز القرآن سیوطی / سیدمحمد هادی زبرجد، احمد اسدی ۹۶

تبیین معنا و مفهوم اعجاز بطنی قرآن کریم / محمد علی رضایی اصفهانی، عباس یوسفی تازه‌کندی، مرتضی
 سازجینی ۹۷

بررسی تطبیقی وجوه اعجاز قرآن کریم در تفسیر المنیر و تفسیر آلاء الرحمن / زهره اخوان مقدم، منصوره
 غلامرضایی ۹۸

اعجاز محتوایی قرآن با رویکرد سبک بهره‌مندی از لذات دنیوی (خوردن و آشامیدن) / سیده وحیده
 رحیمی، صدیقه یوسف علی تبار ۹۹

نشانه‌شناسی واژه لسان در قرآن مجید / علی باقر طاهری نیا، رضیه رستمی نیا ۱۰۰

کارکرد تقابل دوقطبی واژگان ناهمگن قرآن در تولید معنا (مطالعه موردی جزء ۲۹ قرآن کریم) / جواد
 گرجامی، عادل آزاددل، سولماز پرشور ۱۰۱

کارکرد عناصر موسیقایی در سورة واقعه / سید مهدی نوری کیدقانی ۱۰۲

ترتیب آیات تحدّی (با تکیه بر دیدگاه‌های مفسران فریقین) / علی اندیده، محمد تیموری ۱۰۳

بررسی اعجاز بیانی قرآن با تأکید بر گزینش هدفمند واژه‌ها (مورد پژوهی واژه «أتی») / سیده وحیده
 رحیمی، مریم علی‌زاده ۱۰۴

اتهام کهنات؛ اقرار ضمنی مشرکان به اعجاز قرآن / حامد شریفی نسب، سید محمود طیب حسینی ۱۰۵

اعجاز آوایی در معنارسازی مفاهیم سوره مزمل / کبری خسروی، علی نظری، لیلا موسوی ۱۰۶

اعجاز بلاغی قرآن در تناسب میان غرض سوره حجر و قصص موجود در آن / بی بی حکیمه حسینی،



- حمیده پاسبان ۱۰۷
- اعجاز بیانی در آیات تحدّی/ بی بی حکیمه حسینی دولت آباد، مریم حسامی ۱۰۸
- اعجاز بیانی قرآن بر مبنای موضوعی بودن زیبایی/ منصوره دعاگو ۱۰۹
- اعجاز تشریحی قرآن/ عبدالرضا زاهدی، سمانه تمیزی ۱۱۰
- اعجاز عرفانی قرآن از منظر امام خمینی/ محسن نورائی، محمد شریفی، فاطمه هدایتی ۱۱۱
- اعجاز علمی قرآن از منظر تجمع و تکثر احتمالات و قرائن لفظی و بیانی/ مصطفی برهانی ۱۱۲
- اعجاز قرآن در زمینه عملکرد سمپاتیک و پاراسمپاتیک/ وفادار کشاورز، احمد جعفری ۱۱۳
- اعجاز قرآن کریم در شناسایی و مهار آثار نورویبولوژیک استرس‌های جنسی/ زینب اختر، مریم صالحی، هدایت صحرایی، محمد ساقیان ۱۱۴
- آراء علامه طباطبایی در بحث شناخت اعجاز قرآن/ رضا سعادت نیا، سکینه میرزایی ۱۱۶
- آشنایی زدایی و برجسته سازی در سوره مبارکه "الحدید"/ مریم گرمسیریان ۱۱۷
- بررسی اعجاز ادبی قرآن در آیات متشابه لفظی (بررسی موردی: سوره بقره)/ کبری خسروی، علی نظری، صنم جودکی ۱۱۸
- بررسی تطبیقی مراحل امبریونز تکامل جنین از دیدگاه قرآن و علم جنین شناسی/ سید معصوم حسینی، سجاد شفیع پور ۱۱۹
- بررسی علمی تاثیر تهجد بر مدیریت کارآمد/ سمانه فردوسیان، رضا سعادت نیا ۱۲۰
- بررسی تطبیقی عدم حشو در قرآن کریم/ حامد دهقانی فیروزآبادی ۱۲۱
- بیان نمونه‌هایی از فراهنجاری در قرآن کریم/ فاطمه نظیری سنجان، زهرا شیخ حسینی، ابوالفضل شیخ حسینی ۱۲۲
- تبیین علمی اشارات قرآن کریم به انواع، مقدار، سازوکار و سودمندی‌های باران/ غلامرضا براتی، فرزانه روحانی، محمود احمدی، فاطمه قیاسی ۱۲۳
- تحلیل ساختار روایی داستان حضرت سلیمان علیه السلام و ملکه سبا بر پایه الگوی روایی گریماس/ حامد صدقی، فاطمه گنج خانلو ۱۲۴
- تحلیل کلام در قرآن کریم/ نرگس هوشمند همدانی ۱۲۵
- جایگاه سمع و بصر در قرآن کریم/ انسیه سرافرازی، مریم حقیقت خزایی ۱۲۶
- جستاری بر بدیهی بودن اعجاز قرآن/ جواد فرامرزی، فاطمه تقی زاده، فاطمه اکبرپور ۱۲۷
- چیستی و چگونگی اعجاز عددی در تفاسیر معاصر شیعه/ مژگان عام بخش، محمد محقق ده آبادی ۱۲۸
- زیبایی شناسی قرآن با تکیه بر تقدیم و تأخیر آیات قرآن/ رضا امانی، زهرا عبادی، صدیقه رضایی ۱۲۹



- سبب شناسی تحریم شراب در قرآن (از دیدگاه علم پزشکی) / مصطفی مهدوی آرا..... ۱۳۰
- سرنوشت ماه از دیدگاه قرآن کریم و علم نجوم / مهدی نظام آبادی ۱۳۱
- عبارت‌های موزون عروضی: جلوه‌ای از اعجاز فرازمانی و فرازبانی قرآن / بابک شریف، فاطمه بهرامی..... ۱۳۲
- کاربرد اعجاز قرآن در تحدی به مخالفان / دکتر عبدالرزاق رحمانی، محمد راسخ..... ۱۳۳
- کارکرد بلاغی استعاره در قرآن مطالعه موردی سوره هود / عمادصادقی، مجیدصادقی مزیدی..... ۱۳۴
- کتابشناسی اعجاز قرآن کریم / سیدمجیدنبوی، زهره اخوان مقدم، رضا مرادی سحر ۱۳۵
- کتابشناسی قرآن و علوم طبیعی / حمید مغربی، سید مجید نبوی..... ۱۳۶
- معرفی و بررسی کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» / ابراهیم رضایی آدریانی..... ۱۳۷
- مکاتب سیاسی اجتماعی غربی و اعجاز قرآن در علوم انسانی / مهدی میرعرب، اسماء توماج، فاطمه زهرا گلزاری، فاطمه اکبری، نادره خوری..... ۱۳۸
- نظم آهنگ، پلی میان الفاظ و معانی قرآن / مصطفی عباسی مقدم، سمیه مسعودی نیا..... ۱۳۹
- نقد و بررسی اعجاز محتوایی قرآن / غلام رضا بهرامی فرد، یوسف فرجی..... ۱۴۰
- واکاوی اعجاز بلاغی آیه لکم فی القصاص حیاه / آرزوچالسری کچلک..... ۱۴۲
- یاجوج و ماجوج / محمدحسین موحدی..... ۱۴۳
- رهیافت های زمخشری به زیبا شناسی قرآن در تفسیر کشاف / رضا امانی، سمیه شاهملکی، افسانه فتاحی..... ۱۴۴
- حضرت مریم خواهر هارون / محمد سادات منصورى..... ۱۴۵
- وحدت و تعدد معجزات پیامبر اعظم از منظر مستشرقان / محمد ابراهیمی ورکیانی..... ۱۴۶
- نگاهی انتقادی به رویکرد اعجاز علمی در تفسیر الجواهر طنطاوی / احمد ربانی خواه..... ۱۴۷

دیباجه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اعجاز قرآن کریم مقوله‌ای است که مطرح شدن آن به قرون اولیه اسلامی باز می‌گردد. بحث اعجاز قرآن ابتدا با مباحث ادبی پیوند خورده بود. بعدها رویکردهای متکلمانه به اعجاز قرآن آن را بیش از پیش در پیوند با علم کلام قرار داد. رویکرد ادبی-کلامی به اعجاز قرآن تا قرن معاصر ادامه پیدا کرده است. اما در قرن حاضر به دلیل اکتشاف‌های بیشمار علمی، رویکردهای اعجاز قرآن به شکل وسیعی متأثر از این اکتشاف‌های علمی گشت و شاهد حجم زیادی از آثار پیرامون اعجاز علمی قرآن کریم بوده‌ایم.

نکته مهمی که در این ارتباط وجود دارد آن است که غالب آثاری که تاکنون پیرامون اعجاز قرآن کریم تالیف شده‌اند، با رویکرد برجسته‌ی متکلمانه همراه بوده‌اند؛ یعنی هدف و سرانجام آنها دفاع از ساحت مقدس قرآن کریم بوده است. اما پرسش مهمی که در اینجا وجود دارد این است که پس از دوران اولیه اسلامی که دیگر اسلام به استواری و اقتدار دست یافته است، اساساً رویکردهای متکلمانه چقدر می‌توانند مفید باشند؟! به نظر می‌رسد که وقت آن رسیده است که ارتباط قرآن و علوم از مرحله متکلمانه فراتر رفته و به جنبه معرفت‌شناسانه چنین ارتباطی توجه شود. باید بتوان معارف قرآنی را در متن و بطن جامعه وارد کرد و از آن برای حل معضلات و آسیب‌های عدیده‌ای که در جوامع انسانی وجود دارد بهره جست. کارآمدی معارف قرآنی در پاسخ به چنین آسیب‌هایی، مهمترین چیزی است که می‌تواند اعجاز قرآن را در دوران معاصر بنمایاند. از چنین چیزی می‌توان با عنوان «اعجاز قرآن به مثابه مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای» یاد کرد. بر همین اساس نیز محور ویژه سومین همایش ملی اعجاز قرآن کریم «اعجاز قرآن به مثابه مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای» در نظر گرفته شد.

بر همین اساس نیز محورهای اصلی فراخوان در قالب دو موضوع اصلی «مباحث نظری» و «مباحث کاربردی» اعجاز قرآن کریم سامان یافت. در «مباحث نظری»، مسائل اساسی پیرامون

اعجاز قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد. مسائلی چون: مفهوم‌شناسی اعجاز قرآن، آسیب‌شناسی اعجاز قرآن، روش‌شناسی پژوهش در اعجاز قرآن، روش‌شناسی تفاسیر علمی قرآن، اعجاز قرآن به مثابه مطالعات‌های میان رشته‌ای و... در «مباحث کاربردی اعجاز قرآن» نیز به مسائل کاربردی که در ارتباط با قرآن و سایر علوم می‌توان بدانها پرداخت، اشاره شده است.

پس از اعلام فراخوان، همایش با استقبال بسیار خوبی از جانب پژوهشگران و اساتید روبرو شد. با وجودی که تنها اصل مقالات از نویسندگان پذیرفته می‌شد، در مجموع ۱۵۰ مقاله کامل به دبیرخانه همایش ارسال شد. پس از پالایش اولیه مقالات، هر مقاله حداقل توسط دو داور مورد بررسی قرار گرفت. عموماً داوران این همایش از برجسته‌ترین اساتید حوزه‌های مختلف علمی در سرتاسر کشور بودند. در نهایت ۲۸ مقاله برای ارائه به شکل سخنرانی و ۶۶ مقاله نیز برای ارائه به شکل پوستر انتخاب گردید. سطح کیفی مقالات به حدی بود که حدود ۱۰ مقاله در دو مجله علمی-پژوهشی «پژوهش‌های قرآن و حدیث» و «آئینه معرفت» برای چاپ مورد تایید قرار گرفتند. ارائه مقالات شفاهی در روز همایش نیز در قالب سه پنل صورت پذیرفت: «اعجاز محتوایی قرآن کریم»، «اعجاز زبانی قرآن کریم» و «مطالعات بنیادین اعجاز قرآن کریم». دو پنل اول، با «مباحث کاربردی» اعجاز قرآن کریم تناسب داشتند و پنل سوم نیز ناظر به «مباحث نظری» اعجاز قرآن کریم بود. البته در پنل «اعجاز زبانی قرآن کریم» بسیاری از مقالات به شکل کامل حاوی مطالعات میان رشته‌ای بودند و فاصله نسبتاً زیادی با مباحث اعجاز قرآن داشتند. اما با توجه به اینکه مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم در این دوره از همایش‌های اعجاز قرآن مورد توجه سیاست‌گذاران همایش بود، چنین مقالاتی نیز توسط کمیته علمی همایش مورد تایید قرار گرفتند.

لازم به یادآوری است که طی چند ماه گذشته مسئولین محترم دانشگاه شهید بهشتی تلاش بسیاری برای برگزاری شایسته این همایش داشتند. لازم است که از حمایت‌های بی‌شائبه رئیس محترم دانشگاه شهید بهشتی، دکتر محمد مهدی طهرانچی، در طول این ماه‌ها قدردانی کنم. همچنین از اعضای محترم کمیته علمی و اجرایی همایش، داوران و نویسندگان مقالات که در به ثمر رسیدن این همایش نقش اساسی داشتند تشکر و قدردانی نمایم.

دبیرخانه سومین همایش ملی اعجاز قرآن کریم

پیام رئیس دانشگاه شهید بهشتی

دکتر محمد مهدی طهرانچی

دغدغه‌ها و مسائل پیچیده‌ی ناظر به دوران معاصر، مطالعات میان رشته‌ای را از اولویت‌های اصلی آموزشی و پژوهشی مراکز علمی کشور قرار داده است. مسلماً یکی از وجوه مهم در چنین مطالعاتی، مفاهیمی دینی و به خصوص قرآنی است. برگزاری سومین همایش ملی اعجاز قرآن کریم در دانشگاه شهید بهشتی فرصت مناسبی را فراهم می‌آورد تا پژوهشگران حوزه‌های مختلف علمی بتوانند با زمینه‌های پژوهشی مناسب رشته خودشان در قرآن آشنا شوند. همچنین قرآن پژوهان نیز می‌توانند در جریان جدیدترین دست آوردهای علمی پیرامون مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم، به خصوص مطالعات اعجاز قرآن قرار بگیرند.

همچنین برگزاری همایش‌هایی از این سنخ می‌توانند به حل مسائل و معضلات عدیده مادی و معنوی منجر شوند که در دوران معاصر به شدت گریبانگیر جوامع انسانی شده‌اند. اعتقادات ناصحیح و شبهات متعددی که نسبت به اسلام و قرآن وجود دارد به خوبی با چنین همایش‌هایی تبیین و برطرف می‌شود و در نتیجه به تقویت ایمان مومنان منجر خواهد شد. بگذریم که در بسیاری موارد نیز شاهد روی آوردن غیر مسلمانان به دین شریف اسلام بوده‌ایم.

بنده موکداً توصیه می‌کنم که دست آوردهای علمی حاصل از پژوهش‌های صورت گرفته در این همایش و سایر همایش‌های مرتبط در دسترس عموم علاقه‌مندان علی‌الخصوص دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها قرار بگیرد تا با جنبه‌های نو و جدید اعجاز این کتاب آسمانی بیشتر آشنا گردند.

پیام رئیس همایش

دکتر علیرضا طالب پور

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

خداوند متعال در قرآن کریم آشکارا می‌فرماید که قرآن بر اساس علم الهی نازل شده است و از سوی دیگر همگان را فرا می‌خواند تا در آیات آن تفکر، تعقل و تدبر نمایند. گویا با وجود برتری مطلق علم او بر علم بشری انسان‌ها می‌توانند هر یک متناسب با میزان علم خود و در محدوده آن گوهر حقیقت از دریای قرآن صید کنند و به بی‌کرائگی این دریا شهادت دهند و دریابند که این کتاب گفتار بشر نیست و ریشه در علم بی‌پایان الهی دارد.

پژوهش‌کنده اعجاز قرآن در راستای عمل به این فرمان الهی، زمینه‌ای فراهم آورده است تا متخصصان علوم حوزوی و دانشگاهی در کنار یکدیگر و با استفاده از آخرین دستاوردهای بشر در حوزه علوم طبیعی و انسانی و همچنین در زمینه‌ی قواعد فهم و روش‌های مطالعات میان رشته‌ای به مطالعه آیات قرآن و تبادل نظر در این زمینه بپردازند. برپایی همایش اعجاز قرآن کریم که امسال سومین دور آن برگزار می‌شود، با هدف گفتمان‌سازی و ارائه پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه اعجاز قرآن به مثابه مطالعه‌ی میان رشته‌ای است. امید که مورد استفاده علاقمندان و حق‌جویان قرار گیرد.

سخن دبیر علمی همایش

دکتر منصور پهلوان

گرچه در قرآن کریم لفظ «اعجاز» در معنای ناتوان ساختن یا ناتوان شمردن بشر در آوردن کتابی به مانند «قرآن کریم» استعمال نشده است، اما این مفهوم در آن آمده است که اگر جن و انس پشت به پشت هم دهند نمی‌توانند کتابی به مانند آن بیاورند. (الاسراء / ۸۸)

و در آیه‌ای دیگر پس از آن که می‌گوید اگر در شک و تردید هستید از آنچه ما بر بنده‌ی خود نازل کردیم، پس یک سوره به مانند آن بیاورید. (البقره / ۲۳)

و در دنباله این آیه فرموده است:

«فان لم تفعلوا و لن تفعلوا»؛ یعنی: پس اگر نتوانستید و هرگز نخواهید توانست که مانند آن را بیاورید، و این درست دارای همان معنی اعجاز است.

در اعجاز قرآن کریم نزد همه‌ی فرق اسلامی اتفاق نظر وجود دارد، اما در وجه اعجاز آن از دیرباز میان دانشمندان و فرقه‌های مختلف اسلامی اختلاف نظر وجود داشته است.

بیشتر دانشمندان عامه و مکتب خلفاء بر جنبه‌های ظاهری و بلاغی و فصاحت و بلاغت قرآن تأکید کرده‌اند و کتاب‌هایی همچون نظم القرآن جاحظ و النکت لاعجاز القرآن رمانی و اعجاز القرآن باقلانی و اسرار البلاغه و دلائل الاعجاز جرجانی و غیره شاهد این مدعاست.

اما بیشتر دانشمندان خاصه به تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام بر جنبه‌های معنوی و محتوایی قرآن کریم تأکید کرده‌اند و آن را وجه اعجاز می‌دانند.

در کلمات مولای متقیان امیر مومنان علی علیه‌السلام به اوصاف فراوانی از فضائل و کمالات قرآن

کریم اشاره و تصریح شده است اما از فصاحت و بلاغت آن کمتر سخن به میان آمده و اگر در جایی از ظاهر انیق آن می‌گوید بلافاصله از باطن عمیق آن یاد کرده است.

از نظر تحلیل تاریخی نیز می‌توان گفت وقتی خلفاء بر مسند پیامبر اکرم نشستند خود را وارث علوم پیامبر و قرآن کریم دانستند و خود را از علوم و معارف ائمه‌ی اطهار که معلمین واقعی قرآن کریم بودند بی‌نیاز شمردند و به دشمنی با آنان پرداختند. از این رو به ادیبان زبان عرب روی آوردند و آنان را معلمین قرآن خواندند و امتیازات و اعجاز قرآن را در اوصاف ظاهری و فصاحت و بلاغت آن دانستند.

به عقیده ما سخن گفتن از امتیازات زبانی و ظاهری و غفلت از علوم و معارف محتوایی جفا کردن در حق این کتاب است.

ضمناً توجه به وجه محتوایی اعجاز قرآن این کتاب را برای همه‌ی اقوام و ملت‌ها اثبات می‌کند اما اگر وجه اعجاز آن را فصاحت و بلاغت آن بدانیم این اعجاز فقط برای عرب زبان اثبات شده است و سایر اقوام اعجاز آن را شخصا ادراک نخواهند کرد.

در وجه اعجاز علمی و محتوایی قرآن کریم نیز کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است مثلاً وقتی قرآن کریم می‌گوید:

«ما اتخذ الله من ولد و ما كان معه من اله اذا لذهب كل اله بما خلق و لعلا بعضهم على بعض سبحان الله عما يصفون»؛ (المومنون/۹۱)

این یک استدلال استوار و متقن بر توحید است و هیچکس نمی‌تواند در درستی آن تردید کرده و آن را ابطال کند و این خود اعجاز خوانده می‌شود

بسیاری از حقایق علمی قرآن کریم نیز پس از گذشت قرن‌ها و با پیشرفت دانش بشری جلوه‌گری کرده است.

مثل آن که در روزگاری که نظریه بطلمیوس حاکم بود و زمین را مسطح می‌پنداشتند و تنها یک مشرق و یک مغرب برای آن تصور می‌کردند از مشارق و مغارب سخن می‌گوید و این آیات با کروییت زمین هماهنگ است که مشارق و مغارب فراوانی را می‌توانیم بر روی آن اعتبار کنیم و یا با مشارق و مغارب میلیون‌ها کره آسمانی که آنها هم دارای مشرق‌ها و مغرب‌ها هستند.

اما نه کرویت زمین ونه وجود میلیون‌ها خورشید و منظومه سماوی را بشر ادراک نمی‌کرد و به برکت پیشرفت علوم در قرون جدید این حقایق برای ما مکشوف گردیده است. اما از این موضوع نیز نباید غفلت کرد که در تطبیق قرآن کریم با علوم جدید نیز نباید از مسیر حق جویی و اعتدال خارج شد:

اولا بسیاری از فرضیات و حدسیات را نباید حقایق علمی تصور کرد چه بسا در آینده فرضیات بهتری جایگزین این تئوری‌ها شود قرآن کریم با حقایق مسلم و علوم متقن هماهنگی دارد و انتظار داشتن تطبیق قرآن با تئوری‌های اثبات نشده دور از انصاف است. ثانيا گاهی برای اثبات اعجاز علمی قرآن بعضی تفسیرهای بعید و نا روا از آیات قرآن صورت می‌گیرد که مسلما از تفسیرهای «بما لا یرضی صاحبُه» شمرده می‌شود.

کسانی که از اعجاز علمی قرآن سخن می‌گویند باید از صلاحیت‌های زیر برخوردار باشند:

۱- تخصص لازم در زمینه‌های علمی

۲- تخصص کافی در علوم اسلامی و تفسیر

و چنان که هر یک از دو تخصص فوق موجود نباشد هر نظریه‌ای که در باره‌ی اعجاز قرآن و علوم روز ارائه گردد فاقد اعتبار خواهد بود.

این موضوعات سبب شد تا پژوهشکده اعجاز دانشگاه شهید بهشتی سومین همایش علمی خود را به این موضوع اختصاص دهد تا اساتید و محققان نتایج تحقیقات خود را ارائه دهند و آنها را در معرض نقد و نظر متخصصان قرار دهند.

امیدواریم این همایش‌ها در مسیر ارتقای علم و معارف دینی گامی کوچک محسوب گردد و طالبان علم و دین را مفید افتد.

اطلاعات همایش

دبیر همایش: دکتر علیرضا طالب پور
دبیر کمیته علمی همایش: دکتر منصور پهلوان
دبیر کمیته اجرایی همایش: دکتر قاسم درزی
دبیر کمیته بین الملل: دکتر محمود واعظی

اعضای کمیته علمی همایش

دکتر منصور پهلوان (علوم قرآن و حدیث - استاد دانشگاه تهران)
دکتر سیدهدایت جلیلی (علوم قرآن و حدیث - استادیار دانشگاه خوارزمی)
دکتر قاسم درزی (علوم قرآن و حدیث - استادیار دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر محمد علی رضایی اصفهانی (علوم قرآن و حدیث - استاد جامعه المصطفی)
دکتر فرزانه روحانی مشهدی (علوم قرآن و حدیث - استادیار دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر حسین شجاعی (گرانس و کیهان شناسی - استادیار دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر علی شریفی (علوم قرآن و حدیث - استادیار دانشگاه علامه طباطبایی)
دکتر علیرضا طالب پور (کامپیوتر - استادیار دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر احد فرامرز قراملکی (فلسفه - استاد دانشگاه تهران)
دکتر محمد رضا فقیهی (آمار - استاد دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر عبد الهادی فقهی زاده (علوم قرآن و حدیث - دانشیار دانشگاه تهران)
دکتر عباس مصلائی پور (علوم قرآن و حدیث - دانشیار دانشگاه امام صادق)
دکتر محمد علی مظاهری (روانشناسی - استاد دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر مجید معارف (علوم قرآن و حدیث - استاد دانشگاه تهران)

- دکتر حسین مقیسه (الهیات- دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر محمد علی مهدوی راد (علوم قرآن و حدیث - استاد دانشگاه تهران)
دکتر محمود واعظی (علوم قرآن و حدیث - استادیار دانشگاه تهران)
دکتر محمد محجّل (زمین شناسی- استادیار دانشگاه تربیت مدرس)
دکتر محمد ابراهیمی (الهیات- استادیار دانشگاه شهید بهشتی)
دکتر محمد رضا ستوده‌نیا (علوم قرآن و حدیث - استادیار دانشگاه اصفهان)

کمیته اجرایی همایش

- دکتر قاسم درزی
مرجان شهبازی
سید شهاب‌الدین قطب شریف
مصطفی قیاسی
مصطفی مرادی
دکتر فرزانه روحانی مشهدی
محمد رضا بشارتی

برگزار کنندگان همایش

پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی با همکاری انجمن علمی اعجاز قرآن

حامیان و همکاران همایش

- دانشگاه شهید بهشتی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری اطلاعات
دانشگاه تربیت مدرس

ISC

دانشگاه تهران

صندوق حمایت از پژوهشگران و فن‌آوران کشور



مقالات سخنرانی





اعجاز محتوایی قرآن کریم





اعجاز علمی عبارت «تصريف الرياح» در قرآن مبین

غلامرضا براتی^۱، سید شهاب‌الدین قطب شریف^۲، مریم ثقفی^۳

۱- استادیار آب و هواشناسی دانشگاه شهید بهشتی، g_barati@sbu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی، پژوهشگر پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی
s.shahabghotbsharif@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری آب و هواشناسی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

باد یکی از پدیده‌های جهان آفرینش است که در قرآن کریم از آن با لفظ ریح و جمع آن ریح فراوان آمده است. ویژگی تصريف در باب تفعیل برای باد با تعبیر «تصريف الرياح»، یکبار در آیه ۱۶۴ سوره بقره و بار دیگر در آیه ۵ سوره جاثیه آمده است. از مهم‌ترین ویژگی‌های باب تفعیل تکثیر، مبالغه و تکرار است. «بازگرداندن» به عنوان معنای اصلی ریشه «صرف» در لغت با تعابیر دقیق‌تر شامل بازگرداندن چیزی از حالتی به حالت دیگر، تبدیلیش به چیز دیگر، یا بازگرداندن شیء از صورتش و یا از حالی به حال دیگر ذکر شده است. یافته‌های امروز دانش‌های هوا و اقلیم‌گویی استعدادهای بادها به عنوان جریان‌های هوا برای تغییرات کمی شامل سمت و سرعت و تغییرات کیفی شامل مقادیر دما، نم و امگا (حرکت بالاسو) است. اینها معنایی است که در ظرف تصريف می‌گنجد ولی اگر قرآن کریم برای بیان ویژگی‌های باد از ریشه‌های «دَوْر» و «دَوَل» استفاده کرده بود، فراتر از تغییر کمی جهت به عنوان ویژگی قابل درک باد توسط مردمان عصر نزول قرآن معنایی دیگر برداشت نمی‌شد. برای نمونه در التبیان فی تفسیر غریب

القرآن نیز آمده است «تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ: تحویلها من حال إلى حال جنوبا و شمالا و دهورا و صبا و سائر أجناسها». یافته‌های امروز علمی نشان می‌دهد که باده‌ها به عنوان جریان‌های هوا عمدتاً با تأثیر مقادیر متغیر سه نیرو شامل نیروی شیب فشار هوا، نیروی کوریولیس و نیروی اصطکاک دچار تغییر سمت و سرعت شده، بدنبال آن مقادیر نم و دمای آنها به ترتیب با گذر از روی آب‌ها و خشکی و با گذر از عرض‌های بالای جغرافیایی به سوی عرض‌های پایین و وارون آن کم و زیاد می‌شود و بصورت یک سامانه پیوسته در سه مقیاس محلی، منطقه‌ای و جهانی تغییرات جوی کوتاه و بلندمدت را باعث می‌شوند. همچنین همسنگ آمدن نشانه تصریف ریاخ در آیات مورد پژوهش با پدیده اختلاف روز و شب و پدیده نزول باران می‌تواند گویای اهمیت الگوی پیوسته یاد شده باده‌ها باشد که از این اختلاف پاندولی شب و روز تأثیر پذیرفته و با حرکات موجی خود اسباب نزول و صعود و در نتیجه بارش‌های آسمانی را فراهم می‌کنند. چنانچه الگوی جهانی باده‌ها با ویژگی تصریف (تغییرات مکرر سمت و حالات آن) نبود، بجز مناطقی ساحلی و کنار آب، سرزمین‌های پهناور درون خشکی‌ها که میلیاردها انسان و نیز حیات جانوری و گیاهی عظیمی را در خود جای داده‌اند؛ بهره‌ای از آب و در نتیجه حیات نمی‌یافتند.

واژه‌های کلیدی:

قرآن کریم، علوم جو، تصریف، باده‌ها.

اعجاز کیهان‌شناسی قرآن در ارائه مدل توسعه‌یابنده از جهان

سید عیسی مسترحمی^۱

۱- دکترای قرآن و متون اسلامی دانشگاه معارف اسلامی، دکترای قرآن و علم (گرایش نجوم) جامعه المصطفی، استادیار جامعه المصطفی العالمیه (ص)، dr.mostarhami@chmail.ir

چکیده

به اعتقاد ارسطو، که نظریه غالب در عصر نزول قرآن کریم بود، تمام اجرام آسمانی در منطقه فوق القمری، ازلی، ابدی و ثابت بودند. (ارسطو، ۱۳۷۹: ۷۱) این اندیشه بنیادین در اخترشناسی بطلمیوسی تعدیل و بسط یافت. (چالمرز، ۱۳۸۱: ۸۶) این در حالی است که قرآن کریم در آیات ۳۰ سوره انبیاء، ۴۷ سوره ذاریات، و ۶۷ سوره زمر به صراحت با بسیاری از این آموزه‌های باطل مخالفت کرده و پرده را از واقعیت کنار می‌زند؛ تا حدی که برخی از مفسران و دانشمندان آن را اعجازی نجومی از قرآن کریم قلمداد کرده‌اند.

«وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»؛ ذاریات: ۴۷، (وآسمان را با قدرت بنایش کردیم و قطعاً ما

گسترش دهنده‌ایم).

در تفسیر این آیه سه احتمال مطرح شده است. در احتمال اول، واژه «اید» بمعنای قدرت بوده و مراد از «إِنَّا لَمُوسِعُونَ» این باشد که ما دارای قدرتی وسیع و غیرقابل برابری هستیم. بنابراین احتمال دوم «اید» بمعنای نعمت است که در این صورت جمله «إِنَّا لَمُوسِعُونَ» بدین معناست که نعمت ما بی‌مقدار و بی‌شمار است. احتمال سوم اینکه مقصود آیه از توسعه دادن، توسعه آسمان

است که کیهان‌شناسی جدید نیز موید آن است. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق. ۱۸:۳۸۱)

نویسندگان کتابهای، الاعجاز العلمی فی القرآن، (سامی، بی تا: ۳۵) الاعجاز العلمی فی الاسلام، (عبدالصمد، ۱۴۱۷ق: ۵۵) موسوعه الاعجاز العلمی فی القرآن (ماردینی، ۱۴۲۵ق: ۴۹) و السماء فی القرآن الکریم، (زغلول النجار، ۱۴۲۵ق: ۷۵) از افرادی هستند که با پذیرفتن این تفسیر از آیه شریفه، آن را اعجازی علمی از قرآن کریم می‌دانند. تفسیر نمونه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش. ۲۲:۳۷۵) و التمهید فی علوم القرآن (معرفت، ۱۴۱۷ق. ۶:۱۱۴) و برخی دیگر از معاصران (صادقی، ۱۳۸۰ش: ۲۲۹؛ السعدی، ۱۴۱۷ق: ۱۴۰) نیز اگرچه به اعجاز نجومی بودن این آیه تصریح نکرده‌اند ولی با بیان این نکته که گسترش آسمان که آیه به آن اشاره دارد، تازه کشف شده و مورد تایید کیهان‌شناسان است، اعجاز علمی بودن آن را پذیرفته‌اند.

کیهان‌شناسان مدل‌های ریاضی گوناگونی را از جهان ارائه داده‌اند. برخی همچون نیوتن آن را ایستا و ساکن می‌دانستند و قائل بودند به زودی تحت تأثیر نیروی گرانش، شروع به انقباض خواهد کرد. (هاو کینگ، ۱۳۷۵ش: ۵۸) تا قرن اخیر عقیده به جهانی ایستا آنچنان قوی بود که حتی هنگامی که اینشتین نظریه نسبیت عام را در سال ۱۹۱۵ فرمول‌بندی کرد، آنقدر به ایستا بودن جهان بزرگ اطمینان داشت که برای امکان آن، با وارد کردن مقدار ثابتی در معادلات خود به نام ثابت کیهانی، نظریه خود را اصلاح کرد. البته او بعدها وارد کردن ثابت کیهانی را بزرگترین اشتباه خود خوانده بود.

مدل دیگری که از جهان ارائه شده، جهان را در حال گسترش می‌داند. ملوین سلیف (متولد ۱۸۷۵م.) با بررسی خطوط طیفی ستارگان به این نتیجه رسید که ستارگان در حال دور شدن از ما هستند. (روسو، ۱۳۳۵ش: ۷۳۹) ژرژ لومتر (ویلیم، ۱۳۷۴ش: ۱۳۳) و هابل از دیگر دانشمندانی هستند که با سلیف هم عقیده گشتند. هابل تحقیقات سلفیر را ادامه داد و در این باره قانونی ارائه داد که به نام «قانون هابل» مشهور است. (هوگان، ۱۳۸۳ش: ۵۸؛ هاج، ۱۳۷۷ش: ۲۵۱) هابل در سال ۱۹۲۹م. اعلام کرد که دور شدن کهکشان‌ها با نظم خاصی صورت می‌گیرد؛ یعنی هرچه فاصله کهکشان‌ها از ما دورتر می‌شود، سرعت آنها نیز بیشتر می‌گردد. (روسو، ۱۳۳۷ش: ۴۰۹)

گسترش و توسعه آسمان‌ها از جمله مسایل علمی است که با پیشرفت‌های نجومی در زمینه فیزیک از جمله اپتیک، مورد توجه ویژه قرار گرفته است. امروزه شواهد بر این نظریه آنقدر فراوان است که آن‌را تا حدّ یک مسئله قابل پذیرش و قطعی برای دنیای علم تبدیل کرده است؛ به نحوی که بسیار بعید است شخص آشنای با فیزیک و کیهان‌شناسی در صحت آن تشکیک کند. از طرفی این مطلب علمی، در زمان نزول و حتی تا قرون اخیر بر همگان پوشیده بود و بنابراین، بیان صریح آن توسط قرآن کریم می‌تواند اعجازی نجومی از این کتاب آسمانی به شمار آید.

از دیگر تعبیر قرآنی که می‌توان آن را اشاره به شکل کیهان و موید تفسیر پیش گفته دانست، «رتق و فتق» است. «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا» (انبیاء: ۳۰) «آیا کسانی که کفر ورزیدند اطلاع نیافتند که آسمانها و زمین پیوسته بودند، آن دو را گشودیم.» این آیه، به هم پیوستگی آسمانها و زمین در آغاز خلقت را یادآور شده است. بر اساس یافته‌های کیهان‌شناسی، مجموعه این جهان به صورت توده واحد عظیمی از غبار سوزان بود، که بر اثر انفجارات درونی و حرکت، تدریجاً تجزیه شد و اجرام آسمانی، از جمله منظومه شمسی و زمین به وجود آمد و باز هم جهان در حال گسترش است. (صادقی، ۱۴۰۸ ق. ۱۶:۲۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش. ۱۳:۳۹۴؛ نوفل، ۱۴۰۷ ق: ۱۶۲)

واژگان کلیدی:

قرآن، اعجاز، مهبانگ، گسترش جهان.

«فلک مشحون» در آیه ۴۱ سوره یس و اعجاز علمی قرآن

زهرا تارخ^۱، زهرا بشارتی^۲، محمدرضا بشارتی^۳

۱- دانشجوی دکتری نانوبیوتکنولوژی دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشگر پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی،
tarokh1414@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی پژوهشگر پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی،
mrs. besharati@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری مهندسی نرم افزار دانشگاه صنعتی شریف، پژوهشگر پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی،
quranstudent@chmail.ir

چکیده

زبان قرآن با مراتب تشکیکی خود همه انسان ها، اعم از عامیان و متخصصان فرهیخته در علوم و فنون را در بر می گیرد و اختصاص به طیف خاصی از انسان ها ندارد. در قرآن کریم از سبکها و شیوه های بسیاری جهت تفهیم محتوای الهی آن استفاده شده است که هر یک از شیوه های مذکور، نتیجه و تأثیر متناسب با خود را در مخاطب خواهد داشت. لازمه فهم صحیح قرآن، واکاوی دقیق کلمات و اصطلاحات به کار رفته در آن است که با بهره گیری از ابزارها و روش های گوناگون صورت می پذیرد. در این میان می توان به مطالعات میان رشته ای قرآن کریم اشاره کرد که امروزه بیش از پیش مورد توجه محققان علوم قرآنی قرار گرفته است. با عنایت به این مطالعات می توان میان فهم آیات قرآن و علوم مختلف ارتباط برقرار نمود و به حقایق و اشاراتی علمی در ورای نقش هدایتی قرآن دست یافت.

از جمله ترکیبات استعمال شده در قرآن که با عنایت به علوم گوناگون از سوی برخی

مفسران و محققان مسلمان مورد توجه قرار گرفته، «فلک مشحون» در آیه ۴۱ سوره یس است. تأمل در آرای ارایه شده پیرامون این ترکیب تاکنون این نکته را نمایان می‌سازد که برداشت‌های علمی از آیه مذکور با عنایت به سیاق آیات بعد و در سطح ظاهری صورت گرفته که بعضاً وجود اعجاز علمی برای این آیه را مطرح نموده‌اند. این در حالی است که توجه به شیوه‌های بیان چون تمثیل و مجاز و... در آرای ایشان کمتر نمود یافته است. لذا باز کاوی آیه مورد بحث با نگرشی عمیق‌تر و عنایت به سبک‌ها و شیوه‌های بیان آیات در سیاق، کاربردهای قرآنی و روایی «فلک مشحون»، نیز روایات تفسیری مطرح شده ذیل آیه و از دیگر سو تناسب این معانی با ملاک‌های اعجاز علمی قرآن ضرورت دارد. بنابراین نوشتار حاضر با تأمل در قرآن، روایات و زبان عرب و نظر داشت حقایق علم زیست‌شناسی به این سؤال اصلی که: «نسبت اعجاز علمی قرآن و مدلول «فلک مشحون» در آیه ۴۱ سوره یس چگونه است؟

بر این اساس ترکیب «فلک مشحون» در قرآن، روایات و زبان عرب به معنای کشتی مملو (پر) استعمال شده است. برخی از مفسران بر این باورند که «فلک مشحون» در آیه ۴۱ سوره یس علاوه بر معنای ظاهری کشتی مملو بر معانی تمثیلی دیگری چون کشتی سلامت و یا بطون (شکم‌ها) زنان دلالت دارد. بر این اساس با عنایت به حدیث تفسیری منتسب به امام علی علیه السلام: «أَنَّ الذرية النطف حملها الله تعالى في بطون النساء تشبيهاً بالفلک المشحون» که «نطفه» در آیه مذکور را به «ذریه» و «بطون زنان» را به «فلک مشحون» تشبیه کرده‌اند، میتوان فرض کرد خداوند در این آیه حمل اطلاعات ژنتیکی توسط فلک مشحون را بیان نموده که دو احتمال در این زمینه قابل طرح است: اول آن که سلول جنسی ماده که در تخمدان جنس مونث و در واقع در بطن زن قرار دارد، به کشتی تشبیه شده باشد که پس از رها شدن از تخمدان، در محیطی که حاوی ترشحات مایع است (لوله تخمدان) همانند یک کشتی حرکت میکند تا سلولهای جنسی نر خود را به آن برسانند و لقاح صورت گیرد و احتمال دوم این که فلک مشحون، اشاره به تخمدان در جنس مونث باشد. همچنین پیچیدگی و پری درون سلول و یا تخمدان‌ها با لفظ مشحون در آیه تناسب دارد. لذا می‌توان سیاق آیات بعد: «وخلقنا لهم من مثله مايركبون ان نشا نغرقهم فلا صريخ لهم و لا هم ينقذون...» را دال بر وجود اندام جنسی معادل تخمدان در جنس مذکر و یا سلول‌های نر

و ماده و نیز غرق شدن سلول‌هایی که موفق به ورود به سلول تخم نشده‌اند، دانست. از آنجایی که پدیده‌های طبیعی و زیستی مورد اشاره در این دو احتمال و حقایق علمی مرتبط با آنها در زمان نزول وحی توسط بشر کشف نگردیده است، می‌توان گفت در تفسیر این آیه شریفه و در لایه بطنی و تمثیلی ملاک رازگویی علمی (یعنی قبل از نزول آیه مطلب علمی برای همه مردم پوشیده بوده است) وجود دارد. از دیگر سو برخی از مفسران نیز با عنایت به ظاهر آیه از: «وخلقنا لهم من مثله ما یرکبون» خبر از خلقت دیگر مرکب‌ها مانند هواپیما و سفینه فضایی و... را نتیجه گرفته‌اند و آن را گونه‌ای از پیشگویی‌های غیبی قرآن و از اعجازهای علمی قرآن برشمرده‌اند. بنابراین می‌توان در هر دو نگرش ظاهری و تمثیلی، احتمال وجود اعجاز علمی قرآن کریم را در آیه ۴۱ سوره یس مطمح نظر قرار داد.

واژه‌های کلیدی:

فلک مشحون، اعجاز علمی، نطفه، بطن زن

جایگاه انسان در جهان هستی از دیدگاه قرآن

مهدی جعفری نجفی^۱

۱- رئیس گروه توسعه شبکه فضایی، شرکت خدمات انفورماتیک، تهران-ایران، m_jafari@isc. co. ir

چکیده

در آیه اول هدف از خلقت انسان ذکر شده است. مطابق این آیه خداوند به فرشتگان می‌گوید که خلیفه‌ای در زمین قرار خواهد داد. از آیه دوم به وضوح می‌توان دریافت که خلیفه مشخصا همان آدم است. زیرا این آیه بلافاصله پس از آیه اول و در ادامه بیان همان موضوع انتخاب خلیفه در زمین ذکر شده، و تعلیم اسماء به آدم در راستای نیازهای خلیفه شدن باید باشد. مطلب دیگر این است که، از ظاهر آیه اول که خداوند می‌فرماید «بدرستی که من در زمین خلیفه‌ای قرار می‌دهم» و ادامه آن، که فرشتگان به خداوند عرضه می‌دارند «وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ: ما تسبیح و حمد تو را بجا می‌آوریم، و تو را تقدیس می‌کنیم»، و اینکه ایشان خود را نسبت به آدم بیشتر شایسته خلافت می‌دانند، استنباط اینکه خلافت مورد اشاره، مقامی والا بوده و مشخصا جانشینی خداوند مدنظر است، قطعی بنظر میرسد.

بنابراین، مهمترین تفاوت انسان امروزی با همه دیگر موجودات عالم از دیدگاه قرآن، این است که انسان به عنوان جانشین خالق جهان برگزیده شده است. یعنی انسان در جایگاه جانشین خدا، باید بجای او همان کار او را (یا بخشی از کار او را) در رابطه با مورد خاصی انجام دهد. حضرت آدم علیه السلام تجربه زندگی در این جهان را داشته و فعل خدا هم در ارتباط با گونه آدم و

جهان هستی حداقل شامل تدبیر امور آنان می‌شود. در نتیجه باتوجه به آیه اول، انسان به مقام جانشینی خداوند برگزیده شده، تا به نیابت از او تدبیر امور خود و جهان هستی را بدست گیرد. آیه دوم می‌گوید (وَ عَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا) یعنی «و - خداوند - همه اسماء را به آدم تعلیم داد». آیات و تاکیدات بی‌شمار قرآن در خصوص خلقت آسمانها و زمین و اینکه آنها و هر آنچه در آنهاست را مسخر انسان کرده، نمی‌تواند بدون هدف مهمی تلقی شود («وَ سَخَّرَ لَكُمُ الْاِثْلَ وَ النَّهَارَ وَ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ وَ النُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ...»). بنابراین علمی که از آن در آیه دوم یاد شده که به انسان آموخته شده، باید در ظرف پذیرش آدم بوده و لذا حداقل شناخت موجودات و پدیده‌های تجربه پذیر این عالم را شامل می‌گردد. از طرفی از آیه ششم (و آنچه در آسمانها و آنچه در این زمین است همه را که از اوست به سود شما مسخر نمود) هم می‌توان چنین دریافت کرد که آن علمی که در آیه دوم از آن یاد شده و انسان آنرا فرا گرفته، حداقل مربوط به آفرینش آسمانها و زمین، پدیده‌ها و تمامی موجودات در آنهاست. زیرا، همه آسمانها و زمین و هر آنچه در آنست را تحت کنترل و سیطره انسان قراردادن، در حالی که علم و آگاهی نسبت به آن نداشته باشد، توجیه ناپذیر بوده و منطقی بنظر نمی‌رسد.

اما صرف داشتن علم و شناخت نسبت به نظام هستی، تکافوی شروط لازم برای جانشینی خداوند و تدبیر امور آن نیست. آنچه که در کنار کسب علم و برای ادای وظیفه جانشینی مورد نیاز است، قدرت اعمال طرح، نظر و اراده است.

در آیه سوم خداوند به همه ملائک - بعنوان کارگزاران و مجریان فرامین او در اداره نظام هستی - می‌گوید که «چون آفرینشش را به پایان بردم و از روح خود در آن دمیدم، در برابر او به سجده بیفتید». در این آیه خداوند یک ویژگی دیگر به انسان عطا می‌کند، که همان روح خودش است. اما روح خدا چیست و چه کارکردی دارد و چرا برای داشتن مقام جانشینی خداوند به آن نیاز است؟ آیه چهارم خاصیت و ویژگی روح خدا را بیان می‌کند و از تو در مورد روح می‌پرسند، بگو: روح از - جنس - فرمان پروردگار من است». کلمه «مِنْ» در آیه اخیر بیانگر جنس است. یعنی روح از جنس امر خداست. نهایتاً در آیه پنجم بیان می‌دارد: «بدرستی که امر او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید: «موجود باش!»، آن نیز موجود می‌شود

« یعنی بطور خلاصه از این سه آیه می‌توان دریافت که، انسان دارای روح خداست که این روح از جنس امر خداست و امر خدا چنانچه اراده کند به چیزی، و به آن بگوید که موجود باش، پس آن چیز موجود می‌شود. این یعنی اعطای قدرت کامل به انسان بر محقق کردن چیزی که در مقام جانشینی خدا و با تکیه بر علم و دانش اراده می‌کند.

دو نکته مهم دیگر در این سه آیه وجود دارد؛ مورد اول، سجده فرشتگان به انسان پس از اعطای روح خدا به اوست. منظور اصلی آن است که همه علل و اسباب اجرای اوامر الهی در این نظام هستی که همان ملائک و فرشتگانند، از این به بعد در اطاعت و به فرمان و امر انسان هستند. دیگر اینکه، از ظاهر آیه پنجم و آیات مشابه آن چنین برمی‌آید که اراده بر هر چیز، به شرطی واقع می‌شود که بیان شود، و صرف نیت کردن و اراده داشتن شرط لازم یا کافی برای وقوع امر نیست. در نتیجه می‌توان گفت، انسان در مقام جانشین خدا و مدبر جهان هستی به نیابت از او، با تکیه بر علم و دانش اراده می‌کند که امری واقع شود، و چون آنرا بیان کند، اجرا می‌شود.

در نتیجه، انسان از دیدگاه قرآن دارای ویژگیها و تمایزات ذیل نسبت به همه موجودات است:

- جانشین خالق جهان و اداره کننده نظام هستی
- دانا نسبت به همه پدیده‌ها و موجودات عالم
- دارای قدرت بیان به هر صورت ممکن (زبان و هنر و...)
- قادر به اعمال اراده و نظر در همه شؤونات نظام آفرینش

وقتی به گستردگی و پیچیدگی جهان هستی نظر می‌کنیم و جایگاه فعلی انسان را نسبت آن می‌سنجیم، تصور اینکه انسان برای اداره چنین نظامی از جانب خدا برگزیده شده بسیار رویایی و دور از ذهن بنظر می‌رسد. ریشه این فاصله زیاد چیست؟

پس از آنکه آدم به مقام جانشینی خداوند برگزیده شد، و علم آموزی را آغاز کرد و روح خدا در او دمیده شد، خداوند او را در کنار خود و در بهشت جای داد. در واقع، بهشت فضا و ماهیتی است که در آن همه ویژگی‌های ممتازی که برای انسان برشمردیم، در کامل‌ترین وجه ممکن امکان تبلور می‌یابد. اما انسان با تناول از آن درخت ممنوعه، از دستوری که خداوند به

او داده بود سرپیچی کرد. این نافرمانی اولاً مشخص نمود که همه انسانها نمی‌توانند در جایگاه جانشینی خداوند و تدبیر امور جهان هستی قرار گیرند. زیرا اختلاف نظر بین مالک اصلی عالم با جانشین اش موجب خلل در روند تدبیر امور آن می‌شود. و ثانیاً مشخص نمود، اینکه گروهی از انسانها اطاعت امر خدا کنند و گروهی نکنند، قطعاً بین خود آنها هم تضاد آراء و منافع ایجاد می‌کند. حال، از آنجائیکه همه انسانها توان اعمال نظر خود را دارند، تقابل آنها با یکدیگر، باز هم موجب بروز خلل در نظام آفرینش می‌شود. بنابراین خداوند به انسان امر کرد که هبوط نماید. ولی، از سر لطف و فضل و رحمت خود هیچ یک از ویژگی‌هایی که برای انسان برشمردیم، از جمله خلیفه الهی، را از او نگرفت. بلکه صرفاً به او فرصت دیگری داد(اما در فضای عمل بسیار محدودتر) تا خود را بسازد و آماده پذیرش هویتی جدید(بهشتی) و انجام مسئولیت خطیری که بعهدہ گرفته نماید.

تفسیر علمی تسبیح همگانی موجودات

فرزانه روحانی مشهدی^۱، مصطفی مرادی^۲

۱- استادیار پژوهشکده اعجاز قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، f_rohani@sbu.ac.ir
۲- دانشجوی دکتری فوتونیک، پژوهشکده لیزر و پلاسما، دانشگاه شهید بهشتی، mostafa0012@gmail.com

چکیده

برخی از آیات قرآن از تسبیح همه اشیاء عالم سخن می گوید:
«تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (الاسراء: ۴۴) آسمانهای هفتگانه و زمین و هر که در آنهاست او را به پاکی می ستایند، و هیچ چیز نیست مگر آنکه او را به پاکی یاد می کند و می ستاید و لیکن شما تسبیح آنها را در نمی یابید. همانا او بردبار و آمرزگار است.
این آیات محل بحث دانشمندان مسلمان و مفسران گردیده و از منظرهای قرآنی و فلسفی فرضیات گوناگونی درباره مراد خداوند از این آیات شکل گرفته است.

دیدگاه اول:

برخی دانشمندان مفهوم تسبیح موجودات و اشیاء را مجازی دانسته معتقدند تسبیح آنها با زبان حال است؛ که این گروه خود دو نظردر باره تسبیح به زبان حال دارند؛ یکی اینکه موجودات با محدودیت‌ها و نقص‌هایی که در وجود خود دارند بر وجودی بی‌نقص و کامل دلالت می‌کنند که خالق آنهاست و دیگر آن که هر موجودی با نظم ویژه و خلقت خاص خود، به عبارتی از جنبه کمال خود، برای قدرت و علم و کمال آفریدگار خود آیت و نشانه است. این دیدگاه شعورمندی

را برای همه موجودات نمی‌پذیرد و آثار وجودی اشیاء را که دلالت بر نقص آنان و کمال خالق آنان دارد، تسبیح این موجودات به زبان حال می‌شمرد و خطاب «لاتفقهون تسبیحهم» را به کافران اختصاص می‌دهد.

دیدگاه دوم:

گروهی دیگر با تکیه بر برهان‌های فلسفی و قرآنی این تسبیح را حقیقی می‌دانند و از شعورمندی و علم موجودات که لازمه تسبیح حقیقی است، دفاع می‌کنند و سخن گفتن آنان را به زبان قال و به وجهه ملکوتی آنان نسبت می‌دهد. بنابر این دیدگاه خطاب لاتفقهون متوجه عموم مردم است و تنها بندگان خاص که چشم و گوش قلبشان به روی ملکوت گشوده شده از آن استثناء شده‌اند.

دیدگاه سوم:

برخی پژوهشگران نیز ادعا نموده‌اند که علم امروز این مطلب قرآنی را تأیید می‌کند و در این رابطه با استفاده از اطلاعات علمی که در این زمینه به دست آورده‌اند، اظهار می‌دارند که هر چیزی در هستی، به نوعی سخن می‌گوید و امواجی را از خود صادر می‌کند. برای مثال، از برخی گیاهان امواج و فرکانس‌های صوتی ایجاد می‌شود و یا برخی از ستارگان از خود صداهایی تولید می‌کنند، مثلاً ستاره نوترونی که خداوند آن را طارق نامیده، صدایی شبیه پتک صادر می‌کند و... . لذا آیاتی را که در مورد تسبیح موجودات است، بر این امواج و فرکانس‌های صوتی که از ذرات و موجودات عالم صادر می‌شود، تطبیق داده و گفته‌اند که هر چیزی در هستی صدای خاصی دارد و این گونه خدا را تسبیح می‌کند و این مطلبی است که قرآن در ۱۴۰۰ سال پیش آن را بیان کرده است.

اشکال ادعای فوق در آنست که امواج صوتی که خود نوع خاصی از امواج فیزیکی هستند، به دلیل قید انتشار آنها فقط در محیط‌های مادی، از تمامی موجودات هستی، اعم از جاندار و غیر جاندار، صادر نمی‌شوند و این با عمومیت مفهوم شیء سازگاری ندارد.

دیدگاه پیشنهادی:

این مقاله صدور امواج الکترومغناطیسی از اشیاء را با تسبیح اشیاء تطبیق می‌دهد. با استفاده

از قانون استفان-بولتزمان در ترمودینامیک در می‌یابیم که اجسام در دماهای مختلف از خود تابش‌های گرمایی ساطع می‌کنند که رابطه‌ی شدت تابش با دمای جسم بصورت زیر می‌باشد:

$$I = \sigma T^4$$

که در رابطه‌ی بالا T دما بر حسب کلوین، I شدت بر حسب وات بر متر مربع و ثابت استفان-بولتزمان می‌باشد. رابطه‌ی بالا بخوبی نشان می‌دهد تا زمانی که دما بر حسب کلوین صفر نشود، تابش گرمایی مقداری غیر صفر خواهد داشت. به عبارت دیگر، هر جسمی در هر دمایی از خود تابش گرمایی ساطع می‌کند. از طرفی می‌دانیم که تابش گرمایی یک تابش الکترومغناطیسی است که توسط حرکات گرمایی ذرات باردار در ماده تولید می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر جسمی در هر دمایی (غیر از صفر کلوین) از خود امواج الکترومغناطیسی ساطع می‌کند. شاید بتوان مصداق تسبیح در تمام موجودات را همین امواج الکترومغناطیسی دانست؛ زیرا هم همگانی و در تمام هستی وجود دارند و هم اینکه مداوم و استمراری هستند؛ همانطور که عبارت «یسبح» در آیه‌ی شریفه افاده‌ی استمرار می‌کند.

این دیدگاه، درباره شعورمندی اشیاء ساکت است؛ اما زبان تسبیح را زبان قال می‌داند و مخاطب لاتفق‌هون را به غیر عالمان اختصاص می‌دهد. یعنی عموم انسانها پیش از کشف نظریه علمی مذکور مخاطب آیه خواهند بود. البته آشکارسازی این امواج، تضادی با عدم درک ما نسبت به حقیقت تسبیح موجودات ندارد. توجه به کاربردهای «فقه» در قرآن نشان می‌دهد این واژه بر فهم قلبی و باطنی دلالت دارد و نه بر دریافتهای حسی؛ در این صورت باید گفت، این امواج علامت و آثار مادی تسبیح همگانی موجودات در عالم ملکوت هستند؛ یعنی نمود مادی حقیقت تسبیح توسط عالمان قابل مشاهده است، اما حقیقت و باطن تسبیح موجودات از جنس ملکوت است و بر عموم مردم پوشیده است و آن را جز اندکی از بندگان خاص خداوند نمی‌فهمند. بنابراین نسبت تفسیر پیشنهادی به دیدگاه دوم، نسبت ظاهر با باطن است و می‌توان این دو دیدگاه را به عنوان تفسیر آیه در کنار هم مطرح نمود.

واژه‌های کلیدی:

تسبیح همگانی، آیه ۷ اسراء، امواج الکترو مغناطیس، تفقه.

اعجاز علمی قرآن با تکیه بر آیه ۷ سوره نبأ

مرضیه نورانی نگار^۱

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، m_nouraninegar@ut.ac.ir

چکیده

بخشی از آیات علمی قرآن، بیان آفرینش کوه‌هاست. خداوند متعال، انسان را به تفکر در چگونگی نصب کوه‌ها دعوت کرده و از آنها به عنوان میخ واره نام برده است «أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا* وَ الْجِبَالَ أَوْتَادًا» (نبأ ۶-۷). این بیان قرآن، با یافته‌های جدید زمین‌شناسی که دانشمندان در دو قرن اخیر بدان دست‌یافته‌اند مطابقت دارد، در حالیکه در زمان نزول قرآن حتی مقدمات این یافته علمی هم کشف نگردیده بود. در اینجا می‌کوشیم تا با بیان فرضیات مختلف زمین‌شناسی در خصوص ایزوستازی زمین (تعادل پوسته زمین بر روی بخش مذاب درونی)، حقایق انکار ناپذیری که در دو قرن اخیر کشف گردیده‌است را مطرح نموده و بیان قرآن که قرن‌ها پیش بدانها اشاره نموده‌است را آشکار سازیم. در این میان به مصادیق تفسیر به رأی در خصوص این آیه که تحمیل فرضیات زمین‌شناسی بر قرآن هستند نیز اشاره می‌کنیم.

واژه‌های کلیدی:

ایزوستازی، قرآن، کوه، میخ‌وارگی.

علم غیب امام و اعجاز علمی قرآن در روایات تفسیری

محمد شعبان پور^۱، زهرا بشارتی^۲

۱- استادیار قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی mohamadshabanpour@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی، پژوهشگر پژوهشکده اعجاز قرآن دانشگاه شهید بهشتی،

mrs. besharati@yahoo.com

چکیده

مسئله علم امام از مهمترین مسائل در محدوده باورها و اعتقادات دینی شیعیان است. به این بیان که پیامبر و امام باید به تمام آنچه امت بدان احتیاج دارند، عالم باشند، زیرا جهل به این امور نقص است و امام و پیامبر باید از آن میرا باشند تا شایستگی تبعیت و اطاعت را احراز نمایند. لذا سخن بر سر محدوده این علم است که آیا صرفاً علم به احکام را در بر می‌گیرد یا علم به موضوعات خارجی و سایر حوادث و وقایع عالم خواه در گذشته اتفاق افتاده باشد یا در آینده. با عنایت به سیره عملی ائمه به موارد فراوانی برمی‌خوریم که دلالت بر این مطلب دارد که ایشان در زندگی شخصی شان همانند دیگران عمل می‌کنند و سلوکشان این مطلب را می‌رساند که از بسیاری از وقایع، اطلاع فوق طبیعی ندارند؛ گاهی ظاهراً علم غیب را از خویش نفی می‌نمایند و گاهی نیز خود را عالم به غیب معرفی می‌نمایند. این رویکرد به علم امام و بندگان ویژه خداوند در قرآن نیز مشاهده می‌شود. در این میان دسته‌ای از آیات علم غیب به خداوند نسبت داده می‌شود و در برخی دیگر به رسولان و بندگان ویژه خداوند. از دیگر سو روایاتی از معصومان علیهم‌السلام

در دست هست که به تبیین برخی آیات علمی قرآن پرداخته و اشاراتی به علوم مختلف دارد. معصومان علیهم السلام علاوه بر تفسیر آیات با اعتماد به دلالت الفاظ به حقایق باطنی و معانی عمیق آیات قرآن اشاراتی داشته‌اند. برخی با عنایت به محدوده علم امام، این گونه روایات را فاقد اعتبار و مجعول دانسته‌اند و گروهی دیگر وجود اشارت‌های علمی در متن این روایات را دال بر صحت آن و اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند. بنابراین هر چند تا کنون تلاش‌هایی از سوی مفسران در جمع میان این آیات و روایات به ظاهر متعارض در این باب صورت گرفته، لکن رابطه میان علم غیب امام و ملاک‌های اعجاز علمی قرآن با عنایت به محدوده این علم و عناوینی که در قرآن پذیرفته، مورد بررسی قرار نگرفته است. از این رو نوشتار حاضر با تأمل در قرآن، روایات و زبان عرب و نیز تحلیل آراء مفسران و اندیشمندان اسلامی به این سؤال اصلی که: «نسبت علم غیب معصومان علیهم السلام و اعجاز علمی قرآن در روایات تفسیری چگونه است؟» پاسخ داده است.

بر این اساس خداوند بندگانی را که بخواهد به هر مقدار از غیب مختص به خود آگاه می‌سازد بدین سان که بخشی از علم غیب از خزینه‌ها (مفاتیح) خارج شده، در کتابی محدود می‌شود که خداوند سایر موجودات را در آن ضبط نموده و آنها را بعد از بیرون شدن از خزائن و قبل از رسیدن به عالم وجود و همچنین بعد از آن و بعد از طی شدن دورانشان در این عالم حفظ می‌نماید. این علم با اراده الهی به فرد داده می‌شود و مطلق و ذاتی نیست که ائمه علیهم السلام نیز خود بر آن تأکید نموده‌اند. بر اساس چنین فرآیندی به بندگان ویژه خداوند چون پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام درجاتی از علم غیب با عنایت به مراتب ایشان اعطا می‌گردد. از آنجایی که آراء اندیشمندان مسلمان در باب مفهوم شناسی غیب اختلافی است، محدوده این علم و ویژگی‌های آن نیز محل مناقشه قرار گرفته است. برخی از علم غیب به غیر محسوسات (مجردات، قیامت و...) و نیز محسوساتی که بشر بعدها کشف نموده و در علم امام وجود دارد، تعبیر کرده‌اند لکن گروه دیگر محسوسات بشر را خارج از محدوده غیب دانسته و علم غیب امام را منحصر در خبر از قیامت و مجردات و... نموده و پیش بینی معصومان علیهم السلام از کشفیات آینده بشری را بخشی از علمی می‌دانند که در کتاب مبین ثبت و ضبط گردیده است. از برآیند آراء فوق می‌توان نتیجه گرفت هر دو گروه در این که علم امام غیر محسوساتی چون برزخ و قیامت و... و اخبار گذشتگان

و نیز محسوساتی که بشر بعدها کشف نموده را در برمی گیرد، اتفاق نظر دارند لکن تفاوت در عنوانی است که بر این علم تعلق می‌گیرد. برخی با عنایت به کاربردهای قرآنی، آن را علم غیب و گروه دیگر علم الکتاب نامیده‌اند. بنابراین با عنایت به ملاک‌های اعجاز علمی قرآن که عبارتند از: رازگویی علمی و پیشگویی و اخبار غیبی در مورد وقوع حوادث طبیعی و جریان‌های تاریخی، می‌توان بر انطباق علم امام با ملاک‌های مذکور صحنه گذارد هر چند عنوان علم غیب یا علم الکتاب برای این علم از سوی اندیشمندان مسلمان مورد مناقشه قرار گرفته باشد. از این رو می‌توان مصادیقی از اشارات علمی قرآن مانند پیش بینی جاهلیت ثانیه، وجود ذرات ذره بینی در عالم آفرینش و جاذبه عمومی و... در روایات تفسیری معصومان علیهم‌السلام را حجتی بر وجود اعجاز علمی قرآن در کلام ایشان دانست.

واژه‌های کلیدی:

قرآن، علم غیب، امام، اعجاز علمی، روایات تفسیری.

نگاهی نو به بخشی از جزئیات نامه اعمال با استفاده از مسائل زیست مولکولی در قرآن کریم

هدی زارع میرک آباد^۱، جواد ایروانی^۲، مهدی مقامی^۳، محمد فارسی^۴

۱- دانشجوی دکتری بیوتکنولوژی و به نژادی گیاهی، دانشگاه فردوسی مشهد، ho_zar9@stu.um.ac.ir

۲- دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، irvani_javad@yahoo.com

۳- استاد حوزه علوم اسلامی دانشگاهیان مشهد، maqami57@gmail.com

۴- استاد گروه بیوتکنولوژی و به نژادی گیاهی، دانشگاه فردوسی مشهد، mohfarsi@yahoo.com

چکیده

طبق آیات قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام، شناخت نفس از حقوقی است که انسان باید نسبت به نفس و بدن خود رعایت کند. از طرفی علم به حقیقت نامه اعمال برای تمام کسانی که به آن عقیده دارند، لازم و ضروری می‌باشد. در قرآن کریم و روایات ائمه‌ی معصومین علیهم السلام در مورد نامه اعمال، چگونگی آشکار شدن آن، تجسم اعمال و سایر مسائل مربوط به ثبت اعمال توضیحاتی داده شده است که با مطالعه‌ی دقیق آیات قرآن و احادیث شریف ائمه و در کنار اینها تفکر عمیق در رازهای جهان هستی و شناخت بدن انسان می‌توان تا حدی به بعضی حقایق دست یافت یا لافل به آنها نزدیک شد. در تحقیق حاضر سعی شده است تا مسائل زیستی مرتبط با ژنتیک انسان، با نگرش دینی قرآنی با بررسی منابع متعدد و راهنمایی اساتید بیوتکنولوژی و حوزه دانشگاهیان مشهد به صورت منسجم گردآوری شود و نامه اعمال در سوره‌هایی که معاد را به تصویر کشیده‌اند با نگاهی نو مورد بررسی قرار گیرد. نتایج تحقیق نشان داد که کدهای

ژنتیکی بر اساس عمل انسان‌ها برای آنها تقدیر شده و بر اساس فطرت خداجو هدایت می‌شوند اما در صورت انتخاب نادرست در زندگی امکان استفاده از کدهای دیگر می‌باشد. بنابراین همانند سازی و رونویسی طبق فطرت انسان می‌باشد پس تصمیم به کار خوب نیز به شکل ثواب ثبت می‌شود چه عمل خوب انجام شود چه انجام نپذیرد چرا که ثبت ثواب آسان‌تر از ثبت گناه می‌باشد. بیان کدهای ژنتیکی بسته به انتخاب انسان در زندگی مدام در حال تغییر می‌باشند و این تغییر در بدن هر انسان منحصر به فرد بوده و تا روز قیامت ادامه دارد. پس از نفخ صور دوم در همه افراد شناختی ایجاد می‌شود که نمایش این رموز همراه با شکل عملی آن یعنی فعل و انتخاب فرد در آن زمان باشد، پس جای هیچ اعتراضی نمی‌باشد و کارنامه اعمال هر فرد به وضوح برایش مشخص می‌شود. خداوند امکان بازخوانی این رموز به اعمال را در روز قیامت فراهم می‌آورد، به گونه‌ای که انسان با دیدن این کدها متوجه کاری که در آن زمان خاص انجام شده، انتخاب درست در مسیر مستقیم یا انتخاب نادرست می‌شود.

وجوه اعجاز قرآن در ترسیم روابط فردی و اجتماعی مطلوب برای انسان

محمد جانی پور^۱، نجمه کاظمی^۲

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)، janpoor@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی، r.kazemi502@gmail.com

چکیده

قرآن کریم حقیقتی آسمانی است که برای هدایت همه جانبه انسان در مسیر سعادت دنیا و آخرت نازل شده است، لذا کتابی جامع برای همه مردم در تمامی اعصار می‌باشد که به تمامی جوانب زندگی انسانی توجه وافر داشته است. اگرچه در طول زمان به جنبه‌های مختلف علمی این کتاب توجه شده، اما همچنان برخی از وجوه اعجاز آن ناشناخته مانده است، همچون اعجاز قرآن در ترسیم روابط فردی و اجتماعی مطلوب برای انسان که از جمله وجوه اعجاز در حوزه علوم انسانی، جامعه‌شناسی و روانشناسی است.

این پژوهش درصدد تبیین و ترسیم و ارائه نظام مذکور به عنوان یکی از وجوه اعجاز این کتاب آسمانی در روابط فردی و اجتماعی در جامعه می‌باشد. برای رسیدن به این مهم نوشتار حاضر به سه بخش: مفهوم‌شناسی اعجاز، تبیین ماهیت روابط فردی و اجتماعی و در نهایت تبیین ماهیت اعجاز گونه قرآن کریم در ترسیم روابط فردی و اجتماعی مطلوب در چارچوب یک نظام مدون، تقسیم شده است. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که اگر افراد براساس نظام قرآنی رفتار و در سایه آن، هنجارها را رعایت کنند، می‌توان جامعه‌ای ایده‌آل در حوزه نظام خانواده و اجتماع ترسیم نمود.



مطالعات بنیادین اعجاز قرآن کریم



تبیین ریشه‌های قرآنی اندیشه کلامی اعجاز قرآن

فرزانه روحانی مشهدی^۱

۱- استادیار پژوهشکده اعجاز قرآن، دانشگاه شهید بهشتی، f_rohani@sbu.ac.ir

چکیده

اندیشمندان میان «اعجاز» قرآن و «لهی بودن» این کتاب فرق می‌نهند؛ با این استدلال که تورات و انجیل از سوی خدا بود ولی اثبات صدق موسی و عیسی به وسیله تورات و انجیل نبود و نفس این کتب معجزه نبود؛ بلکه اثبات تورات و انجیل به دلیل صدق و معجزه نیاز داشت. موسی علیه السلام هرگز در برابر مخالفانش بر نزول تورات احتجاج نکرد و تنها میان یارانش که به راستی او باور داشتند، از تورات یاد می‌نمود. او زمانی که ادعای نبوت کرد به اموری مانند تبدیل عصا و غیره تحدی نمود. اما قرآن هم کتاب آسمانی وهم معجزه پیامبر خاتم است که بدان تحدی نموده‌است. اما برخی دانشمندان در مقام دفاع از اعجاز ذاتی قرآن در برابر معتقدان به صرفه، بر اجماع امت به عنوان سرچشمه اندیشه اعجاز قرآن تاکید می‌کنند. که چهارمین و آخرین منبع معتبر نزد دانشمندان مسلمان است. گویا دلالت آیات قرآن بر اعجاز را کافی ندانسته‌اند. از سویی سیر تطور اندیشه اعجاز قرآن نشان می‌دهد که این اندیشه اسلامی، پیش از آنکه خاستگاه قرآنی داشته و مورد عنایت مفسران باشد، برآمده از مباحثات دینی، مذهبی و کلامی است؛ از این رو برخی با تکیه بر این تمایز انگاری، در ریشه‌های قرآنی اندیشه کلامی اعجاز قرآن تشکیک کرده و مفهوم «آیه» بودن عبارات قرآن را در پیوند با مقاصد توحیدی تفسیر نموده و ارتباط آن با نبوت را گفتمانی پساقرآنی و زاییده شرایط عصری و مخالف جهان‌نگری قرآن معرفی و از استواری تفسیرهای رقیب تحدی که دلالت آیات موسوم به تحدی بر اعجاز قرآن را نفی می‌کند، دفاع می‌کنند.

به نظر می‌رسد، نقش قرآن و سنت به عنوان سرچشمه اندیشه اعجاز از بین منابع معتبر

چهارگانه هنوز هم چندان که باید، شناخته نیست و تنها موردی که به عنوان دلیل قرآنی اعجاز عموماً مورد بحث قرار گرفته آیات موسوم به آیات تحدی است و آسیب ابتناء اندیشه اعجاز بر آیات تحدی این است که این آیات از سوی طرفداران نظریه صرفه در جهت نفی اعجاز ذاتی قرآن تفسیر می‌شود؛ درحالی‌که اندیشه کلامی اعجاز، ریشه‌ها و سرچشمه‌های متعدد و فراوان در قرآن دارد. در این پژوهش ریشه‌های اندیشه اعجاز قرآن و نه تنها الهی بودن آن با استفاده از تعبیر گوناگون در قرآن مستدل شد. این دلایل عبارتند از:

۱. اطلاق لفظ آیه بر عبارات قرآن و بر معجزات پیامبران پیشین بر خلاف کتب آسمانی دیگر:

بررسی کاربردهای این کلمه در قرآن مصادیق زیر را برای آن آشکار می‌سازد:

• آیات قرآن و آیات الاحکام

• آیات بینات پیامبران یعنی معجزه در اصطلاح علم کلام

• پدیده‌هایی در آفاق یعنی عالم طبیعت یا در انفس یعنی سنتهای الهی در عالم انسانها

و جامعه بشری، مانند رویدادهایی در سرگذشت مردمان پیشین و رویدادهایی در آینده

حیات بشر

وجه مشترک هر سه مصداق فوق مصدر الهی آن و غیرقابل تقلید بودن این پدیده‌ها برای بشر عادی است. در نتیجه «آیه» در فرهنگ قرآن با مفهوم کلامی «معجزه» پیوندی نزدیک دارد. از سوی دیگر به کتب آسمانی پیشین چون تورات و انجیل در قرآن لفظ آیه اطلاق نشده است. بلکه این کتب در اوصافی مانند هدایت، نور، موعظه و تفصیل، حاوی حکم الله، و وعدالله با قرآن مشترکند. در این صورت «آیه» بودن عبارات قرآن تنها بر الهی بودن آن دلالت ندارد؛ زیرا کتب آسمانی پیشین نیز منشأ الهی دارند؛ بلکه «آیه» بودن بر سایر ویژگی‌های پدیده‌هایی که به عنوان «آیه» از سوی پیامبران ارائه شده نیز دلالت دارد. مانند عدم امکان نظیر آوری از سوی بشر و نشانه بودن برای امری یا سببی غیرمادی و خارق‌العاده که مبدأ غیبی دارد.

اگرچه برخی مفسران ذیل شش آیه، کتب آسمانی را مصداقی برای لفظ «آیه» شمرده‌اند؛ اما با بررسی تفصیلی این آیات روشن شد، دلیل قطعی بر چنین تطبیقی وجود ندارد؛ بلکه در همه این موارد مصادیق دیگر محتمل‌ترند.

۲. اوصاف شگفت‌انگیز قرآن: در بعضی اشارات قرآن، آثاری چون سخن گفتن مردگان و شکافته شدن زمین به قرآن نسبت داده شده و یا اثرگذاری قرآن بر دل مومنان به پدیده‌ای شگفت چون متلاشی شدن کوه تمثیل و تشبیه شده‌است؛ پس می‌توان نتیجه گرفت آثار معنوی قرآن رویدادی است که از لحاظ شگفتی و عظمت با پدیده‌ای از جنس معجزات حسی پیامبران پیشین معادل و مشابه است و این قرآن پدیده‌ای خارق‌العاده محسوب می‌شود، همان‌گونه که در تعریف کلامی معجزه قید شده است.

۳. شهادت خداوند از طریق کلام قرآن بر حقانیت رسول: معنای جمله «كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ» این است که آنچه در قرآن در باره تصدیق رسالت آمده شهادت الهی بر رسالت است. در این صورت شهادت خداوند به حقانیت رسول الله به وسیله کلام خود در قرآن بر اعجاز قرآن در اصطلاح کلامیان دلالت دارد.

۴. تمامیت قرآن در انذار و ارجاع کافران خواستار معجزه به قرآن: قرآن در برابر کسانی که از رسول الله درخواست معجزه‌ای از جنس معجزات حسی داشتند، آنان را به این کتاب ارجاع داده و بر کفایت این کتاب به عنوان نشانه و گواه صدق رسول الله تاکید نموده‌است و بنابر آیات فراوان در قرآن، شنیدن آیات قرآن موجب اتمام حجت است. در نتیجه قرآن لزوماً معجزه است؛ زیرا معجزات با هدف اتمام حجت ارائه می‌شوند.

۵. تحدی به سوره‌های قرآن: اگرچه در تبیین آیات تحدی میان اندیشمندان از جهات گوناگونی اختلاف نظر وجود دارد؛ اما عموم معتقدان به اعجاز قرآن، خاستگاه قرآنی این اندیشه را آیات تحدی دانسته و برای یافتن سرآغاز بحث‌های اعجاز قرآن میان دانشمندان به این آیات در کتب تفسیری متقدم مراجعه نموده‌اند. همچنین برای وجه مثلثیت در آیات تحدی، شواهدی از آیات قرآن وجود دارد که برتری بی‌مانند این کتاب آسمانی را در سه وجه کلی لفظی و ادبی، معرفتی و علمی، ویژگی‌های آورنده را تایید می‌کند.

واژه‌های کلیدی:

اعجاز قرآن، ریشه‌های کلامی، آیات تحدی.

آیه در برابر معجزه؛ مقایسه دو گفتمان قرآنی و پساقرآنی

سید هدایت جلیلی^۱، زهره سادات موسوی^۲

۱- استادیار دانشگاه خوارزمی، jalilish@gmail.com

۲- کارشناس ارشد قرآن و حدیث، zsadatmusavi@gmail.com

چکیده

بیشتر قرآن پژوهان اذعان دارند که در قرآن، اصطلاح معجزه نیامده است و جای آن، آیه و بینه و برهان و... آمده است و قبول دارند اندیشه اعجاز پس از قرآن بسط بیشتری یافته و مسائل بیشتری را در دل خود طرح کرده است، اما این گونه تفاوت‌ها را چندان ژرف و بنیادین و درخور توجه و حساسیت نمی‌بینند. حقیقت آن است که تفاوت و تحول میان اندیشه قرآنی و پساقرآنی در باب اعجاز قرآن در حد تفاوت گفتمانی است. مهم‌ترین و اصلی‌ترین شاخصه جهان‌نگری قرآن، آیت‌اندیشی است. در این جهان‌نگری همه هستی حتی رخدادهای اعجاز آمیز آیه و نمود پروردگار است؛ اما در گفتمان پساقرآنی این جهان‌نگری در پس‌زمینه اندیشه‌ها و نظریه‌های اعجاز حضور ندارد و جای آن را گفتمان جدلی کلامی پر کرده است و عنوان «معجزه» بسیار متناسب و سازگار با گفتمان جدلی کلامی است. آیات در گفتمان قرآنی، کارکردی توحیدی و خداشناسانه دارند؛ تجلی اسما و صفات خداوند هستند اما معجزات در گفتمان پساقرآنی، در ذیل نبوت طرح می‌شوند و کارکردشان اثبات صدق نبی است و این، چرخش مهم و معناداری است. گفتمان قرآنی، با عنایت به موقعیت تاریخی و شرایط مخاطبان، دغدغه توحیدی داشت و مسئله اصلی آن توحید و ربوبیت بود؛ اما گفتمان پساقرآنی، با عنایت به ظهور نبوت جدید و دغدغه

شکل‌گیری و تثبیت و گسترش دین جدید و چالش با ادیان و نبوت‌های پیرامونی و پیشین، طبیعی است که امکانات، ظرفیت‌ها و توجه خود را به مقوله نبوت و کتاب معطوف و متمرکز کند. از این‌رو، در چنین هنگامه‌ای هیچ مناقشه در خور توجهی در باب توحید رخ نمی‌دهد که لازم آید آیات و نمودهای بی‌شمار خداوندی را پیش چشم منکران بیاورند. لذا اندیشه اعجاز برای تثبیت نبوت و دین جدیدی به کار گرفته می‌شود و در این بستر تاریخی، قرآن معجزه پیامبر خاتم یا معجزه ختمیه قلمداد می‌شود. آشکار است که به لحاظ تاریخی گفتمان پساقرآنی در باب اعجاز، مسبوق و متأخر از گفتمان قرآنی در باب اعجاز است. با این حال، از آن‌رو که ذهنیت غالب و حاکم در سپهر باور مسلمانان، از آن گفتمان پساقرآنی است، بهتر آن است که اندیشه اعجاز در گفتمان پساقرآنی را به اجمال مرور کنیم، آن‌گاه شاخصه‌های اعجاز در گفتمان قرآنی را بیان کرده و در گام نهایی، نشان دهیم این دو گفتمان چه تفاوت‌های چشم‌گیری دارند.

ارزیابی میزان توجیه‌پذیری اعجاز قرآن در نظریه‌های کلاسیک معرفت‌شناسی

حسین اله وردی^۱، میثم قهوه‌چیان^۲

۱- دانش آموخته فلسفه دانشگاه بین المللی امام خمینی، hossien.allahverdi@gmail.com

۲- دانش آموخته فلسفه دانشگاه تهران

چکیده

محصول آنچه ذیل عنوان اعجاز قرآن، در معارف اسلامی پدید آمده است، باید نوعی معرفت در نظر گرفته شود. اندیشمندانی که در خصوص اعجاز قرآن به بیان نظراتی پرداخته‌اند، در واقع دانشی بر دانش انسان می‌افزایند. با توجه به ماهیت معرفتی «اعجاز قرآن»، می‌توان و باید به توجیه معرفت‌شناختی اعجاز قرآن پرداخت. اینکه باور به اعجاز باوری صادق است، باید خود را در چارچوب‌های معرفت‌شناختی قرار داده و توجیه کند. با توجه به اینکه معرفت‌شناسی دانشی برون دینی و روشی است، تقریر اعجاز قرآن با روش نسبت خواهد داشت و بر حسب معرفت‌شناختی که مفسر اختیار کرده است، تقریر خاصی از اعجاز قرآن وجود خواهد داشت، اما همین معرفت‌شناسی خاص می‌تواند چالش‌هایی برای تقریر «اعجاز قرآن» که باوری درون دینی است به وجود بیاورد. از این نظر ارزیابی معرفت‌شناختی «اعجاز قرآن» پیوند میان باور و معرفت درون دینی و برون دینی خواهد بود. نتیجه بررسی معرفت‌شناختی «اعجاز قرآن» باید به بیانی برون دینی و قابل فهم برای انسان غیر مومن منجر شود. آنچه در پژوهش پیش‌رو انجام شده است فتح بابی است برای امکان توجیه برون دینی برای نظریات دینی که پس از دوران مدرن ضرورت آن به وجود آمده است و به تبع در دوران پیشامدرن چنین کاری از ضرورت برخوردار نبوده است.

نگاهی به تعبیری که از «اعجاز قرآن» وجود دارد، نشان می‌دهد که مفسران در این حوزه

بیشتر بر چارچوب معرفت‌شناسی انطباق‌گرایانه عمل کرده‌اند. این خود می‌تواند متأثر از اندیشه ارسطو و یا چارچوب معرفت‌شناسی اسلامی داشته باشد. چنانچه در بخش آغازین مقاله آمد، مفسران بر اساس آیات تحدی معتقد بودند که انسان از آوردن متنی چون قرآن (در شرح و تفسیر آیات مربوط) عاجز است، بنابراین قرآن معجزه است. پس از سال‌های نزول مسلمانان مراد از اعجاز را اعجاز بیانی، قول به صرفه، اعجاز علمی، اعجاز مبتنی بر انسجام و اعجاز هدایتی عنوان کردند. همه مفسران و همه نظریه‌ها در خصوص اعجاز مبتنی بر این پیش‌فرض اصلی بوده است که آن‌ها از امر واقع سخن می‌گویند از این رو کلان روایت معرفت‌شناختی مسلط بر ذهن مفسران انطباق‌گرائی بوده است.

از آنجا که الگوی حاکم معرفت‌شناختی بر ذهنیت مفسران انطباق‌گرایبی بوده است، آنها معتقد نبوده‌اند که بیانی «درون دینی» دارند و قرآن تنها برای مومنان معجزه است بلکه ایشان بر آن بوده‌اند که اعجاز در این خصوص، اعجازی برای همگان است. معتقدان به اعجاز بیانی، علمی، انسجام‌گرایانه و هدایتی معتقد بوده‌اند که به تحلیل برون دینی اعجاز قرآن می‌پردازند. برای مثال در اعجاز بیانی مفسران معتقد بودند اعجاز قرآن در فصاحت و بلاغت است و مومن و غیر مومن با توجه به اصول مشخص فصاحت و بلاغت باید به فهم آن نائل شوند. مواردی که کوشش کرده‌اند اعجاز قرآن را نقض کنند نیز تلاش کرده‌اند نمونه‌هایی منطبق بر فصاحت و بلاغت و مانند قرآن بیاورند تا نشان دهند که قرآن اعجاز بیانی ندارد. از این رو ایشان نیز در معرفت‌شناسی انطباق‌گرایانه فکر کرده منتهی معتقد بوده‌اند که «اعجاز قرآن» منطبق با واقع نیست. قائلان به وجود صرفه به عنوان افرادی نادر و البته قابل توجه اعجاز قرآن را منوط به «بازداری خداوند» می‌دانستند. آنچه در خصوص اعجاز قرآن و توجه برون دینی به آن مهم است، فروض درون دینی منضم به آن است. یکی از نکاتی که در خصوص اعجاز به آن توجه ویژه داشت این است که معتقدان به اعجاز قرآن، آن را امری همه‌زمانی می‌دانند به بیان دیگر اگر اعجاز قرآنی را امری زمان‌مند بدانیم، اعجاز قرآن را تنها در اصل نزول قرار داده و دیگر به عادی بودن آن اعتقاد نخواهیم داشت و البته این فکر در مجموعه معارف دینی آثار خاص خود را خواهد داشت.

با توجه به تلاش مفسران در تفسیر «اعجاز قرآن» که معتقد به تلاش برون دینی هستند، موجه خواهد بود که با این کار به عنوان نوعی معرفت و با ضوابط معرفت‌شناسانه برخورد شود. در این صورت معرفت «اعجاز قرآن» می‌تواند با مکاتب متفاوت معرفت‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد. مکاتب معرفت‌شناسی کلاسیک از این دست هستند. این کار تبعاً کاری مدرن خواهد بود، به این معنا که در دوران حاکمیت و تفوق معرفت‌شناسی بر وجود‌شناسی صورت می‌گیرد و الا در دوران پیشامدرن، حقیقت «اعجاز قرآن» در ذیل تفوق وجود‌شناسی و اعتقاد به وجود خداوند قابل توجیه و باور خواهد بود. این در دوران مدرن است که معرفت فارغ از وجود باید خود را توجیه کند. در دوران مدرن هر معرفت باید به توجیه خود بپردازد. پس از کنار گذاشتن تفوق هستی‌شناسی است که مرزی میان باورهای درون دینی و برون دینی به وجود می‌آید که البته خود می‌تواند موضوع پژوهشی دیگر باشد، اما با این تفکیک است که باور دینی باید با بیان ساختار معرفت‌شناسانه خود به توجیه خویش بپردازد و الا تنها باوری در حوزه درون دینی خواهد بود.

ما در این پژوهش تلاش کردیم، به صورت اجمالی تقریرهایی از اعجاز قرآن را انتخاب کرده و در ذیل سه دیدگاه معرفت‌شناسانه بررسی کرده و توجیه اعجاز بیانی و علمی قرآن در پرتو انطباق‌گرایی، انسجام‌گرایی و کارکردگرایی را ارزیابی نماییم. نتیجه این تلاش سازگاری بیشتر اعجاز بیانی و علمی قرآن با نظریه انطباق‌گرایی بود. البته در خصوص اعجاز علمی قرآن بحث خبر از غیب و پیش‌گوئی پیروزی روم به عنوان اعجاز علمی قرآن این سازگاری را با نظریه انطباق‌گرایی نشان می‌دهد که نیازمند پژوهش‌هایی تاریخ خواهد بود. در خصوص اعجاز ادبی قرآن نیز پژوهش‌های ادبی و زبانی می‌تواند بیان موجه از اعجاز قرآن را ارائه نماید. در بعد نظام‌سازی علمی و اعجاز علمی قرآن به این معنا، چنین انطباقی به دشواری امکان حصول خواهد داشت. رویکرد انسجام‌گرا و کارکردگرا به اعجاز قرآن در نسبت به ذهنیت درون و یا برون دینی مخاطبان قابل استفاده خواهد بود. به نظر می‌رسد در رویکرد اعجاز هدایتی قرآن بتوان از سازگاری بیشتر با رویکرد کارکردگرا در معرفت‌شناسی سخن به میان آورد که در این پژوهش به آن پرداخته نشده است.

درآمدی بر مبانی کلامی تفسیر علمی قرآن کریم

بهاره مظاهری طهرانی^۱، عباس مصلائی پور^۲، فرزانه روحانی مشهدی^۳، مهدی ایزدی^۴

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی، bahareh_mazaheri@yahoo.com

۲- دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)، amusallai@gmail.com

۳- استادیار دانشگاه شهید بهشتی، f.rohany.m@gmail.com

۴- دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

چکیده

خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم به انواع مختلفی از پدیده‌های طبیعی اشاره کرده و به طور صریح یا غیر صریح برخی از ویژگی‌های آنها را توصیف می‌نماید. لذا بهره‌گیری از یافته‌های علمی متقن و معتبر می‌تواند در فهم بهتر و دقیقتر این آیات راه‌گشا باشد. اما برخی از صاحب‌نظران به صراحت با تفسیر علمی آیات قرآن مخالفت کرده و دلایل مختلفی برای معتبر نبودن آن ارائه می‌نمایند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که عمده اشکالات مخالفان تفسیر علمی علاوه بر اینکه ناشی از نداشتن تعریف درستی از تفسیر علمی است، به این دلیل است که مبانی کلامی تفسیر علمی به خوبی تنقیح و تبیین نشده است.

اشکال عمده مخالفان تفسیر علمی از سویی به ساختار زبان قرآن بر می‌گردد که با زبان علم متفاوت است. از ویژگی‌های زبان علمی، دقیق و کمی بودن، توجیه ناپذیری و نداشتن ابهام است. در زبان علمی، مجاز و کنایه و مبالغه تقریباً یافت نمی‌شود، زیرا مقصود تفهیم و تفهم مطالب علمی است و این ویژگی‌های زبانی در مفاهیم علمی خدشه وارد می‌سازد. حال آن که

قرآن از سبک‌های فوق استفاده نموده است، از این رو آنان معتقدند که قرآن در بیان پدیده‌های طبیعی از زبان علمی بهره‌ای نگرفته است و عهده‌دار هیچ بار مثبت یا منفی برای حوزه‌های علوم طبیعی و زیستی نیست. البته این صحیح است که تفاوت آشکاری میان زبان علم و زبان قرآن وجود دارد و اساساً کسی چنین ادعایی ندارد که زبان قرآن، زبانی علمی است، ولی این نکته نیز قابل انکار نیست که در آیات قرآن به کرات از پدیده‌های طبیعی گوناگونی نام برده شده و خصوصیات و ویژگی‌های بسیاری از این پدیده‌ها مطرح شده است. بنابراین جای این سوال باقی است که آیا خصوصیات مطرح شده برای این پدیده‌ها مطابق با واقع است و به عبارتی آیا می‌توان گفت که زبان قرآن در بیان پدیده‌های طبیعی واقع نما و شناختاری است یا خیر. روشن است که پاسخ به این سوال وابسته به مبنایی است که مفسر در این زمینه برای خود اتخاذ می‌نماید. از سوی دیگر برخی از مخالفان تفسیر علمی، مخالف توسعه معنایی آیات با توجه به یافته‌های علمی هستند، زیرا معتقدند که الفاظ قرآن بر موارد عصر نزول انصراف دارد و اساساً آنچه معهود مخاطبان قرآن در عصر نزول نبوده است، نمی‌تواند مراد الهی تلقی شود.

چنانکه ملاحظه می‌شود این اشکالات و نظایر آن که بر تفسیر علمی وارد می‌شود، همگی مبتنی بر منقح نبودن مبانی کلامی تفسیر علمی است؛ اینکه زبان قرآن اساساً چگونه زبانی است و چه ویژگی‌هایی دارد؛ آیا خداوند به زبان عرفی با مردم سخن گفته است یا فراعرفی؟ آیا زبانی تک ساحتی است یا چندساحتی که همزمان می‌تواند چندین نقش را با هم ایفا نماید؟ آیا چندلایگی معنا و توسعه معنایی در آن راه دارد یا خیر؟ آیا اصولاً قرآن را می‌توان حاوی گزاره‌های علمی دانست و با استفاده از روش تفسیر علمی به درک بهتری از آن دست یافت، یا اینکه قرآن صرفاً بیانگر عقاید و باورهای مردم عصر نزول درباره هستی و پدیده‌های آن است؟ آیا زبان قرآن واقع‌نماست و توصیفات قرآن از پدیده‌های طبیعی، توصیفات حکیمانه و مطابق با واقع است یا خیر؟ آیا تنها مردم عصر نزول مخاطب قرآن هستند و تنها فهم و معهودات ذهنی آنها از آیات معتبر شناخته می‌شود یا اینکه قرآن پیامی جاودانه داشته و در هر عصر با توجه به سطح فکری مخاطبان می‌توان معارف عمیق و گسترده تری از آن دریافت کرد؟

سوالاتی از این قبیل همگی حاکی از ضرورت تبیین مبانی کلامی تفسیر علمی است.

البته نمی‌توان گفت که این مبانی کلامی تنها مختص به تفسیر علمی هستند، چراکه در سایر روش‌های تفسیری نیز موضوعیت دارند، ولی نسبت دادن آنها به تفسیر علمی از آن جهت است که نقش اساسی و تعیین کننده‌ای در این روش تفسیری دارند، به گونه‌ای که کاربست یا خدشه در آنها به صورت نظری در اعتبار تفسیر علمی و به صورت عملی در نحوه و چگونگی تفسیر علمی و مصادیق آن اثرگذار است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که مهمترین مبانی کلامی دخیل در تفسیر علمی عبارتند از: ترکیبی و چندساحتی بودن زبان قرآن؛ واقع‌نمایی و عدم راهیابی باطل به قرآن؛ جاودانگی و فراعصری بودن قرآن؛ چندمعنایی و چندلایه بودن معانی قرآن؛ حکیمانه بودن کلام، افعال، اوامر و نواهی الهی؛ ضرورت وجود اسباب در اداره و انجام امور توسط خداوند.

واژه‌های کلیدی:

قرآن و علم، تفسیر علمی، مبانی تفسیر، زبان قرآن، جاودانگی، چندمعنایی، سلسله علل و اسباب در طبیعت، حکمت در قول و فعل خداوند

بازتقریر تحدی بمثابه استدلالی عقلی به جای آزمونی تجربی (شبهه شناسی در زمینه اعجاز قرآن)

زهرا اخوان صراف^۱

۱- عضو هیأت علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی هدی قم، akhavan_qom@yahoo.com

چکیده

خدشه در اصل معجزه بودن قرآن یا معارضه با آیات تحدی، اشکال و گونه‌های مختلف دارد. - جمع آوری متون ادبی به عنوان همانندی برای قرآن و ساختن سوره‌های جعلی، دو جنبه رویکرد صغروی برای معارضه با آیات تحدی است که پیشینه‌ای دیرین دارد. - رویکرد دوم - که امروزه بیشتر مطرح است - تشکیک علمی در اصل صحت و کارآمدی تحدی برای اثبات اعجاز قرآن یا وارد کردن خدشه کبروی است. پژوهش حاضر با ارائه تحلیلی از تحدی، آشکار می‌کند که شبهات کبروی بحث تحدی محصول کج فهمی اصل تحدی است و با این تحلیل یکجا رد می‌شوند. آنگاه با مروری بر آنچه به عنوان مبارزه با تحدی ساخته یا جمع شده است، نشان می‌دهد که معاصران نزول قرآن هم چنین چیزی نفهمیدند. پس اساساً غرض از تحدی این بوده است که با به اذعان آوری مخاطبان به اینکه کسی از ایشان نمی‌تواند مثل این قرآن را بیاورد و قرار دادن این اذعان در مقدمه یک استدلال، آشکار کند که این کتاب منشأ غیربشری دارد.

بررسی آیات تحدی با تکیه بر نظم قرآن

مصطفی کریمی^۱، مرتضی سازجینی^۲، عباس یوسفی تازه کندی^۳

۱- استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، karimi@qabas.net

۲- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، mortzasazjini@yahoo.com

۳- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم auosefi6@gmail.com

چکیده

محققان قرآنی در سیر آیات تحدی قرآن دو نظر برجسته به صورت؛ سیر نزولی و سیر صعودی آیات تحدی را مطرح کرده‌اند. این دو دیدگاه با ترتیب سور قرآن منطبق نبوده و در پاسخگویی به برخی سوالات و شبهات کامل به نظر نمی‌رسند. در این پژوهش با در نظر گرفتن مفهوم نظم قرآنی در آیات تحدی، نگاهی جدید به این آیات صورت گرفت بدین گونه که تحدی قرآن به کل قرآن به عنوان یک مجموعه منظم از الفاظ و مفاهیم مرتبط به یکدیگر است و مورد ادعایی چه به اندازه یک سوره، ده سوره یا کل قرآن باشد، باید با معیارها و شاخص‌های کل قرآن را داشته باشد که از آن جمله می‌توان به عدم وجود اختلاف در قرآن، هماهنگی و به هم پیوسته بودن آیات و تصدیق کننده بودن آیات نسبت به هم را نام برد. این اوصاف را تنها می‌توان در کل مجموعه به واحد منسجم یافت و همچنین این مفهوم از تعابیر «مثل» قرآن بودن مورد ادعایی در آیات تحدی، مکشوف است.

بررسی تفسیری گزاره‌های علمی قرآن

زهرا محققیان^۱

۱- دانش آموخته دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، z.mohaghegh@gmail.com

چکیده

یکی از شاخه‌های علوم قرآن در میان اندیشمندان این حوزه، شناخت روش تفسیری است چراکه قرآن کریم براساس روش‌ها و گرایش‌های مختلفی تفسیر پذیر است. یکی از این روش‌ها، روش تفسیر علمی است که در قالب روش‌های فرعی متفاوتی، انجام می‌پذیرد که از این میان، برخی به تفسیر معتبر و صحیح منتج شده اما برخی دیگر، ممکن است تفسیر به رأی شمرده شوند. همین امر، موجبات اختلاف میان قرآن پژوهان را ایجاد نموده و دیدگاه‌های متفاوتی را میان ایشان، فراهم ساخته است. برخی صاحب نظران به انکار و ردّ تفسیر علمی پرداخته و دسته‌ای دیگر، ضمن پذیرش آن، این گونه آیات را یکی از راه‌های اثبات اعجاز قرآن معرفی نموده‌اند. پژوهش حاضر به بررسی آراء و اندیشه‌های هر دو گروه پرداخته و بدین نکته راه یافته که علت اختلاف دو رویکرد، در تفاوت پیش فرض‌های صاحبان آن‌ها در فهم درست گزاره‌های علمی قرآن کریم نهفته است. برخی از مهم‌ترین این پیش فرض‌ها، به اختصار عبارتند از:

الف) زبان قرآن

منظور از زبان قرآن، بررسی این معناست که خداوند با چه زبانی و در چه قالب و فضایی با مردم

سخن گفته و از چه طریق و به چه صورت، پیام خویش را به مردم رسانده است. طرفداران اعجاز علمی قرآن، زبان قرآن را زبانی متفاوت از زبان عرب حجاز عصر نزول تلقی کرده و منشأ آن را وحیانی بودن قرآن می‌دانند. بر همین اساس معتقدند که زبان قرآن، زبان عرف خاص است که ضمن واقع نما و معرفت بخش بودن، چند ساحتی است. یکی از این انواع نیز، زبان علمی است که در نحوه مواجهه با آن، رویکردهای مختلفی ایجاد شده؛ که برخی به دلیل عدم تناسب و سازگاری با ظواهر قرآن، قابل پذیرش نیست اما برخی با رعایت ضوابط، صحیح و معتبر است.

اما در مقابل، مخالفان اعجاز علمی قرآن معتقدند که زبان قرآن، نه عرف خاص بلکه به عرف عام است و بر همین اساس می‌بایست تمامی گزاره‌های قرآن از جمله گزاره‌های علمی آن را، چنان که متعارف عرف عام عرب عصر رسول خدا(ص) بوده است، فهمید؛ نه آن چنان که علمای تجربی اعصار بعدی از جمله عصر حاضر می‌فهمند.

ب) هدف نزول قرآن یا تبیین مفهوم جامعیت قرآن

یکی دیگر از پیش فرض‌های مهم در تفسیر گزاره‌های علمی قرآن، تبیین مفهوم جامعیت قرآن است که ذیل آیه «ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام/۳۸) و آیات مشابه آن، بحث می‌شود. بطور کلی پرسش اساسی در این بخش آن است که آیا همه علوم بشری و تمامی گزاره‌های علمی در قرآن هست یا نه؟

در پاسخ، هردو گروه، هدف قرآن را هدایت می‌دانند با این تفاوت که قائلان به اعجاز علمی قرآن، هدایت را هدف اصلی دانسته که در پی آن سایر اهداف فرعی همچون اهداف علمی به منظور اثبات اعجاز علمی قرآن نیز، خواهد آمد. اما مخالفان اعجاز علمی قرآن، معتقدند که قرآن، فقط کتاب هدایت است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است. بر همین اساس نمی‌توان هدف قرآن را بیان حقایق علمی دانست و از آنجا، اعجاز علمی آن را اثبات نمود.

ج) مخاطب قرآن

یکی دیگر از پیش فرض‌های مهم در تبیین گزاره‌های علمی قرآن، در نظر گرفتن مخاطب کلام

است زیرا گوینده آگاه به ویژگی‌های مخاطب، از سخن خود، معانی ناسازگار با فهم او را اراده نمی‌کند. اما از آن جا که قرآن کریم نیز، بر مبنای اصول عقلایی محاوره سخن گفته، بنابراین ویژگی‌های مخاطب کلام را در نظر داشته و در هنگام تفسیر و فهم مفاد ظاهری آیات کریمه، می‌بایست به این قرینه توجه نمود و با توجه به آن، ظهور آیات را به دست آورد.

در این راستا موافقان اعجاز علمی، معتقدند که قرآن برای یک نسل خاص نازل نشده و اینکه بواسطه تفسیر علمی، با مرور زمان مطالب تازه‌ای از قرآن فهمیده یا کشف می‌شود، دلیل عظمت قرآن است. این اوج بلاغت است که کسی به گونه‌ای سخن گوید که هر کس و هر نسل به اندازه علم خود از آن برداشت کند.

اما در مقابل، منکران اعجاز علمی، معتقدند مخاطبان قرآن، تنها عرب حجاز عصر پیامبر(ص) هستند که خداوند به زبان ایشان و براساس نیازها و مقتضیات آنان، قرآن کریم را به تدریج نازل نمود. از منظر این گروه، اگر ما به این اصل، توجه نداشته باشیم، گرفتار تفسیر به رأی، تناقض فهم و توجیهاات غیر عقلایی و تکلف آمیز شده و تصور خواهیم کرد که قرآن اعجاز علمی دارد در حالی که قرآن در اوج فصاحت و بلاغت در سطح فهم عرب زمان نزول و به قصد هدایت ایشان نازل شده، بنابراین معنا ندارد که مقاصد الهی برای ایشان قابل فهم نباشد یا اشتباه فهمیده باشند.

با توجه به موارد فوق مشخص می‌گردد که پیش فرض ها، نقش بسیار مؤثری در تبیین گزاره‌های علمی قرآن داشته و برای فهم اینگونه آیات، می‌بایست بدان‌ها اهمیت داد و از تأثیر آن‌ها، غافل نبود.



سنجش اعجاز قرآن به مثابه یکی از مبانی تفسیر قرآن

سید هدایت جلیلی^۱

۱- استادیار دانشگاه خوارزمی تهران، jalilish@gmail.com

چکیده

در نگاهی تجویزی، اعجاز قرآن به مثابه مبانی تفسیر، بدین معناست که باور به اعجاز قرآن در فرایند و سمت‌وسوی تفسیر، اثری تعیین‌کننده دارد و چنین باوری، لازمه هر تفسیر معتبری است. این مدعا گرچه در میان قرآن‌پژوهان موافقان و مخالفانی دارد، اما نوشتار حاضر بر این باور مبتنی است که این مدعا از دو حیث دارای ابهام و اشکال اساسی است: ابهام در ناحیه «اعجاز قرآن» و اشکال در ملاک «مبانی تفسیر». و تا این دو برطرف نشود، مدعا روشنی و وضوح خود را پیدا نمی‌کند و تا مدعا روشن نشود رد و قبول آن نیز امری معقول نخواهد بود.

نقش پیش فرض‌ها در نظریه‌های اعجاز قرآن

کلثوم شیخی کیاسری^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران، salehekiyasi@gmail.com

چکیده

فرض معجزه برای یک پدیده مبتنی بر پاره‌ای از پیش فرضهاست. مراد از پیش فرض در اینجا یک قضیه و گزاره مشخص است که مسلم انگاشته شده است. این پیش فرضها را می‌توان در دو دسته جای داد، پیش فرض‌های ناظر به اصل معجزه و پیش فرض‌های ناظر به معجزه‌ای خاص مانند قرآن. تفاوت اولی و دومی تفاوت کلی و مصداق می‌باشد. متکلمان مسلمان معجزه را غالباً اینگونه تعریف می‌کنند: اعجاز عبارتند از امر خارق العاده‌ای که به دست مدعی نبوت صورت می‌گیرد، مقرون به تحدی و عدم معارضه بوده و با ادعای او نیز مطابقت داشته باشد. در بین اندیشمندان غربی گروهی مانند دیوید هیوم و سوین برن معجزه را نقص قانون طبیعت می‌دانند. آراف. هالند فیلسوف آمریکایی معتقد است که گاهی تقارن وقوع دو حادثه که هر کدام مسبوق به علل و اسباب طبیعی ست، رویداد نادر الوقوع و خلاف متعارفی را موجب میشود. از طرفی دیگر پل تیلیش معجزه را حادثه‌ای نشانه‌ای تعریف می‌کند. قاعدتا هر تعریفی از معجزه، پیش فرض‌های خاص خود را میطلبد. اما باید توجه داشت که اعتقاد به وقوع معجزه نه بر خلاف شواهد و قوانینی ست که وقوع آنرا غیر قابل قبول کند و نه فی حد نفسه متضمن پارادوکس و تناقض منطقی می‌باشد. نتیجه اینکه متفکرین در امکان وقوع معجزه بحثی ندارند بلکه عمدتا

بر سر معقولیت و میزان احتمال وقوع معجزات که در متون دینی نقل شده مناقشه دارند. پذیرش پدیده‌ای با عنوان معجزه خود مبتنی بر این فرض است که جهان را آفریدگار است. فرضی دیگر که با قبول معجزه شکل می‌گیرد، این است که معجزات افعال خداوند بوده و واجد معنا و دلالت دینی می‌باشند. از منظر اندیشمندان غربی عاقلانه‌ترین کار این است که جمیع عقلا بپذیرند، خداوند مستقیماً در این کار دخالت کرده است. قریب به اتفاق متکلمان مسلمان نیز اعجاز را فعل مستقیم الهی توصیف می‌کنند و بر این باورند که خداوند با مداخله مستقیم در نظام طبیعت، از طریق پیامبران دست به معجزاتی می‌زند، منتها فاعل حقیقی معجزات نه پیامبران، که خود خداوند می‌باشد. تبیین ناپذیر بودن معجزات فرضی دیگر است که غالب اندیشمندان غربی آنرا تأیید می‌کنند، اما مایکل پترسون بر این عقیده است که یک معجزه را لزوماً نمی‌توان واقعه‌ای تلقی کرد که هیچگاه بر مبنای علل طبیعی قابل تبیین نباشد. حکمای مسلمان نیز به دخالت و تاثیر نفوس قدسی پیامبران بر اثر اتحاد با مبادی عالی در پدید آمدن حادثه اعجاب آمیز اذعان کرده‌اند. بنابراین تلقی آنها از اعجاز با این پرسش مواجه است که چه لزومی دارد برای حوادث اعجاز آمیز در جستجوی علل غیر طبیعی باشیم. بر اساس شواهد و قراین موجود می‌توانیم با اطمینان بگوییم که معجزه و خارق عادات اثبات شده داریم. در خصوص قرآن کریم نیز می‌توان گفت که معجزه بودن یا اعجاز انگاری آن، چیزی نیست جز نظریه‌های اعجاز، که عمدتاً و مشخصاً وجه، وجوه، حیث یا حیثیات اعجاز قرآن را تبیین می‌کند، با این توضیح، پیش فرض‌های اعجاز انگاری قرآن هم به پیش فرض‌های نظریه‌های اعجاز منحل و فروکاست می‌شود. در خصوص آیات موسوم به تحدی که از مهمترین پیش فرض‌های نظریه‌های اعجاز انگاری قرآن می‌باشد، شاید مناقشه‌ای صورت گرفته باشد- و با روشن شدن آن لزوماً نظریه‌های اعجاز هم روند متفاوتی در پیش خواهند گرفت. در نظریه اعجاز انگاری صرفه نیز در می‌یابیم که مبنای این نظریه بر صحت و اتقان آیات تحدی شکل گرفته است و البته قبل از آن فرض بر وجود خداوند و نیز فرض بر قدرت محیط بر انسان و اینکه اراده و قدرت خدا بر انصراف اراده و قدرت آدمی تعلق گرفته است. حال اگر دلالت آیات تحدی زیر سوال برود، می‌توانیم همچنان به نظریه‌های اعجاز به همان صورت نظر کنیم. با کمی تأمل در می‌یابیم که قبول به دلالت آیات تحدی به

عنوان پیش فرض برای آن معقول و موجه به نظر نمی‌رسد و هیچ وابستگی بین اعجاز و پیش فرضش وجود نخواهد داشت. در مورد صرفه استثناء می‌توانیم بگوییم که حتی بدون آیات تحدی و قطعیت دلالت آن، وجه اعجاز آن خللی نمی‌یابد - چرا که می‌تواند به معجزه بودن متن قرآن نیز وابسته نباشد بلکه معجزه بودنش از آن حیث باشد که خداوند علم ایجاد کتابی مانند قرآن را به دیگری نداده است. از دیگر وجوه تحدی قرآن اعجاز بیانی می‌باشد، در نتیجه آیات تحدی پیش فرضی اساسی در این نظریه به شمار می‌آید. امی بودن پیامبر(ص) نیز از دیگر پیش فرض‌های این نظریه می‌تواند باشد. لیکن در اعجاز بیانی چنانچه اگر امی بودن پیامبر(ص) را بپذیریم، دلالت آیات تحدی قبول این وجه از اعجاز را با خدشه روبه رو می‌کند. می‌توان یا صراحت گفت که دلالت آیات تحدی یکی از پیش فرضهای وجوه اعجاز قرآن قلمداد شده است لیکن باید پذیرفت که این مورد یکی از وجوه تفسیری به دست آمده از این آیات می‌باشد و شاید اگر با دقت نظر بیشتری به آیات نظر شود، نتایج متفاوت و معقول‌تری را بتوان شاهد بود.



اعجاز زبانی قرآن کریم (مطالعات میان رشته‌ای)



پژوهشی در تعریف، تبیین و توصیف «زیادة المبانی تدلّ علی زیادة المعانی» با رویکرد قرآنی (گامی در راستای اثبات اعجاز واژگانی قرآن)

خلیل پروینی^۱، محمد امیری فر^۲، عطیه یوسفی^۳

- ۱- استاد رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، kparvini@yahoo.com
- ۲- نویسنده مسعول، دانشجوی دکترای رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تربیت مدرس، amirifarm@gmail.com
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران، a.usefi313@ut.ac.ir

چکیده

زبان‌شناسان قدیمی و معاصر عرب، عبارت «الزیادة فی المبنی تدلّ علی زیادة فی المعنی» را به‌عنوان یک اصل زبانی پذیرفته و در توضیح و اثبات آن بسیار قلم‌فرسایی کرده‌اند. اگر آن‌ها توانسته‌اند این اصل را در متون بشری دنبال کنند، پس رعایت این اصل در قرآن کریم چگونه است؟ زمخشری این اصل را از اموری می‌داند که فطرت زبانی بشری بدان اقرار می‌کند پس در قرآن کریم که سرچشمه همه علوم ادبی عربی مانند صرف و نحو، بلاغت، زبانشناسی و... است و از لحاظ ادبی بر سستیغ ادبیات عرب ایستاده، اثبات این امر آسان‌تر به نظر می‌رسد. قرآن کریم نه تنها در گزینش واژگان نهایت دقت را به کار برده، بلکه خود نیز نمونه‌هایی عملی از این کاربردها را به تصویر کشیده است و دیگران را نیز توصیه کرده است که در انتخاب واژگان دقت کنند. آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمِعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (البقرة: ۱۰۴) گواهی

روشن بر انتخاب هدفمند واژگان قرآنی و اهمیت دادن به آن است. مقاله حاضر می‌کوشد در راستای اصل «زیادة المبانی تدل علی زیادة المعانی»، عملاً نشان دهد واژگانی که در قرآن کریم از نظر مبنایی یعنی تعداد حروف از واژه هم‌ریشه دیگر خود، بزرگ‌تر است و حروف بیشتری دارد، دایره معنایی آن گسترده‌تر و انجام آن در عالم واقع به زمان بیشتری نیاز دارد. ما معتقدیم این اصل در قرآن هدفمند دنبال شده است و جهت اثبات آن، به تفاسیر معتبر، کتاب‌های علوم قرآنی، مطالعات زبانشناسی جدید در حوزه قرآن و... مراجعه کرده و تنها از لحاظ زیبایی‌شناسی به بررسی دو واژه نزدیک به هم پرداخته‌ایم و تفسیر و تعلیل آن را که به بحث زیبایی‌شناسی مرتبط نیست، کنار گذاشته‌ایم. البته پدیده‌ای که در اینجا در پی اثبات آن هستیم، پدیده‌ای نو نیست بلکه ریشه‌ای کهن دارد و زمخشری، ابن قتیبه دینوری، انباری و ابن جنی در کتاب نفیس «الخصائص» بدان اشارت کرده‌اند ولی به طور منسجم و یکپارچه و با این رویکرد، بدان پرداخته نشده است.

برای روشن‌تر شدن بحث مورد نظر، نمونه‌ای عملی در اینجا می‌آوریم: قرآن کریم دو فعل (اسطاعوا و استطاعوا) را در یک آیه به کار برده است: (فَمَا اسْتَطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا) (الکھف: ۹۷). آیه مذکور اشاره به سد معروفی دارد که ذوالقرنین بنا کرد تا گروهی را از دست یاجوج و ماجوج نجات دهد. قرآن در توصیف این سد می‌گوید: به‌گونه‌ای بود که نه می‌توانستند بر آن فراز آیند و نه می‌توانستند در آن نقبی ایجاد کنند. قرآن برای اینکه عمل آسان‌تر را یعنی بالا رفتن از سد را به تصویر بکشد، از فعل (اسطاعوا) با حذف تاء استفاده کرده و از آنجایی که سوراخ کردن و نقب زدن در سدی با آن عظمت و محکمی، کاری دشوارتر از بالا رفتن از آن است، از فعلی استفاده کرده است که این عمل را طولانی‌تر نشان دهد بنابراین تاء را در فعل (استطاعوا) آورده است. «لذا فعل اخف را برای کار اخف و فعل ثقیل را برای کار سخت‌تر آورده است یعنی قرآن تاء را در صعود حذف کرده و در نقب زدن آورده است» (السامرائی، ۱۴۲۷، ۷۲). پژوهش حاضر با بررسی تطبیقی بیش از بیست مورد از افعال و اسم‌هایی که در قرآن به صورت‌های گوناگون و با اختلاف در مبنا تکرار شده است، به اثبات این امر می‌پردازد. البته نمونه‌هایی که در این مقاله آورده‌ایم از باب تمثیل است و نه استقصا. زیادت در مبنا و متعاقب

آن زیادت در معنا تنها به افعال و اسم‌های قرآنی منحصر نمی‌شود و در حروف نیز قابل بحث و بررسی است ولی با توجه به حجم مقاله، از پرداختن به حروف امتناع کردیم و تنها چند فعل و اسم را به عنوان نمونه با نقل قول‌های مستقیم از قرآن پژوهان و مفسران قرآنی آوردیم.

روش پژوهش حاضر بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل نمونه‌ها با ارجاع به تفاسیر ادبی معتبر است. پژوهش حاضر نشان داد هر چه تعداد حروف یک کلمه از کلمه مشابه آن بیشتر باشد، نه تنها این کلمه از دایره معنایی وسیع‌تری برخوردار است بلکه از نظر امتداد زمانی در خارج، از کلمه مشابه خود، زمان بیشتری می‌طلبد گویی واژه مورد نظر تصویری از آن در عالم خارج است. بنابراین صیغه صرفی یک کلمه در کنار ریشه آن و سیاق وارده در آن، نقشی مؤثر در تعیین معنای یک واژه دارد. بنابر یافته‌های این پژوهش دریافتیم که انتخاب یک صیغه مختلف از یک ریشه فعلی در داستان‌های یکسان و آیات مشابه، انتخابی تصادفی نیست بلکه از نظر معنایی، آوایی، زیبایی‌شناسی و دلالتی قابل بحث و بررسی است. هدف کلی از پژوهش حاضر به تصویر کشیدن گوشه‌ای از دنیای زیبای واژگان قرآن است و امیدواریم بدین وسیله، گامی هر چند ناچیز، در خدمت این کتاب الهی برداشته باشیم.

منظر «بافت» و «متن» در تحلیل انتقادی گفتمان قدرت در قرآن کریم: رویکرد ون دایک

مهین ناز میردهقان^۱، رقیه رحمانی پور^۲

۱- دانشیار زبان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، M_Mirdehghan@sbu.ac.ir

۲- کارشناس ارشد زبان شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، yrahmanpoor@yahoo.com

چکیده

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است و برای هدایت نوع بشر و همه اعصار و ملل فرستاده شده است، لذا منطق حکم می‌کند که خداوند حکیم و توانا زبانی را به کار گرفته باشد که قابل فهم برای تمام انسان‌هایی باشد که قرار است مورد هدایت واقع شوند. این پژوهش با هدف تحلیل گفتمان قدرت در قرآن کریم از منظر بافت و متن با استفاده از تحلیل گفتمان انتقادی (رویکرد ون-دایک) انجام گرفت. تحلیل گفتمان انتقادی به تحلیل روابط ساختاری آشکار و پنهان سلطه، تبعیض نژادی، قدرت و کنترل و تجلی آنها در زبان علاقه مند است (ون دایک، ۲۰۰۲). بر همین اساس اکثر تحلیلگران گفتمان انتقادی بر این موضوع که «زبان وسیله سلطه و نیروی اجتماعی است و در خدمت مشروعیت بخشی به روابط قدرت سازماندهی شده است» تأیید می‌کنند (وداک، ۱۹۹۵). ون دایک در انجام تحلیل گفتمان انتقادی اصول و رهنمودهای عملی عرضه می‌کند و معتقد است روش اختصاصی و مکتب و یا رویکرد خاصی ندارد. او بر اساس گرایش خود، برای روشی که در تحلیل گفتمان انتقادی به کار می‌گیرد، برچسب تحلیل گفتمان

شناختی- اجتماعی را بر می‌گزینند (ون دایک، ۲۰۰۱؛ ون دایک، ۲۰۰۲). به باور ون دایک (۲۰۰۲) تحلیل گفتمان انتقادی کارآمد باید درک درستی از ماهیت قدرت و سلطه اجتماعی داشته باشد. فقط در این صورت است که می‌توان تصویری در مورد چگونگی سهمیم بودن گفتمان در بازتولید قدرت و سلطه عرضه کرد.

در این پژوهش از رویکرد ون‌دایک برای تحلیل گفتمان قرآن استفاده شد. ون دایک در تحلیل هایش گفتمان را از دو منظر بافت و متن مورد بررسی قرار می‌دهد. بافت شامل شاخص‌هایی از قبیل دسترسی، محیط و مشارکین و متن نیز شامل شاخص‌هایی از قبیل کنش‌های گفتاری، صنایع بیانی، سبک و معنی‌شناسی می‌باشد (ایزدی و همکاران، ۱۳۸۷).

روش شناسی پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع تحلیل محتوا می‌باشد. این پژوهش پیکره بنیاد بوده و پیکره مورد بررسی قرآن کریم می‌باشد. کل آیات قرآن کریم به عنوان جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفت و آیه‌هایی که نمایانگر قدرت خداوند در قرآن کریم بودند توسط محقق استخراج شده و به عنوان نمونه استفاده شد. در مجموع تعداد ۵۰ آیه برای تحلیل استفاده شد. برای بررسی معنی‌شناسی یک آیه (الانعام، ۹۱)، کنش‌های گفتاری تعداد ۲۵ آیه و صنایع بیانی تعداد ۲۴ آیه مورد تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

نتایج تجزیه و تحلیل آیات منتخب بر اساس دیدگاه ون دایک نشان داد که خداوند دسترسی ویژه به سبکی دارد که مخصوص خود اوست و این دسترسی را از علم و قدرت خود به دست می‌آورد. خداوند به خاطر قادر بودن، خالق بودن، یکتا بودن، جاودانه بودن و... در مکانی قرار می‌گیرد که نسبت به مخاطبان گفتمان از قدرت فوق بشری برخوردار است. این ویژگی‌ها، گفتمان قرآن را متفاوت از گفتمان‌های بشری می‌کند.

از لحاظ محیط و مشارکین نیز قرآن در محیط شبه جزیره عربستان و خطاب به مردم

عربستان در زمان نزول، به طور خاص، و خطاب به همه انسان ها، به طور عام، نازل شده است. درباره‌ی معنای کلام خدا نیز تحلیل‌ها نشان داد که معنای سوره‌ها و آیات قرآن دارای چند چهره و چند بعد است بنابراین، یک آیه جنبه‌های متعدد و گوناگون اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، فردی و غیره را دربر دارد. این سبک خاص ساختاری قرآن، آثار زبانی و معنایی ویژه‌ای دارد که برخی از مفسران آن را به عنوان ویژگی زبان قرآن یاد کرده‌اند.

کنش‌های گفتاری فراوانی از جمله ترساندن، تشویق، تعظیم (بزرگداشت)، نفی کردن، انکار، پرسش کردن، امر کردن، ارشاد کردن، تهدید کردن، و... در قرآن مشاهده شد.

صنایع بیانی متعددی نیز از جمله ایجاز، اطناب، استعاره، خیال‌انگیزی، مراعات نظیر و جناس در این تحلیل از متن قرآن اتخاذ شد.

نتیجه‌گیری

رابطه‌ی قدرت خدا و دسترسی اش به گفتمان ارتباطی دوسویه است. دسترسی خدا به گفتمان از قدرت او ناشی می‌شود و برعکس. به این معنی که خداوند از قدرتش استفاده می‌کند تا با کمک سخنانش اذهان انسان‌ها را تحت کنترل خود درآورد و از سوی دیگر با استفاده از گفتمان‌ش و در لابه‌لای سخنانش از قدرت خود سخن گفته و آن را به انسان‌ها ثابت می‌کند. دسترسی خاص خدا به گفتمان احتمالاً به این دلیل است که خداوند در مقام آفریدگار قدرتمند و جاودانه، گفتمان‌ش خطاب به انسان است که در مقابل او ناتوان و ضعیف است. به طور کلی؛

- قدرت خدای سبحان از صفات جمال یعنی از صفات حقیقی او است. و از آنجا که انسان نسبت به خداوند از صفات حقیقی چندانی برخوردار نیست، گفتمان خداوند ویژگی خاصی به خود می‌گیرد که متفاوت از گفتمان‌های بشری است.
- اقتدار و قدرت کلام به اشکال و در مراحل گوناگون آشکار می‌شود و بسیار عمیق‌تر و گسترده‌تر از آن چیزی است که دانش موجود بدان می‌پردازد و درک گفتمان قرآن نیز که کلام الهی است، به سادگی قابل درک و فهم نیست.

زمان پریشی آشنازدا در داستان حضرت آدم علیه السلام در قرآن کریم

مریم بخشی^۱، علی باقر طاهرینیا^۲

۱- استادیار دانشگاه شهید مدنی آذربایجان m.bakshshi8@gmail.com

۲- استاد دانشگاه تهران

چکیده

تمایز بین زمان داستان و زمان روایت در سه مبحث عمده نظم، تداوم و بسامد تقسیم می‌کند. مبحث نظم یا زمان پریشی که موضوع بحث حاضر است در داستان حضرت آدم علیه السلام که در هفت سوره از قرآن (سوره بقره، اعراف، حجر، کهف، اسراء، طه، ص) روایت شده است، مورد بررسی قرار گرفته است. هدف از این مقاله، بررسی بعد دیگری از اسرار اعجاز ادبی و هنری قرآن کریم براساس روش توصیفی - تحلیلی می‌باشد.

نمود طبیعی هر حرکت زمانی در هر عمل روایی بدین گونه است که از گذشته شروع شده و سپس حال و در نهایت در آینده جریان داشته باشد. اما اقتضای روایت خواستار تغییر و تبادل در موقعیت‌های زمانی می‌گردد؛ از این رو زمان حال، به عنوان آشنازدایی زمانی، گاهی به جای گذشته، و زمان آینده به جای زمان حال می‌آید و گاهی برای بیان حتمیت وقوع فعل، گذشته به جای آینده به کار می‌رود. زیبایی زمانی روایت نیز در شکست و ترکیب و ساخت دوباره زمان روایت است. چینش‌های زمانی خاصی که در روایت انجام می‌گیرد، هر کدام دارای دلالت و کارکرد خاص خود و زیبایی بی‌نظیر هستند. بر همین اساس زمانی که این زمان شناخته شده، به شکلی ناشناخته با ذهن مخاطب درآید، در ساخت و شکلی جدید خود را بیشتر می‌نماید و نگاه مخاطب را بیشتر به خود می‌کشاند. پس از این که زمان شکسته شد، اجزای آن در ترکیبی جدید کنار هم چیده می‌شود و این چینش دوباره، اهداف روائی و معنایی نویسنده را برآورده ساخته، دارای کارکرد دلالتی می‌گردد.

مقصود از «ترتیب»، «ترتیب زمانی رخدادها» است. «ترتیب زمانی رخدادهای داستان نسبت به ارائه همین رخدادها در گفتمان روایی است.» (لوته ۱۳۸۸: ۷۲) و به دو نوع کلی گذشته نگر و آینده نگر تقسیم می‌شود

که دو شگرد زمانی آشنازدا هستند که نویسنده برحسب موقعیت و براساس توانمندی خود از آن در پر بار کردن روایتش سود می جوید. مخاطب هم برای درک روایت و دلالت های آن و برای پی بردن به توانمندی های نویسنده و قابلیت متن، به بررسی آن ها نیازمند است.

زمان پریشی گذشته نگر

در این نوع زمان پریشی، رویدادهایی هستند که در داستان زودتر اتفاق افتاده اند، اما در متن، دیرتر از زمان طبیعی خود روایت می شوند. (لوتی، ۱۳۸۸: ۷۲) گذشته نگرها سه گونه اند: گذشته نگر بیرونی، گذشته نگر درونی و گذشته نگر مختلط (مرکب).

زمان پریشی آینده نگر

در این نوع زمان پریشی، داستان با نوعی پرش، به آینده می رود و حوادث آینده را پیش بینی می کند. (ژنت، ۱۹۸۰: ۴۰) و حوادثی را که هنوز رخ نداده اند، روایت می کند؛ نوع دیگری از آینده نگر وجود دارد که در آن ترتیب حوادث بهم نمی خورد؛ بلکه با حفظ ترتیب، حوادث آینده ای که رخ نداده، پیش بینی می شود. آینده نگر را نیز می توان به آینده نگر درونی و آینده نگر بیرونی تقسیم کرد

ترتیب زمانی در داستان حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام

(وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ * وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ) (حجر: ۲۷-۲۶)؛ این برش از روایت، با بیان آفرینش انسان از گل آغاز شده که نسبت به بازه ای زمانی مقطع حاضر، آینده نگر درون داستانی است؛ به بیان روشن تر، داستان با بیان تصمیم خداوند مبنی بر آفرینش انسان از گل آغاز شده است، اما روایت با روایت انجام این عمل (آفرینش) آغاز می گردد؛ بنابراین پرش به زمانی جلوتر و آینده نگری درون داستانی رخ داده است. جمله دوم تصویری از گذشته نگر برون داستانی است که بیان گر آفرینش شیطان از آتش می باشد.

اما نکته زیباتر چینش این دو حادثه متناسب در کنار هم و ترکیب آینده نگر درون داستانی و گذشته نگر برون داستانی می باشد که با ترتیب زمانی معکوس و به صورت ضربدری و به طرز

هنری روایت شده است.

زمان اصلی این داستان آینده است، آینده‌هایی که هر روز و هر لحظه اتفاق می‌افتند، آینده‌های بی‌انتهای و روایت آینده‌هایی که هنوز اتفاق نیوفتاده‌اند، آینده نگر آشنایی زدا هستند؛ جمله‌های (... إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ)، (لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ) (اعراف: ۱۶)، (ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ) (اعراف: ۱۷)، (لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا) (إسراء: ۱۶۲)، (لَأُرِيَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَآلَاءَ عَيْنِيهِمْ أَجْمَعِينَ) (حجر: ۳۹) که از آینده نگر درون داستانی آغاز و تا آینده برون داستانی ادامه دارد و آینده نگر استمراری هستند، همه به این مفهوم است که وسوسه شیطان تا روز قیامت ادامه خواهد داشت. خبر از آینده، آن هم آینده‌ای ماورائی، جزء زیبایی‌ها و آشنایی زدهای این روایت می‌باشد. این زمان از آن رو ماورائی است که جز زمان زمین نیست، و به عالم متافیزیکی تعلق دارد که قابل درک برای افراد بشر نیست.

نتیجه‌گیری

کارکردهای تکنیک گذشته نگر در این روایت، عبارتند از: بیدارگری مخاطب، تعمیق مفهوم، غافلگیری مخاطب، کشف عناصر فکری و روحی شخصیت، ارائه اطلاعات، یادآوری، تغییر دلالت برخی از حوادث گذشته، آماده سازی مخاطب برای ادامه داستان و درک بهتر، زیبایی هنری. کارکردهای آینده نگر عبارتند از: تصویرسازی آینده و پیش بینی حوادث آن، انتقال پیام اصلی داستان و نوید آمدن هدایت از جانب خدا یا ارسال رسل، بیان جنبه‌های ناپیدای روایت، غافلگیری مخاطب.

از زیبایی‌های این دو تکنیک، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: تلفیق گذشته نگر با هنر بسامد (گذشته نگر بسامدگرا) و تلفیق آینده نگر با هنر بسامد (آینده نگر بسامدگرا)، چینش آینده نگر درون داستانی با گذشته نگر برون داستانی با ترتیب زمانی معکوس و به صورت ضربدری، ترکیب سه تکنیک زمانی گذشته نگر، بسامد و درنگ، چینش گذشته نگر درون داستانی و گذشته نگر برون داستانی در کنار هم، پیوند بین زمان حال و آینده، استفاده از آینده نگر ممتد و بدون پایان (آینده نگر استمراری)، آینده نگر ماورائی.

بررسی عناصر دستوری و لغوی ایجاد انسجام متن در سوره قیامت بر اساس دیدگاه نقشگرای هلیدی

اختر ذوالفقاری^۱

۱- دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بوعلی سینا، zolfaghari559@gmail.com

چکیده

آیات هر سوره از قرآن، مجموعه مطالبی به هم پیوسته و در ارتباط با هم است و به طور تصادفی در کنار هم قرار نگرفته‌اند. گمان بی‌ارتباطی آیات یک سوره، در برخی موارد، ناشی از عدم درک درست معنی و غفلت از زمینه‌ها و اسباب نزول و یا ناشی از عدم شناخت عواملی است که باعث ایجاد انسجام در سوره به عنوان یک متن منسجم گردیده‌اند. سوره قیامت، سوره‌ای مکی با چهل آیه است و در ظاهر شاید چنین تصور شود که ارتباط بین آیات آن ضعیف است. مقاله حاضر، انسجام و ارتباط آیات این سوره را در دو حوزه انسجام دستوری و انسجام لغوی با توجه به نظریه هلیدی نشان می‌دهد.

خوانش اعجاز ادبی قرآن از رهگذر مطالعات بینامتنی

مرضیه محمص^۱

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده الهیات و ادیان، M_Mohases@sbu.ac.ir

چکیده

جستارهای قرآنی، پیرامون ابعاد متنی و ادبی آیات در کنار ابعاد دین شناختی آن، مسبوق به سابقه‌ی فاخری می‌باشد. در این میان همواره امکان پیگیری رهیافت‌های نوین به جنبه‌های اعجاز‌آمیز قرآن کریم وجود دارد. یکی از این رهیافت‌ها، بررسی درهم تنیدگی متون می‌باشد که به نوعی محصول رویکرد زبان شناختی و نقد متن محور است. به موجب چنین مطالعاتی، رخشندگی‌های متنی قرآن در آفرینش آثار ادبی ماندگار و سرآمد در قرن‌های بعد از نزول، بیش از پیش رخ می‌نمایاند. به عبارت دیگر نه تنها فراخوان هم‌آوردی قرآن در طول دوران‌ها، از جانب مخاطبان پاسخ داده نشده، بلکه ادیبان برجسته و منفرد در عصرهای بعد به نوعی وامدار ظرافت‌های متنی و تعابیر نغز قرآنی بوده‌اند. به تعبیر دیگر زیبایی‌های ادبی شگفت‌آور در تعابیر قرآنی، آب‌شخور شکل‌گیری آثار گرانسنگی در طول تاریخ ادبیات گشته و هر ادیب به نحوی با این متن غائب تعامل برقرار نموده است. امروزه می‌توان با نگاهی به مطالعات ادبی مغرب زمین، الگوهای نظری نوینی را مورد بحث و بررسی قرار داد و ساختارها و الگوهای ادبی گسترده تری را در گفتمان قرآن شناسایی نمود.

بینامتنیت ترجمه لغت «تناص» در زبان عربی است و بر اشتراک دو متن با یکدیگر دلالت دارد. این نظریه توسط ژولیا کریستوا در اواخر دهه‌ی شصت قرن بیستم میلادی مطرح شد. در مطالعات ادبی فارسی، بینامتنیت با دو اصطلاح «تلمیح» و «انتحال» شناخته می‌شود. اصطلاح تناص در نقد عربی نوین به معنای تبادل متون یا تداخل و ارتباط متون با یکدیگر است. پس از ورود بینامتنیت به دنیای عرب، این اصطلاح با چالش‌های متعددی روبه‌رو گشت. و برای آن از تعابیر متعددی نظیر: «التناص»، «تداخل النصوص»، «النصوص المتداخلة»، «النصوصیه»، «تعلق

النصوص»، «توادر النصوص»، «الحوار بین النصوص»، «النصیة»، «تظافر النصوص» و «النصوصیه» به کار رفت. این نظریه بر ضرورت وجود رابطه بین متون تأکید دارد از این رو هیچ مؤلفی خالق اثر خویش نیست، بلکه اثر وی باز خوانشی از آثار پیشینیان یا معاصران می باشد. پس معرفت بینامتنی همه‌ی نظام‌های نشانه‌ای را که خواننده با آنها آشنا است، در بر می‌گیرد. در فرآیند تعاملات بینامتنی، مولف اثر برای تعبیر از اندیشه و دیدگاه خاصی از متن مبدأ برای بیان مقاصد و انگیزه‌های خود و کارکردهای مختلف به ویژه کارکردهای اجتماعی و نیز ایجاد زیبایی و اسلوب هنری نو و الگو گرفته از اثر مبدأ بهره مند می‌شود. سازگان زبان شناختی منحصر به فرد قرآن سبب شده محققان با اطمینان اذعان نمایند که گفتمان قرآن، ژانری منحصر به فرد است. بیان آموزه‌های جهان شمول دین شناختی، تعلیمی و هدایتی در قرآن کریم با بهره‌گیری حداکثری از ویژگی‌های ادبی و در نسقی استوار انجام گرفته است. تاثیرات مستقیم یا غیر مستقیم لکن قابل شناسایی متن غائب قرآن بر دیگر متون فاخر از خلال بررسی لایه‌های عمیق نصوص آشکار می‌گردد. پیوند ژرف آثار ادیبان نام آور، گواهی بر این مدعاست. اخذ واژگان قرآنی، اخذ تعابیر قرآنی، اخذ قواعد نحوی، اخذ مثل‌های قرآنی، اخذ اصطلاحات قرآنی و... از جمله این پیوندها به شمار می‌آیند. بکارگیری صنعت‌های ادبی همچون اشاره، تلمیح، اقتباس، تضمین، تحلیل آیات، قصص، تمثیل، قالب‌هایی برای بهره‌گیری از متن قرآنی در گنجینه ادبیات عربی و فارسی می‌باشد. «فراهنجاری» و «فرازمانی» بودن متن قرآنی دو برآیند بسیار قابل عنایت مطالعات متنی قرآن کریم از رهگذر بررسی‌های بینامتنیت قرآنی با آثار ادیبان صاحب نام در عصرهای پس از نزول قرآن محسوب می‌شود. در این نوشتار با بررسی کتاب‌ها و مقالات مرتبط با نظریه «بینامتنیت»، در قالب روش توصیفی - تحلیلی، مفهوم بینامتنیت، انواع روابط بینامتنی، پیشینه این نظریه و نمونه‌هایی از تطبیق قرآنی این نظریه با آثار سخنوران فارسی و عرب زبان بیان می‌شود و در نهایت نتایج بهره‌گیری از این نظریه در افق اعجاز ادبی قرآن ارائه خواهد گردید

واژه‌های کلیدی:

اعجاز ادبی، بینامتنیت، قرآن کریم، ادبیات.

حذف و فزونی واج‌ها در قرآن کریم با رویکرد معناشناسی آوایی

سیده فاطمه سلیمی^۱، سجاد شفیع پور بروجنی^۲

۱- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل، fatemeh_salimi625@yahoo.com

۲- دانشجوی دکترای تفسیر تطبیقی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی قم)، sajad1414@gmail.com

چکیده

دانش معناشناسی آوایی دانشی نوپدید است، که از تلفیق سه مقوله آوا، معنا و رابطه آوایی معنایی شکل می‌گیرد. در این حوزه، آواهای یک واژه واحدهای بی‌مفهوم نیستند بلکه نشانه‌هایی اعتباری‌اند که در دو محور همنشینی و جانیشینی، مفهوم جدیدی می‌سازند؛ معناشناسی آوایی امروزه در حوزه زبان شناسی و خصوصاً در حوزه شعر و متن ادبی مورد توجه ویژه قرار گرفته است. این علم امروزه سبب شده تا زبان‌شناس در تحلیل یک متن ادبی با دنیایی از نشانه‌ها روبرو شود. در این سیر مطالعاتی، تحلیلگر متن، با کشف کدهای آوایی و ایجاد ارتباط میان کدها و متغیرهای حاصل از آن‌ها، معانی جدیدی را در ارتباط با ساختار آوایی کلام ترسیم می‌نماید که چنین تصویر سازی ذهنی از سوی دریافت کننده متن، اشاره به حالات و صفات گوینده و اهداف معنایی مورد نظر وی دارد. بهره‌گیری از حروف شدید و نرم، هماهنگی همخوانها و واکه‌ها، حذف یا فزونی واج‌ها سبب تغییر ساختار آوایی و زایش معانی نو می‌گردد. «حذف و فزونی واج»، از جمله مهمترین سازوکارهای زبانی است که مطالعه آن از بعد معناشناسی، معانی ضمنی جدیدی را فراهم می‌آورد. پژوهش حاضر بر آن است تا با تکیه بر روش توصیفی تحلیلی به این

دو پدیده‌ی زبانی در متن قرآن کریم پرداخته و از بسیاری حکمت‌های نهفته کدگشایی نموده و دریچه‌ای جدید به سوی اعجاز بیانی قرآن محوری ترین نوع اعجاز بگشاید. به دیگر سخن، کشف چنین ساز و کارهای زبانی در دستیابی به تفسیر دقیق و کامل کلام نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند و مفسر بدون توجه به این امر نمی‌تواند تصویری دقیق از مراد متکلم را بیان کند. بدین تصور، پژوهش حاضر بر آن است تا با روش توصیفی-تحلیلی در حوزه‌ی معناشناسی آوایی به ابعاد این بحث در قرآن کریم پرداخته و به شکلی ویژه، دو پدیده‌ی حذف و فزونی واج‌ها را با رویکرد معناشناسی مورد مطالعه قرار داده و به پرسشهای ذیل پاسخ دهد:

۱. ساختار زبانی آوایی در قرآن کریم چه ارتباطی با حوزه‌ی معنایی دارد؟
 ۲. هر یک از سازو کارهای حذف و فزونی در قرآن کریم چه معانی را به تصویر می‌کشد؟
 ۳. کاربرد حذف و فزونی واج در قرآن چگونه و با چه اهدافی صورت گرفته است؟
- با توجه به پرسش‌های بالا، فرضیه‌های پژوهش بدین قرار است:
- ساختار آوایی قرآن از جمله ساختارهای زبانی متن است که در زایش معانی ضمنی متناسب با بافت موقعیتی کلام تأثیر داشته و باعث نمود ابعادی از اعجاز ادبی قرآن خواهد شد.
 - سازو کار حذف در متن قرآن کریم باعث زایش معانی ضمنی یا فراوضعی همچون سرعت در عمل، نزدیکی امر، رفع مشقت سنگینی، حقارت و کوچکی گردیده و در ساختار آوایی فزونی واج نیز معانی ضمنی تکلف، کثرت، تاکید، شدت و مورد توجه است.
 - کاربرد دو سازو کار زبانی حذف و فزونی واج‌ها در متن قرآن کاملاً آگاهانه و هدفمند بوده و به منظور بیان شبکه‌های جدیدی از معناست که نشان از سازگاری دقیق بافت زبانی متن با بافت موقعیتی یا غیر زبانی آن دارد و این امر با محوری ترین حوزه اعجاز یعنی اعجاز بیانی و ادبی در ارتباط است.

بر اساس آمار بدست آمده از آیات مورد تأمل در این حوزه می‌توان گفت:

۱. زبان قرآن از اعجاز ویژه‌ای برخوردار است که خواننده‌ی متن می‌تواند با کنکاش در ساختارهای مختلف قرآن به اصل اعجازیت آن پی برده که به جرأت می‌توان گفت هر

یک از ساختارهای زبانی و غیرزبانی در ابعادی بس کوچک نیز می‌تواند دارای لایه‌های معنایی فراوان باشد؛ زیرا متن قرآن در گزینش کلمات، عبارات، و حتی حروف و واژه‌ها به انتقال معنا توجه داشته است و در این میان به اقتضای موقعیت به تولید ساختارهای زبانی پرداخته است.

۲. بر اساس تحلیل آوایی-معنایی، مهمترین معانی حذف واج‌ها در عبارات قرآن را می‌توان با توجه به کاسته شدن ساختار واژه با معانی فراوضعی همچون سبکی، کوچکی، کاستی، آسانی، سرعت و نزدیکی امر متناسب دانست.

۳. از جمله کاربردهای فزونی آوایی نیز، توسعه معنایی واژه و کلام می‌باشد که در سطح واج به دو شکل «فزونی» و «واج آرای» قابل بررسی است.

۴. معانی فزونی واج‌ها در قرآن را می‌توان شامل بزرگی، کثرت، تاکید، شدت و سختی امر دانست. البته علاوه بر این معانی از آنجا که هر واجی دارای آوای مخصوص به خود است و با اضافه شدن به واژه، آوای جدیدی به ساختار واژه می‌دهد؛ چنین تلفیقی در مقوله فزونی واج با نوع صفات برخاسته از آن، معانی ضمنی خاصی را ایجاد می‌نماید که بر بار عاطفی کلام می‌افزاید.

۵. در معناشناسی آوایی، تکرار یا فزونی مضاعف در واج نیز از عوامل تأمین‌کننده‌ی هارمونی موسیقایی کلام و در نتیجه زایش معانی خاصی، همچون تأکید و مبالغه معنایی می‌باشد که بیانگر هدفمند بودن ساختار زبانی قرآن و بی‌بدیل بودن این امر دارد.

واژگان کلیدی:

قرآن کریم، معناشناسی آوایی، معانی ضمنی، حذف واج، فزونی واج

کارکرد موسیقایی واژگان ناهمگن در ایجاد معانی متفاوت (نگاه موردی جزء ۲۹ قرآن کریم)

دکتر جواد گرجامی^۱، دکتر عادل آزاددل^۲، سولماز پرشور^۳

۱- استادیار دانشگاه محقق اردبیلی، rjami@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه محقق اردبیلی

۳- کارشناس ارشد دانشگاه محقق اردبیلی

چکیده

قرآن کریم دریای بیکرانی است که انواع علوم و معارف از آن استخراج می‌شود. برای مثال، فقیه احکام شرعی را از آن استنباط می‌کند، پژوهشگر علم نحو قواعد سخن را از آن بنا می‌کند، پژوهشگر علم بلاغت به وسیله‌ی آن به شیوه‌های فصاحت و بلاغت در کلام راه می‌یابد. لذا هر پژوهشگری گمشده اش را در آن می‌یابد. از این رو این کتاب آسمانی دریایی است که با گذر زمان نه تنها خشک نمی‌شود بلکه چشمه‌های شگفت و تازه‌ای از آن کشف می‌شود و عطش جویندگان علم را سیراب می‌کند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های اعجاز زبانی قرآن، موسیقی دل نشین آن است که بر حسن و زیبایی این منشور آسمانی افزوده و کارکرد شایانی در میان سایر مؤلفه‌های زیبایی بخش قرآن ایفا می‌کند. یکی از مؤلفه‌های موسیقی بخش آیات قرآن که در القای معانی دینی نقش مهمی داشته و از عمده‌ترین وجوه زیباسازی آن به شمار می‌رود، تقابل واژگان قرآنی است. این شیوه در قرآن کریم از دامنه‌ای بسیار گسترده و وسیع برخوردار است. بسامد تصاویر تقابلی در متن قرآن عجیب نیست؛ چراکه تصاویر قرآنی از طبیعت انتزاع یافته و

تمام طبیعت نیز آکنده از تصاویر تقابلی است، مثل زمین و آسمان، شب و روز، صلابت و نرمی و... هم چنین بسامد تصاویر تقابلی در کتاب الهی عجیب نیست، چراکه قرآن موضع انسان‌ها را در برابر پروردگارش بیان می‌کند که برخی از آن‌ها مؤمن هستند و برخی کافر. البته قابل ذکر است که الگوی تقابلی یاد شده در واژگان قرآن، روابط لفظی و معنایی موجود میان نظام‌های متقابل را در بر می‌گیرد، امری که در نهایت بر تأثیر سخن نیز می‌افزاید. در این نوشتار کوشیده‌ایم تا با اتخاذ رویکردی توصیفی - تحلیلی به موسیقی دل نشین برخی واژگان ناهمگن در جزء ۲۹ و ارتباط آن‌ها با محتوای گنج‌انیده در آن بپردازیم تا بدین ترتیب جنبه‌ای از اعجاز قرآن کریم را نشان دهیم. برای این اساس می‌توان گفت که شاکله‌ی این گفتار را چهاربخش ذیل تشکیل می‌دهد: ۱. مفهوم موسیقی ۲. مفهوم تقابل واژگانی ۳. تقابل در شکل (فرم) و محتوا ۴. تقابل در قرآن و موسیقی برخاسته از آن. پرسش‌هایی که در این نوشتار می‌خواهیم پاسخی برای آن‌ها بیابیم عبارتند از:

۱. هدف از اتخاذ روش موسیقایی در آیات قرآن چیست؟

۲. چرا از روش تقابل در ساختار موسیقایی قرآن استفاده شده است؟

۳. به چه علت میان شکل (فرم) و محتوای واژگان ناهمگن، همخوانی وجود دارد؟

در نهایت نتایج این پژوهش بیانگر آن است که:

- قرآن کریم با وجود گستردگی مطالب و تنوع آن، چنان آوای دل نشینی دارد که شنیدن آن، هرچند مکرر ملال آور و خستگی زا نیست، بلکه سبک و شیوه‌ی آن به گونه‌ای است که جاذبه‌ی قرائت و کشش در تلاوت را فراهم می‌کند. به همین دلیل می‌توان یکی از اختصاصات قرآن را گرایش وسیع به تلاوت قرآن برشمرد.

- اسلوب موسیقایی سحرانگیز قرآن مبتنی بر معیارهای حساب شده و دقیق است نه اسلوبی برای پنهان کردن ضعف و کاستی‌های ساختار و محتوای دینی آن. این اسلوب دارای اجزائی منسجم و هماهنگ بوده و در خدمت محتوای سوره قرار دارد لذا متن قرآنی هیچ گاه یک سویه نیست. فرم، تابع محتوا و متناسب با اغراض آیات است و با توجه به حال و مقام تنوع پیدا می‌کند. لذا هرگاه آیه‌ای حامل بشارت و لطف و رحمت الهی است آهنگی

نرم و لطیف دارد و هرگاه سخن از قیامت و وعده‌ی عذاب است آهنگی تند و کوبنده دارد، این هماهنگی فوق‌العاده میان فرم و محتوای آیات بر زیبایی کلام و تأثیر اعجاز‌آمیز آن افزوده است.

- تقابل یکی از عناصر بنیادین متنادبی است که به وسیله‌ی آن فرم (شکل)، محتوای خود را آشکار می‌کند.

- تقابل در نظم قرآن سبکی است هنری، بلاغی و زیبایی شناختی که با ساخت موسیقایی در هماهنگی است و تنها به آفرینش زیبایی کلام منحصر نمی‌شود بلکه به تبیین معنا و آشکار ساختن برخی مفاهیم نیز کمک می‌کند و فهم مطلب را برای مخاطب تسهیل می‌نماید.

- تقابل‌های قرآنی نقش مؤثری در تأثیرگذاری بر مخاطب داشته و به او این امکان را می‌دهد تا با شناخت هر دو گروه به مقایسه‌ی بین آن دو با یکدیگر بپردازد و آگاهانه یکی را انتخاب کند.

واژه‌های کلیدی:

قرآن کریم، واژگان ناهمگن، موسیقی، القای معانی.

دلالات الأصوات و اعجاز الصوتي في سورة الرحمن

رحمان برزگر^١

١- طالب الماجستير في اللغة العربية و آدابها بجامعة تربيت مدرس، Rahmanbarzgar@gmail.com

چکیده

يلعب الدلالات الصوتي دوراً أساسياً في التعبير عن جماليات، و ذلك من خلال دراسة صفات الأصوات و تكرار الالفاظ و تناسبها مع معاني. في القرآن نوعٌ من الموسيقى التي لم يدرك الا بواسطه احساس رقيق و فهم دقيق. هذا الموسيقى داخلئى تخفى في ضمير الألفاظ و التراكيب و الجمل و تؤثر في السامع تأثيراً خاص. و هذا هو ما يُسمى بالإعجاز الصوتي في القرآن الكريم. يلتفت هذا البحث الى اعجاز الصوتي من خلال دلالات الاصوات، و بيان خصائص الأصوات القرآنية. اخترنا سورة الرحمن لكثرة ما رأينا فيه من دلالة الأصوات على موضوعه و بسبب الحديث الشريف الذي وري من رسول: (لكل شيء عروس، و عروس القرآن سورة الرحمن). و الغرض من هذه المقالة كشف عن أبعاد اعجاز القرآني و الوجوه البلاغية و الجماليات في هذه السورة المنهج المختاره في هذا البحث هو المنهج الوصفي - التحليلي وفقاً لطبيعة الموضوع الذي يحتاج الى التحليل و التفسير و البحث. أما أهم نتائج البحث: فمن أبرز سمات سورة الرحمن رعاية الفواصل و الايقاع و كثرة استخدام حروف اللين و المد التي تمنح السورة موسيقى بارعة؛ كما أن التكرار ظاهرة أخرى في هذه السورة تؤثر في الابعاء و التوكيد على المعنى المراد.

بررسی رده‌شناختی مقوله‌های اسمی جاننداری و معرفگی در قرآن کریم

فهیمة بیدادیان^۱، مهین‌ناز میردهقان^۲

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، f.bidadian@yahoo.com

۲- دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، M_Mirdehghan@sbu.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی و تحلیل دو ویژگی جاننداری و معرفگی از جنبه رده‌شناختی در زبان عربی در متن قرآن کریم است، که با تعیین مشخصه‌های مزبور و ارائه سلسله مراتب رده‌شناختی این دو ویژگی زبانی در متن قرآن به انجام رسیده است. تحقیق حاضر در چارچوب نظریه «نشانداری» زبان‌شناختی انجام پذیرفته و زبان مورد بررسی، زبان کلام الله مجید، قرآن کریم است که همان عربی کلاسیک می‌باشد. مشخصه‌های صرفی و نحوی مقوله اسم شامل جاننداری و معرفگی در آزمون معیارهای نشانداری، نشانداری معنایی، نشانداری صوری و نشانداری رده‌شناختی (سه معیار ساختاری، رفتاری و بسامد کاربرد) مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا سلسله مراتب نشانداری این مشخصه‌ها در زبان عربی قرآن تعیین گردد. داده‌های تحقیق به صورت تصادفی از میان آیات قرآن جمع‌آوری و مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نمایانگر آن است که رابطه نشانداری صوری در متن مورد بررسی تنها پس از رابطه نشانداری معنایی امکان پذیر می‌باشد؛ بدین معنا که اگر در زبان عربی رابطه نشانداری صوری وجود داشته باشد، در این زبان حتماً نشانداری معنایی وجود دارد ولی عکس این مطلب الزاماً صادق نیست. این بررسی می‌تواند از یک‌سو در تفسیر آیات و به ویژه نقش و اهمیت مشخصه‌های جاننداری و معرفگی در کلام الله مجید بر پایه توصیف زبان‌شناختی به کار رود و از سوی دیگر مسیری جدید و متفاوت را پیش روی پژوهشگران دستور زبان عربی بگشاید.

اعجاز معنوی قرآن کریم از دیدگاه صدرالمتالهین

حمیده حائری پورا^۱

۱- کارشناس ارشد فلسفه اسلامی دانشگاه اصفهان و طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی حوزه رفیعه المصطفی تهران،

Hamide. Haeri@gmail.com

چکیده

صدرالمتالهین در آثار خود تلاش کرده وجه جدیدی از اعجاز قرآن را بیان کند که نتیجه شهودات و مکاشفات شخصی او بوده و قبل از وی این مباحث به طور جامع مطرح نشده است. ملاصدرا ادعا می‌کند قرآن کریم بزرگترین و بالاترین معجزه‌های میباید که برای بشریت امکان ظهور دارد و اعجازی بالاتر از آن قابل تحقق نیست، لذا قرآن معجزه جاوید است و تا قیامت این قابلیت را دارد که بشریت از علوم و معارف آن بهره‌مند گردد. این مرتبه به قرآن اختصاص دارد و سایر کتب آسمانی چنین جایگاهی ندارند. این وجه اعجاز که آن را «اعجاز معنوی» نامیده‌ایم بسیار بالاتر و ارزشمندتر از سایر وجوه اعجاز قرآن همچون اعجاز لفظی، علمی، تشریحی و... است. صدرا برای تبیین مقدمات نظریه خویش ابتدا بحث کمال قوای ادراکی و مراتب وجودی انسان و به تبع آن رتبه انبیاء و انسان کامل را مطرح می‌کند، سپس بحث اعجاز و تناسب معجزه با مرتبه وجودی رسل را بیان نموده و در نهایت به شرح اعجاز معنوی قرآن و مقایسه آن با سایر کتب آسمانی می‌پردازد.

از دیدگاه صدرالمتالهین، در میان مخلوقات الهی، تنها در وجود انسان این قابلیت نهاده شده که به همه عوالم وجود احاطه یابد و بتواند عالمی عقلی مضاهی عالم عینی گردد، لذا انسان ابزار

شناخت همه عوالم هستی، اعم از عالم حس، خیال و عقل را دارا می‌باشد. انسان طالب کمال برای احاطه شدیدتر بر این عوالم باید هر یک از قوای ادراکی خویش را هر چه بیشتر به کمال برساند و قابلیت و استعدادهای نهفته این مشاعر را به ظهور و فعلیت درآورد.

انبیاء الهی هر سه قوه ادراکی حس و خیال و عقل را در حد کمال دارا هستند، لذا وجودشان نسبت به سایر انسان‌ها قوی‌تر بوده و به درجه نبوت نائل می‌آیند. البته انبیاء نیز بر اساس میزان کمال قوای مدرکه اختلاف مراتب پیدا می‌کنند، هر چه مبادی ادراکی آنان قویتر و کامل‌تر باشد به رتبه بالاتری از نبوت می‌رسند، وحی الهی را از مرتبه بالاتری دریافت می‌کنند و القاء علوم و معارف معنوی در قلب ایشان شدیدتر است.

معجزات انبیاء نیز نتیجه‌ی تکامل قوای مدرکه آنهاست؛ هر چه درجه وجودی نبی بالاتر باشد معجزه‌هاش از محسوسات فاصله گرفته و معقول‌تر می‌گردد، از این رو حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) که بالاترین مرتبه کمال مبادی ادراک خصوصاً کمال قوه عاقله را دارد معجزه‌هاش قرآن کریم است که امری عقلی و عالی‌ترین نوع اعجاز می‌باشد.

از سوی دیگر معجزه هر نبی باید با احوال و میزان ادراک قومش متناسب باشد چرا که هدف اعجاز اثبات صدق ادعای نبی و اتمام حجت بر مردم است. افراد بشر از زمان حضرت آدم تا خاتم (صلی الله علیه و آله) در حال ترقی و پیشرفت بودند، با تکامل ملتها معجزات انبیاء نیز کاملتر گردید و از محسوس به معقول پیش رفت تا جائی که امت پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله) به مرحله‌ای از رشد عقلانی رسیدند که توانائی و استعداد درک صحیح علوم و معارف دینی را پیدا کردند، لذا معجزه‌ای که بر آنان ارائه شد امری عقلی بود.

انبیاء سلف معجزات ظاهری و محسوس داشتند اما قرآن کریم علاوه بر اعجاز ظاهری؛ یعنی فصاحت و بلاغت، اعجاز باطنی نیز دارد و سرشار از حقایق الهی بوده و جوامع الکلم می‌باشد. معجزات رسل پیشین تنها برای اثبات صدق ادعای آنان بود و مقصود و معرفتی فراتر از آن نداشت اما قرآن کریم هدفی بسیار والاتر دارد و آن بالا بردن مرتبه وجودی انسان و کامل کردن اوست. اگر علم را از مقوله وجود بدانیم علوم و معارف نامتناهی قرآن شدت و قوت وجودی انسان را افزایش می‌دهد، استعدادهای نهفته او را به فعلیت میرساند و فرد را به مقام جمعیت اسمائی

که در وی به ودیعت نهاده شده نزدیک‌تر می‌گرداند، از این رو قرآن معجزه جاوید است و همه افراد بشر تا قیامت می‌توانند بسته به قابلیت خویش از این جنبه اعجاز قرآن کریم در جهت تکامل وجودی خویش بهره ببرند.

بیانات مذکور آشکار می‌سازد که کلام الله مجید برترین اعجازی است که می‌تواند بر بشریت ارائه گردد و آوردن معجزه‌های بالاتر و بهتر از آن امکان پذیر نمی‌باشد. سایر کتب آسمانی چنین ویژگی ندارند؛ قرآن کلام الهی است که حقیقت آن بر قلب حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نازل شد و آنچه توسط جبرائیل بر ایشان وحی می‌گردید تنها صورت لفظی آیات قرآن بود، اما نزول سایر کتب آسمانی فقط به صورت الواح مکتوب یا القاء الفاظ و عبارات توسط فرشته وحی بود و حقیقتی وراء الفاظ ظاهری نداشت که بر قلب نبی نازل شود، از این رو هدایت آن برای خود انبیاء و سایر مردم یکسان بود و همه می‌توانستند به طور مساوی از آن بهره ببرند، در حالی که در مورد قرآن این گونه نیست و هر قدر نور قرآن بیشتر بر قلب بتابد فیض بخشی آن نیز افزایش یافته و باطن آیات آشکار می‌گردد، این قابلیت و ظرفیت قرآن تا روز قیامت ادامه دارد و همین امر رمز جاودانگی کلام الله مجید است.

واژه‌های کلیدی:

انسان، قرآن، کتب آسمانی، معجزه، ملاصدرا، نبوت، وحی.



مقالات پوستری



نحوه تعامل مفسران معاصر با آیات کیهان‌شناسی (رجم شیطان با شهاب، هفت آسمان، فلک)

علی حاجی‌خانی^۱، سعید جلیلیان^۲

۱- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس ali.hajikhani@modares.ac.ir

۲- کارشناس ارشد رشته‌ی علوم قرآن و حدیث دانشگاه تربیت مدرس sjaliian55@gmail.com

چکیده

مفسران قدیم در برخورد قرآن و علم مواضع مختلفی را اتخاذ کرده‌اند که این گوناگونی در تفسیر آن‌ها ناشی از عدم اطلاع آن‌ها از آخرین دستاوردهای علمی معاصر خود بوده است. در دوره معاصر با توجه به دسترسی آسان به آخرین دستاوردهای علمی، این سؤال مطرح می‌گردد که نحوه تعامل مفسران معاصر با آیات علمی قرآن چگونه است؟ این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی، درصدد پاسخ به این مسئله برآمده است و در این راستا، نحوه تعامل مفسران معاصر حول سه دسته از آیات که محتوای آن‌ها در مورد کیهان‌شناسی است را موردسنجش قرار داده است؛ دسته نخست آیات رجم شیطان توسط شهاب؛ دسته دوم، آیات مربوط به هفت‌آسمان و دسته سوم آیات مربوط به فلک است. درنهایت، بیشتر مفسران معنایی غیرظاهری و تأویل‌گونه از دسته اول، برخوردی حسی و ظاهری اما متفاوت با دسته دوم و آیات دسته سوم را بر علم امروزی تطبیق داده‌اند.

نگاهی دیگر بار به جامعیت قرآن کریم

قاسم فائز، عماد صادقی^۲

۱- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، ghfaaez@ut.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی قرآن کریم قم، emadsadeghi7360@yahoo.com

چکیده

برخی آیات قرآن بر جامعیت معارف قرآن دلالت دارند اما برخی این آیات را به معنای این می‌دانند که همه چیز در قرآن وجود دارد. اطلاق ظاهری این آیات، از سویی و عدم درک این حقیقت برای عموم مردم از سویی دیگر سبب شده است تا برخی به توجیه منظور الهی در این آیات بپردازند. همین امر سبب شده است تا در نحوه اظهار نظر دانشمندان اسلامی درباره قلمروی موضوعات قرآنی تعارضات مختلفی ایجاد شود. بعضی از این متفکران اطلاق آیات جامعیت را به تمامی علوم گسترش داده‌اند و برخی نیز این اطلاق را به جنبه شرعی و امور دینی محدود نموده‌اند. ظاهر این آیات نه تنها همه علوم را بیان نکرده است، بلکه بسیاری از مطالب مورد نیاز مردم در امور شرعی مثل جزئیات احکام و غیره را نیز بیان ننموده است. اصطلاح جامعیت قرآن در آثار متقدمین مسلمان موجود نیست، ولی موضوع «قلمروی موضوعی قرآن، همواره مورد توجه اندیشمندان اسلامی بوده است. آیه ۸۹ سوره نحل، آیه ۱۱۱ سوره یوسف، آیه ۳۸ سوره انعام و آیات مشابه بر جامعیت قرآن در اموری دلالت دارند که به کمال و سعادت آدمی منجر می‌شوند. آموزش علوم و دانش‌های گوناگون جزء رسالت قرآن نیست. مراد از اطلاق «کل شیء» در برخی آیات بالا، با توجه به قرینه مقامیه و سیاق آیات، اصول کلی امور دینی است؛ از این رو، قرآن در حکم قانون اساسی دین است که اصول کلی دین را بیان کرده است و بیان مواد و تبصره‌ها را به عهده پیامبر (ص) گذاشته شده است.

نقدی بر کتاب معترک الأقران فی إعجاز القرآن سیوطی

سیدمحمد هادی زبرجد، احمد اسدی^۲

۱- عضو هیئت علمی گروه الهیات دانشگاه شیراز mzebarjad@rose.shirazu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشکده تفسیر و معارف قرآن کریم دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم
assadi.ahmad@yahoo.com

چکیده

کتاب «معترک الأقران فی إعجاز القرآن» از کتاب‌هایی است که جلال الدین سیوطی از علمای مطرح جهان اسلام در علوم قرآن، در قرن دهم هجری به رشته تحریر درآورده است. بخش عمده‌ای از محتوای این کتاب که شباهت زیادی با بخش‌هایی از کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» از همین نویسنده دارد و به عنوان وجوه اعجاز بیان شده است، قابل دفاع نمی‌باشد. با بررسی محتوای کتاب، دیده می‌شود که سیوطی بیشتر، مباحث علوم قرآنی را مطرح نموده است؛ نه دلایلی که وجوه اعجاز قرآن کریم را اثبات نماید. این مقاله به روش توصیفی تحلیلی به بررسی وجوه سی و پنجگانه اعجاز در کتاب مذکور پرداخته و پس از تحلیل جداگانه هر وجه، این وجوه را در چهار دسته تقسیم نموده و به این نتیجه رسیده است که به جز چهار وجه، بقیه وجوه مطرح شده در آن قابل دفاع نیست و این کتاب به عنوان منبعی برای اثبات اعجاز نمی‌تواند مناسب باشد.

تبیین معنا و مفهوم اعجاز بطنی قرآن کریم

محمد علی رضایی اصفهانی^۱، عباس یوسفی تازه کندی^۲، مرتضی سازجینی^۳

۱- استاد تمام جامعه المصطفی العالمیه، Rezaee.quran@chmail.ir

۲- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، auosefi6@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، mortaza.1370@chmail.ir

چکیده

در بسیاری از روایات معصومان که برخی از آنها صحیح السند هستند از وجود بطن برای قرآن خبر داده شده است. در اصل وجود بطن در بین مسلمانان اختلافی وجود ندارد و اختلاف برخی از اندیشمندان، به کمیت و کیفیت بطن قرآن بر می‌گردد. قرآن در آیات مختلفی به آوردن مثل خود تحدی کرده است و با توجه به اینکه قرآن درای دو بُعد ظاهری و باطنی است باید گفت تحدی ناظر به هر دو بعد است و چون انس و جن به آوردن مثل آن فرا خوانده شده‌اند لذا می‌توان یکی از وجوه اعجاز قرآن را بُعد باطنی آن دانست و تعبیر «اعجاز بطنی» را در مورد آن بکار برد که اولین بار حضرت امام خمینی بدان توجه کرده‌اند. اعجاز بطنی به این معنا است که قرآن بطونی دارد که به همراه ظاهر آن بیان کننده همه چیز برای شخص معصوم است و قبل از آن هیچ کتابی چنین ادعایی نکرده و بعد از آن نیز، هیچ انس و جنی قادر نیست مثل آن را بیاورد. قرآن در آیات متعددی خود را تفصیل دهنده همه چیز و در یک آیه «تبیانا لكل شیء» برای پیامبر اکرم معرفی می‌کند. اثبات اعجاز بطنی در گروه اثبات وجود بطن و جامعیت موضوعی قرآن کریم است بدین گونه که قرآن از جامعیت موضوعی برخوردار است و تمام ابعاد جامعیت در ظواهر موجود نیست، بنابراین باید بطن قرآن همراه با ظاهر آن برای شخص معصوم تبیین کننده همه چیز باشد و از آنجایی که دیگران از آوردن چنین کتابی عاجز هستند می‌توان بطن قرآن را به عنوان وجه اعجاز قرآن مطرح کرد.

بررسی تطبیقی وجوه اعجاز قرآن کریم در تفسیر المنیر و تفسیر آلاء الرحمن

زهرا اخوان مقدم^۱، منصوره غلامرضایی^۲

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، واحد تهران

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، واحد تهران

m.gholamrezaee70@gmail.com

چکیده

بحث درباره‌ی اعجاز از نخستین مباحث قرآنی است که در بین مسلمانان و دانشمندان اسلامی مطرح بوده است. همه مسلمانان قائل به اعجاز قرآن هستند، اما در وجوه اعجاز قرآن اختلافاتی باهم دارند. دو نمونه از مفسرانی که به بحث اعجاز در مباحث علوم قرآنی ذکر شده در تفاسیرشان پرداخته‌اند؛ علامه محمد جواد بلاغی صاحب تفسیر «آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن» و هبه بن مصطفی زحیلی صاحب تفسیر «المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج» می‌باشند. در این نوشتار ابتدا به معرفی هریک از دو تفسیر پرداختیم و اطلاعاتی در مورد مفسر و تفسیر مورد نظر بیان کردیم، در ادامه وجوه اعجاز از دیدگاه دو مفسر معرفی و مصادیقی از آیات برای هر وجه بیان شد، در آخر نیز به تطبیق دیدگاه دو مفسر در این مسئله پرداختیم و به این رسیدیم که وجوه اعجاز قرآن در دیدگاه علامه بلاغی و هبه زحیلی که از علمای قرن چهاردهم و پانزدهم می‌باشند، در مقایسه با علمای قبل، دارای گسترده بیشتری در وجوه اعجاز قرآن است. به نظر می‌رسد که با گذشت زمان، وجوه فراوان تری حاصل شده و دیگر اعجاز قرآن از انحصار بلاغی خارج و به وجوه دیگر نیز پرداخته می‌شده است. و اینکه هر دو مفسر اعجاز قرآن را منحصر به یک وجه نکردند و هر دو هم به اعجاز محتوایی و هم لفظی آیات توجه داشته‌اند.

اعجاز محتوایی قرآن با رویکرد سبک بهره مندی از لذات دنیوی (خوردن و آشامیدن)

سیده وحیده رحیمی^۱، صدیقه یوسف علی تبار^۲

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم Svrahimi@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم، S_yousefi87@yahoo.com

چکیده

قرآن با نگاهی جامع، اقسام لذات دنیوی به ویژه خوردن و آشامیدن را در جهت سلامت زایی افراد و جامعه مورد توجه قرار داده است. قرآن کریم با به رسمیت شناختن این لذت، سبکی معتدلانه را در جهت بهره مندی صحیح از آن‌ها را در اختیار مخاطبین قرار می‌دهد. اعتدالی که شاید بتوان آن را یکی از جنبه‌های اعجاز آمیز قرآن دانست که بهره مندی از یک لذت مادی را هدفمند ساخته و آن را با عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی، ویژگی‌های اخلاق مدارانه و تعالی دهنده‌ی جسم و روح شخص درهم می‌آمیزد. آشنایی با چگونگی بهره مندی قرآنی از لذات خوردنی و آشامیدنی علاوه بر ترسیم یک زندگی مطلوب و صحیح در حیات دنیوی، انسان را به دستیابی لذات معنوی در دنیای آخر نیز رهنمون می‌گردد. پژوهش پیش رو از حیث کمیت، به تمامی آیات قرآن با شیوه‌ی تحلیلی توجه دارد. در تفاسیر آیات نیز سعی بر جمع بندی تفاسیر و تطبیق نظریات مفسران دارد.

نشانه شناسی واژه لسان در قرآن مجید

علی باقر طاهری نیا^۱، راضیه رستمی نیا^۲

۱- استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه تهران، btaheriniya@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد زبان و ادب عربی دانشگاه بوعلی سینا، rostaminia_87@yahoo.com

چکیده

دانش نشانه شناسی به بررسی حوزه دلالت واژگانی در درون یک نظام نشانه‌ای می‌پردازد. از رهگذر مطالعات نشانه شناسانه هر واژه به عنوان یک نشانه در فرایند دال و مدلول و دلالت قابل تحلیل است. خواننده متن (متلقى) چنانچه بتواند فرایند مذکور را در خصوص هر یک از نشانه‌های زبانی به درستی استنباط نماید در دریافت معنا توفیق بیشتری کسب خواهد نمود. از جمله واژگان قرآنی که به واسطه بسامد قابل توجه و ایفای نقش آن در ساختار کلام قرآنی قابل بررسی و مطالعه است واژه «لسان» است. واژه‌ی «لسان» بصورت مفرد و جمع ۲۵ بار در قرآن به کار رفته است که از این تعداد نیمی در معانی ایجابی مثل روشنگری، راستگویی، بشارت و هدایت، و نیمی دیگر در معانی سلبی مثل تحریف، دروغگویی، افترا و خشونت در کلام بکار رفته است. واژه‌ی «لسان» در قرآن کریم از جمله واژگانی است که می‌توان برای آن مدلولهای متعددی در نظر گرفت. «لسان» به معنی آله النطق (ابزار سخن گفتن)، زبان یک قوم و نیز به معنی سخن فصیح در قرآن بکار رفته است. از سوی دیگر، دلالت این واژه بر معانی گوناگون، تابع مضمون آیه‌ای است که در آن واقع شده است. اما شگفت این است که در قرآن هیچگاه برای دلالت بر زبان به معنی نظام ارتباطی میان مردم، از واژه‌ی «اللغة» استفاده نشده، بلکه به جای آن از «لسان» بهره گرفته شده است. این مقاله بر آن است تا با بررسی دلالت این واژه حوزه معنائی آن را در هر یک از آیات مربوط از منظر نشانه شناسی مورد بررسی قرار دهد.

کارکرد تقابلِ دوقطبی واژگان ناهمگن قرآن در تولید معنا (مطالعه موردی جزء ۲۹ قرآن کریم)

جواد گرجامی^۱، عادل آزاددل^۲، سولماز پرشور^۳

۱- استادیار دانشگاه محقق اردبیلی، javad.garjami@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه محقق اردبیلی، azaddel@uma.ac.ir

۳- کارشناس ارشد دانشگاه محقق اردبیلی، olmazporshoor@yahoo.com

چکیده

قرآن کریم که تجلیگاه کلام الهی است، افزون بر معانی و محتوای ژرف مشحون از صنایع ادبی بی‌بدیلی است که شنوندگان را تحت تأثیر قرار داده و جان‌ها را در قبضه‌ی تصرف خویش درآورده است. یکی از این صنایع ادبی که در لطافت بخشیدن به فضای موسیقایی قرآن و القای معانی آن نقش مؤثری دارد، کاربست واژگان ناهمگن است. در این نوشتار کوشیده‌ایم تا با بهره از عظمت قرآن، با رویکرد توصیفی - تحلیلی به موسیقی دل‌نشین برخی واژگان ناهمگن در جزء ۲۹ و ارتباط آن‌ها با محتوای گنجانیده در آن بپردازیم تا جنبه‌ای از اعجاز قرآن کریم را نشان دهیم. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که ساختار تمام اجزاء و عناصر واژگان ناهمگن چنان حساب شده و دقیق است که از یک سو به موسیقایی شدن آیات کمک شایانی کرده و از سویی دیگر هماهنگ با محتوا و اغراض دینی بوده و مخاطب را در القای هر چه بهتر معانی و مفاهیم آیات قرآنی یاری می‌کند.

کارکرد عناصر موسیقایی در سورهٔ واقعه

سید مهدی نوری کیزقانی^۱

۱- استادیار دانشگاه حکیم سبزواری seyeyed1221@yahoo.com

چکیده

بی‌شک قرآن کریم از جنبه‌های مختلف علمی و ادبی دارای اعجاز است؛ یکی از این جنبه‌ها، اعجاز اسلوبی و فصاحت و بلاغت منحصر به فرد این کتاب الهی است. از جنبه‌های اعجاز بلاغی قرآن، ساختار خاص موسیقایی و جنبهٔ شنیداری و گوش نواز بودن آیات آن می‌باشد و همین جنبه باعث پیدایش سبک‌های مختلف قرائت، ترتیل و زیباخوانی قرآن شده است. در این مقاله سعی شده مهم‌ترین عناصر مؤثر در زیبایی موسیقایی سوره واقعه بررسی و تحلیل گردد. در یک نگاه کلی می‌توان گفت مهم‌ترین این عوامل در بعد لفظی: جناس، سجع، موزون بودن برخی آیات، تکرار است؛ همچنان که در بعد معنوی صنایعی مثل طباق، مقابله، رد العجز إلی الصدر، مراعات النظیر در برجسته ساختن موسیقی معنوی این سوره مؤثر بوده‌اند.

ترتیب آیات تحدّی (با تکیه بر دیدگاه‌های مفسران فریقین)

علی اندیده^۱، محمد تیموری^۲

۱- دانشجوی دکتری الهیات (علوم قرآن و حدیث) دانشگاه تهران، andidehali@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری الهیات (علوم قرآن و حدیث) دانشگاه اراک، phd.m.teymoori@gmail.com

چکیده

در معنای تحدّی نوعی دعوت و درخواست نهفته است که هدف از آن آشکار نمودن عجز و ناتوانی رقیب یا طرف مقابل است. شروع کننده تحدی مشرکین بودند که فضای هموردی ایجاد نمودند و گفتند قرآن افتری، اسطوره، سحر و قول بشر است. در مقابل قرآن کریم در پنج آیه تحدّی کرده است. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی با هدف دستیابی به علت همانند خواهی‌های متفاوت قرآن (کل قرآن، یک سوره و ده سوره) به بررسی دیدگاه‌های مفسران درباره ترتیب آیات تحدّی پرداخته است. این نظریه‌ها مختلف و به سه دسته قابل تقسیم است. دیدگاه نخست ترتیب آیات تحدّی را بر اساس بیان مقدار معجزه می‌داند. این نظریه با نقدهایی روبروست از جمله اینکه ممکن است مقصود از «قرآن» و «حدیث» در آیات تحدّی معنای جنسی باشد و در صدد بیان مقدار معجزه قرآن نباشد و نیز هیچ شاهی در آیات قرآن مبنی بر آنکه نزول و به ویژه ابلاغ آیات تحدّی به همان ترتیب مدّ نظر مفسران از این گروه باشد وجود ندارد. نظریه " ترتیب نداشتن آیات تحدّی " نیز با مناقشاتی مانند اکتفا به ذکر متعلق تحدّی، اظهار عجز از شناسایی ترتیب منطقی آیات تحدّی، ذوقی بودن پاسخ، نداشتن پایه و اساس محکم روبروست. دیدگاه " آسان تر شدن تحدّی براساس اغراض و اهداف " مطابق با ترتیب نزول مشهور میان مفسران و دانشمندان علوم قرآن است. این نظریه اگر چه نقاط ابهامی مانند ناسازگاری با نظم طبیعی دارد اما با دلایلی از جمله ذیل آیات تحدّی که عجز بشر را به نشأت گرفتن قرآن از علم الهی و عدم اطلاع بشر ربط می‌دهد، توجیه صحیح و معقول تعبیر مثله در آیه ۱۳ سوره هود و تبیین مناسب کلمه مفتریات در این آیه تأیید می‌گردد.

بررسی اعجاز بیانی قرآن با تأکید بر گزینش هدفمند واژه‌ها (مورد پژوهی واژه «آتی»)

سیده وحیده رحیمی^۱، مریم علی‌زاده^۲

۱- هیئت علمی دانشگاه قم، hoda65@chmail.ir

۲- محقق مرکز پژوهشی مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه قم

چکیده

اعجاز قرآن در سه بعد مهم و اساسی مطرح است: اعجاز بیانی، علمی و تشریحی. به عبارتی برجسته‌ترین وجه اعجاز قرآن، اعجاز بیانی یا همان فصاحت و بلاغت قرآن است که به جنبه‌های لفظی و عبارات به کار رفته و نکته‌های بلاغی نظر دارد. این وجه در تمام آیات قرآن جریان داشته و همچنین مورد اتفاق همگان است. یکی از جنبه‌های اعجاز بیانی نیز گزینش هدفمند واژه‌های قرآنی است به گونه‌ای که نمی‌توان هیچ واژه‌ای را جایگزین واژه‌های آن نمود هرچند این واژه‌ها به ظاهر با یکدیگر متقارب‌المعنی باشند زیرا در معنا دارای تفاوت‌های عمیق و دقیقی هستند. به عنوان مثال، واژه «آتی» با وجود این‌که در کتب لغت به معنای «جاء» و «أعطی» آمده است اما با دقت در کاربرد آن در زبان عرب و در آیات قرآن، تفاوت‌های زیادی میان این واژه و واژه‌های «جاء» و «أعطی» وجود دارد.

اتهام کهنات؛ اقرار ضمنی مشرکان به اعجاز قرآن

حامد شریفی نسب^۱، سید محمود طیب حسینی^۲

۱- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران، h. sharifinasab@ut.ac.ir

۲- tayyebhoseini@rihu.ac.ir

چکیده

مشرکان مکه در صدر اسلام همواره با انواع آزارها و اتهام‌ها و گاه با شبه‌هافکنی در امر رسالت، تلاش در جلوگیری از گسترش اسلام داشتند. اتهام کهنات نیز یکی انواع اتهاماتی است که مشرکان در جهت ایراد شبهه و انکار رسالت پیامبر اکرم(ص) طرح می‌کردند. بررسی و تحلیل این اتهام و تبیین باورهای مشرکان نسبت به کهنات و کاهنان، می‌تواند منشأ و غرض مشرکان از طرح این اتهام را مشخص کند و به تبع آن، پاسخ قرآن به این اتهام را روشن‌تر سازد. همچنین با تحلیل اتهام کهنات و تبیین منشأ آن، این نکته کشف می‌شود که آنچه مشرکان بر این اتهامات وا می‌داشت مبهوت ماندن آنان در برابر اعجاز قرآن کریم بود چرا که مشرکان از یک طرف عظمت قرآن کریم را چنان احساس می‌کردند که توانایی انکار فرابشری بودن آن را نداشتند اما از طرف دیگر نمی‌خواستند به الهی بودن قرآن کریم و رسالت پیامبر اکرم(ص) اعتراف کنند، به همین جهت ناچار شدند با ایراد اتهام کهنات، قرآن را منتسب به جنیان معرفی کرده و پیامبر(ص) را کاهن بخوانند.

اعجاز آوایی در معنارسانی مفاهیم سوره مزمل

کبری خسروی^۱، علی نظری^۲، لیلا موسوی^۳

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان، Kobra.khosravi@gmail.com

۲- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان

۳- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه لرستان

چکیده

قرآن کتابی است که علاوه بر ساختار بی نظیر و منحصر به فرد در بردارندهی معانی و مفاهیم والایی است، که در طول تاریخ شگفتی همه را برانگیخته است. در تمامی حروف، کلمات و آیات و سوره ها، ساخت، قالب و نظم موزون و نیز در ترکیب هایش، برمعجزه‌های دیگر پیامبران پیشی گرفته است. دستیابی به معارف و معانی این کتاب آسمانی مستلزم شناخت و احاطه به همهی جنبه‌ها و سطوح می‌باشد. اعجاز این معجزه جاوید، ابعاد و وجوه مختلفی دارد که یکی از آن‌ها، پیوستگی، انسجام و استحکام الفاظ و معانی و حفظ ارتباط است.

این پژوهش در صدد است تا نقش اعجاز گونه‌ی آواها را در القای معانی مورد نظر در سورهی مزمل مورد بررسی قرار دهد و با اشاره به تقسیم بندی صفات آواها به وسیلهی زبان شناسان به جهر، همس، شدت، رخوت و... استخدام هر کدام از آواها را در القای معنای مورد نظر در معرض کندوکاو قرار دهد. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که آواها در تصویرگری مفاهیم به کار رفته در سوره مزمل مثل به پا داشتن نماز، تلاوت نماز، اوصاف قیامت و عذاب الهی، تلاوت قرآن... سهمی بسزا دارند و قرآن کریم از همهی ظرفیت‌ها و امکانات برای تبلیغ پیام سعادت سود می‌برد.

اعجاز بلاغی قرآن در تناسب میان غرض سوره حجر و قصص موجود در آن

بی بی حکیمه حسینی^۱، حمیده پاسبان^۲

۱- استادیار دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی. دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد، pasbanhamideh@yahoo.com

چکیده

«تناسب» در علوم قرآنی به معنای هم‌شکلی و هم‌بستگی میان آیات، و پیوند معنایی آیه‌ای با آیه دیگر است. به رغم عدم نزول یکباره آیات برخی سوره، هر سوره هدف یا هدف‌های خاصی را دنبال می‌کند که امروزه به نام «وحدت موضوعی سوره» خوانده می‌شود. لذا با توجه به وجود تناسب و وحدت موضوعی سوره این سوال مورد نظر می‌باشد که آیا این ارتباط بین قصص یک سوره با غرض اصلی آن نیز از نظر محتوایی و نوع انتخاب و چینش داستانش، برقرار است؟ در این راستا ابتدا با بیان محتوای کلی این سوره و بررسی بخش‌های متفاوت آن، غرض از سوره حجر که - مقابله با استهزا کنندگان پیامبر اسلام و تسلی ایشان می‌باشد- کشف و در پی آن با بررسی قصص موجود در سوره ارتباط قصص با غرض اصلی در چند محور کلی بیان می‌شود که شامل: وجود تکذیب و تمسخر در بین اقوام گذشته- بیان سنت‌های الهی- لجاجت و تکیه اقوام بر سر عقاید خرافی پیشینیان- منذر بودن تمام پیامبران و ترغیب به آخرت- بیان برتری و کمال انسانی می‌باشد.

اعجاز بیانی در آیات تحدی

بی بی حکیمه حسینی دولت آباد^۱، مریم حسامی^۲

۱- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد،

Hosseini.dolatabad@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تربیت مدرس قرآن مشهد،

Hesami1371@gmail.com

چکیده

یکی از شاخه‌های علوم قرآنی که اهتمام و توجه مسلمانان را به خود جلب نموده بحث و کاوش در اعجاز قرآن است. تاکنون وجوه مختلفی برای اعجاز قرآن بیان شده است که یکی از آنها اعجاز بیانی است. مهم‌ترین دانش برای پی بردن به اعجاز بیانی دانش بلاغت است که در این مقاله نیز با روش کتابخانه‌ای تحلیلی و با به خدمت گرفتن این دانش، به بررسی پنج آیه تحدی (بقره/۲۳، یونس/۳۸، هود/۱۳، اسراء/۸۸، طور/۳۳) پرداخته می‌شود تا معلوم شود آیاتی که خود عهده دار تحدی هستند تا چه حد از زیبایی‌های بیانی برخوردارند که به مرحله اعجاز رسیده و فوق کلام بشری شده‌اند. نمونه این کار در سوره‌هایی از جزء ۳۰ انجام شده است اما تاکنون در جایی به طور خاص به آیات تحدی پرداخته نشده است.

برخی نکات بلاغی که در این آیات به دست آمده‌اند عبارت‌اند از تقیید مسند و مسندِ اَلِیه (به

حال، شرط و فعل ناقصه «کان»، جایگزینی واژگانی (در حروف، اسم‌ها و افعال).

اعجاز بیانی قرآن بر مبنای موضوعی بودن زیبایی

منصوره دعاگو^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عرب دانشگاه علامه طباطبایی، mdk.doagoo@gmail.com

چکیده

قرآن در عصری نازل شد که شعراء در سطح عالی شعر می‌سرودند و در بلاغت به حد کمال رسیده بودند، لذا قرآن نیز اعجازش در بلاغت و زیبایی کلامش ظهور کرد. از طرف دیگر نیز زیبایی موضوعی است و ذوقی نمی‌باشد، به این معنا که یک شیء نمی‌تواند بی‌دلیل و برهان زیبا باشد، ما برای شناخت زیبایی نیازمند شاقول هستیم تا بتوانیم سره را از ناسره تمییز دهیم، این میزان نیز قابل شناسایی است، هر چه اثر به این میزان نزدیک‌تر باشد، متن زیباتر است. متن قرآن نیز از این اصل بیرون نیست، وقتی باور داریم قرآن اثری زیباست، پس به تبع آن این میزان نیز در آن رعایت شده است، تا آن جایی که قرآن خود میزان گشته است. لذا در این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی بعد از اثبات اعجاز بیانی قرآن و موضوعی بودن زیبایی، اصول و قواعد زیبایی یک متن را بیان می‌کند و سپس به بررسی این اصول در متن قرآن می‌پردازد و در آخر به این نتیجه می‌رسد که تک تک این اصول در قرآن پیاده گشته است تا جایی که خود قرآن معیاری در بلاغت و زیبایی می‌شود. «فتبارک الله احسن الخالقین» بر این اساس به تفاوت نص قرآن با سایر متون پی می‌بریم که در متون دیگر ادباء برجسته با وجود تمام تلاش و کوششان برای ظهور اثری ممتاز، باز نتوانستند اثری بدون خطا و عیب از خود باقی بگذارند و تنها تا حدودی توانسته‌اند خود را به این معیار نزدیک کنند.

اعجاز تشریحی قرآن

عبدالرضا زاهدی^۱، سمانه تمیزی^۲

۱- استادیار دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، doctor_zahedi@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی

چکیده

قرآن کریم معجزه جاویدان پیامبر اسلام و سند زنده حقانیت راه اوست. بنابراین اعجاز قرآن دارای ابعاد مختلفی است که یکی از آن ابعاد، تشریحات قرآن می باشد. اعجاز تشریحی همان معارف، احکام و دستور العمل های قرآن کریم است که در برخی از آیات خود، به آن تحدی کرده و همه را به همانند آوری فرا خوانده است. ولی بشر از آوردن مشابه قرآن عاجز مانده است.

قوانین بشری فقط به صورت ناقص به جنبه های اجتماعی زندگی انسان پرداخته و از بقیه جوانب مخصوصا رابطه انسان با خداوند به کلی غافل شده است. در حالیکه تشریحات قرآن کریم دارای امتیازات فراوانی از قبیل متناسب بودن آن با توانایی ها و فطرت و عقل و علم بشر می باشد و دارای جامعیت احکام و معارف است.

اعجاز عرفانی قرآن از منظر امام خمینی

محسن نورائی^۱، محمد شریفی^۲، فاطمه هدایتی^۳

۱- استادیار دانشگاه مازندران، m.noor.3@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه مازندران، m.sharifi@umz.ac.ir

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد، f.hedayati1369@gmail.com

چکیده

دین پیامبر خاتم، معجزه‌ی جاوید می‌طلبد، قرآن کریم که از جنس سخن و کلام است، کتابی در نهایت فصاحت و بلاغت و در اوج اعجاز کلامی و محتوایی است. گذشت زمان و تدبر در علوم مختلف قرآنی امکان دسترسی به ابعاد دیگر اعجاز قرآن را میسر می‌سازد که در پیش از آن به روشنی آشکار نبوده است. نوشتار پیش رو که با روش توصیفی - تحلیلی فراهم شده است، می‌کوشد تا به جنبه‌های جدید اعجاز قرآن کریم از منظر امام خمینی (ره) بپردازد. نظریه جدید ایشان در وجه اعجاز قرآن، «اعجاز عرفانی قرآن» است که در این مقاله مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج به دست آمده از این پژوهش بیانگر آن است که امام خمینی (ره) در عین حال که سایر وجوه اعجاز قرآن کریم را قبول دارند، لیکن اصلی‌ترین چهره اعجاز قرآن را «معانی بلند عرفانی» آن می‌دانند و معتقدند بزرگ‌ترین و سرآمدترین چهره‌ی اعجاز قرآن، در عرفان آن است. اعجاز عرفانی قرآن از نوع اعجاز علمی و محتوایی قرآن است. از نظر ایشان اعجاز قرآن در مسایل عرفانی و معنوی است و در تهذیب نفس و ارائه بهترین راه سلوک الی الله و تبیین رابطه بین خالق و مخلوق است، قرآن شفای دردها و امراض روحی و روانی است و از این جهت باید اعجاز قرآن مورد توجه و تأمل قرار گیرد. در واقع نتایج این بحث هم به شناخت ابعاد جدیدی از چهره‌ی امام می‌پردازد و هم می‌تواند افق‌های جدیدی را در مبحث اعجاز قرآن، برای مفسران و قرآن پژوهان آینده بگشاید.

اعجاز علمی قرآن از منظر تجمع و تکرار احتمالات و قرائن لفظی و بیانی

مصطفی برهانی^۱

۱- دانش آموخته دکترای مخابرات، دانشگاه تربیت مدرس m.borhani@modares.ac.ir

چکیده

ضرورت اثبات یا رد علمی ادعای اعجاز قرآن و دستیابی به راه‌حلی قطعی اثبات یا نفی این موضوع از طریق تجمع و تکرار احتمالات و قرائن لفظی و بیانی، زمینه اصلی این مقاله است. بیان روش‌های کمی‌سازی و اعمال مدل‌های اثبات موارد احتمالاتی بر وجه مختلف اعجاز‌های قطعی یا ادعایی قرآن، اخیراً مورد توجه زیادی قرار گرفته است که به وسیله آن می‌توان نظرات مختلف در مورد اعجاز قرآن و نقد و بررسی آنها را، در این بستر از منظر نظریه احتمالات و مدل‌های تصادفی سنجید. اگر الفاظ قرآن بر موضوعی به صورت قطعی دلالت نمایند و این موضوع از نظر علمی به صورت جداگانه اثبات شود، این مورد جزو اعجاز قرآن‌های قطعی قرآن محسوب می‌شوند. این مقاله در پی آن است که با بررسی عقلی و نظری رابطه قرآن و علوم مختلف و ماهیت متفاوت موارد احتمالاتی و بیان قطعی در الفاظ قرآن بتواند از تجمع و تکرار اشاره‌های غیر قطعی قرآن به قرائن لفظی یا عقلی و لفافه‌های بیانی، اعجاز علمی قرآن را در موارد احتمالاتی اثبات نمود.

اعجاز قرآن در زمینه عملکرد سمپاتیک و پاراسمپاتیک

وفادار کشاورز^۱، احمد جعفری^۲

۱- عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن شیراز، vafadarkeshavarz@yahoo.com
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر قرآن از دانشکده مطالعات تطبیقی قرآن کریم شیراز، ahmadj55d@gmail.com

چکیده

قرآن معجزه جاودان پیامبر اسلام است. جاودان یعنی در هیچ زمان نشود مثل قرآن را آورد. این مطلب بدین معناست که معجزات دیگر پیامبران با پیشرفت علم بشری قابل تحقیق و تحصیل به وسیله بشر است ولی قرآن از این امر مستثنی است و دلیل این مطلب تحدی خود قرآن است. اعجاز قرآن به حدی گسترده است که در شاخه‌های گوناگون مورد تحلیل قرار گرفته و در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای و از نوع پژوهشی، نظری نگاشته شده، نگارنده با تحلیل علمی آیه ۱۳ سوره اسراء فرضیه‌ای را بیان می‌کند مبنی بر اینکه فعالیت سمپاتیک و پاراسمپاتیک پایدار و ماندگار است و چگونه آموزه‌های اسلامی بر رفتار نورون‌های آن اثر می‌گذارند. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در علوم قرآنی و نورولوژیک به کار گرفت. هدفی که در این نوشتار به دنبال آن هستیم نمایان ساختن اعجاز قرآن در پیشبرد دانش بشری و کارایی آن در هر عصر است.

اعجاز قرآن کریم در شناسایی و مهار آثار نورویولوژیک استرس‌های جنسی

زینب اختری^۱، مریم صالحی^۲، هدایت صحرایی^۳، محمد ساقیان^۴

۱- دانشجوی دکتری پژوهشکده نهج البلاغه

۲- عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات علوم اعصاب دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله (عج)

۳- دانشجوی دکتری مرکز تحقیقات علوم اعصاب دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله (عج)، sarih2012@gmail.com

۴- رئیس مرکز تحقیقات علوم اعصاب دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله (عج)

چکیده

از دیدگاه نورویولوژی، تحریک‌های جنسی مداوم به عنوان عامل استرس زا شناخته می‌شوند که با ارضای صحیح میل جنسی، این استرس‌ها مهار می‌گردند ولی در صورت عدم پاسخ مناسب به آن‌ها، می‌توانند موجب برهم خوردن تعادل هورمون‌های جنسی و هورمون‌های استرسی و در نتیجه، بروز آثار نامطلوبی شامل تنش‌های روانی، تغییر خلق و خو، اختلال در تمایلات جنسی، برخی بیماری‌ها و انحرافات جنسی، بلوغ زودرس و آسیب‌های خلقی و روانی ناشی از آن و نیز آسیب به عملکرد مغز شوند. شدت و تداوم تحریکات استرس زای جنسی، می‌تواند سطح توقع فرد را در ارضای جنسی بالا ببرد و به دلیل ایجاد نارضایتی، عدم ارضای جنسی و بی‌میلی جنسی نسبت به همسر، موجب بروز رفتارهای هیجانی و خارج از کنترل، بروز بی‌عفتی و بیش‌فعالی جنسی در جامعه گردد و به گسترش طلاق بینجامد، چراکه عدم رضایت از شریک جنسی، فرد را به روابط ناسالم جنسی در بیرون از حریم خانواده و به تحریک کنندگان جنسی دیگری غیر از

همسرش متمایل می‌نماید. قرآن کریم با شناخت درست عوامل استرس زای جنسی و پیامدهای آن، فرهنگ عفاف و حجاب را در چارچوبی حکمت آمیز ارائه کرده است تا تحریک گری جنسی را تنها در فضای مناسب روابط همسری منحصر نماید و با پیشگیری از تأثیر منفی تحریک گری‌های مداوم جنسی در سطح جامعه، از آسیب‌های یادشده جلوگیری گردد. حجاب و عفاف از دیدگاه نوروبیولوژی، خود دارای دو جنبه است؛ یکی اینکه شخص ورودی‌های تحریک جنسی را دریافت نکند و دیگر اینکه، از اعمالی که بطور طبیعی به تحریک جنسی دیگران می‌انجامد، خودداری کند. بر اساس ساختار مغزی زن و مرد، خصوصاً در بخش هیپوتالاموس که منتهی به فعالیت بیشتر غدد جنسی در مردان نسبت به زنان می‌شود، بنظر می‌آید نقش زن در جلوگیری از ایجاد محرک‌های جنسی و نقش مرد در کنترل ورودی‌های تحریک جنسی، اهمیت بیشتری دارد. همچنین، به دلیل بزرگتر بودن اندازه بخش آمیگدال مغز، مردان پاسخ‌های قوی‌تری به تحریکات جنسی می‌دهند و اگر ورودی‌های تحریک آمیز جنسی یکسانی به مرد و زن وارد کنیم، بر اساس سطح تحریک پذیری بیشتر مرد، انتظار می‌رود پاسخ‌های هیجانی بیشتری بروز دهد و توانایی کنترل هیجانی پائین‌تری داشته باشد، به همین دلیل اگرچه تحریک گری جنسی مردان هم می‌تواند برای زنان و مردان دیگر هیجان برانگیز باشد ولی تحریک گری جنسی از سوی خانم‌ها، اثر بسیار شدیدتری بر مردان می‌گذارد و این امر، لزوم پوشیدگی و رفتار عقیفانه را از سوی زنان اهمیت بیشتری می‌بخشد. مردان نیز باید با رعایت عفاف و پرهیز از نگاه‌های شهوت انگیز و پرهیز از اختلاط با نامحرم، ورودی‌های حسی خود بویژه بینایی را کنترل کنند تا آثار نامطلوب استرس‌های جنسی بروز نکند.

آراء علامه طباطبایی در بحث شناخت اعجاز قرآن

رضا سعادت نیا، سکینه میرزایی^۲

۱- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، dr.saadatnia@yahoo.com
۲- دانشجوی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، sakinehmirzaie@gmail.com

چکیده

یکی از ویژگی‌های بارز و ذاتی قرآن، اعجاز آن است. امری خارق العاده که خداوند متعال آن را تنها به افراد برگزیده‌ی خود جهت هدایت بشر در تمام قرون عطا کرده است. بحث پیرامون اعجاز از قدیم الایام مورد نظر دانشمندان بوده و تاکنون ادامه داشته و دارد. پرداختن به این مسئله از جهتی ضرورت دارد که طبق بیانات علامه طباطبایی معجزه بودن قرآن هم سند قرآن (سند بی‌واسطه) و هم سند نبوت پیامبر خاتم (ص) (سند با واسطه) است و خود به خود باروش عقلی باید ثابت شود و تعبد و تقلید در آن راه ندارد. قرآن از طرفی اصل قانون علیت را تأیید کرده و از طرفی وقوع امور خارق العاده را می‌پذیرد. به بیان علامه، امور خارق العاده خود در دایره علتها (البته علل غیر عادی) قرار می‌گیرند و نه تنها با اصل علیت منافات ندارند بلکه برعلل عادی غلبه دارند. ایشان تحدی عام قرآن را دلیل بر اعجاز همه جانبه می‌دانند. در این مقاله سعی بر این است که بحث شناخت اعجاز قرآن را در زوایای مهم از جمله تعریف، ضرورت شناخت اعجاز قرآن، هم خوانی معجزه با قانون علیت، دلیل و هدف اعجاز قرآن را بصورت تفصیلی و در آخر بررسی ابعاد اعجاز به صورت اجمالی را با روش گزارش توصیفی از دیدگاه مفسر معاصر، علامه طباطبایی تبیین کند.

آشنایی زدایی و برجسته سازی در سوره مبارکه "الحدید"

مریم گرمسیربان^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات دانشگاه زابل، garmciryan.m1370@gmail.com

چکیده

آشنایی زدایی و برجسته سازی از جمله نظریات محوری مکتب فرمالیسم‌ها است، نخستین بار ویکتور شکلوفسکی منتقد شکل گرای روسی آن را در نقد ادبی به کار برد... در تعریف آشنایی زدایی می توان گفت هرگونه تلاش هنری که رنگ رخوت و عادت را از مخاطب و گوینده می زداید و با تقویت ادراک حسی و بازی با ذهن و هنر همراه است. هدف این پژوهش بررسی آشنایزدایی و برجسته سازی در سوره مبارکه الحدید است؛ البته می دانیم که قرآن کریم متن ادبی نیست ولی متنی است که جنبه ای از اعجاز آن را اعجاز ادبی تشکیل می دهد و دارای زیبایهای ادبی فراوانی است. مقصود از کاربرد نظریه های ادبی مختلف مثل آشنایی زدایی و برجسته سازی در قرآن فقط آن است که نشان داده شود بسیاری از صور و ارزش های ادبی و نقدی می تواند در بهترین شکل در قرآن کریم یافت شوند. این پژوهش می کوشد تا با روش توصیفی تحلیلی بسیاری از مفاهیمی که برای مخاطبان به امور عادی تبدیل شده به واسطه آشنایی زدایی و قاعده افزایشی برجسته شده است. مهمترین تکنیک زبانی و ادبی برجسته ساز در سوره مبارکه "الحدید" توازن معنایی است که شامل تشبیه، استعاره، کنایه و طباق و... است.

بررسی اعجاز ادبی قرآن در آیات متشابه لفظی (بررسی موردی: سوره بقره)

کبری خسروی^۱، علی نظری^۲، صنم جودکی^۳

۱- استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، kobra.khosravi@gmail.com

۲- دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان، alinazary2002@gmail.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه لرستان sanam_jodaki@yahoo.com

چکیده

قرآن، سرچشمه هدایت، راهنمایی و قانون خدایی است، که اصلاح دین و دنیای مردم را بر عهده گرفته و سعادت و جاودانگی آنها را تضمین نموده است. آیات متشابه لفظی یکی از وجوه اعجاز قرآن است، چرا که در تکرار واژگان این آیات، اسرار و فوائد ظریفی نهفته است. آیات قرآن کریم هر کدام به هدفی خاص بیان شده‌اند، بنابراین آیات متشابه، نیز هر کدام در هر سوره‌ای، با توجه به سیاق، هدفی خاص را در بر دارند. این پژوهش در صدد است، با استخراج آیات متشابه لفظی در سوره بقره و استخراج آیات متشابه این آیات در سوره‌های دیگر، با مشخص کردن اختلافات موجود در این آیات و با دسته بندی آنها بر اساس نوع اختلافات موجود، با استفاده از کتب لغت و تفاسیر و علوم قرآنی با مدد از انواع سیاق (سیاق کلمات، سیاق جملات، سیاق آیات) به بررسی و تحلیل علل اختلافات موجود در این دسته آیات پرداخته، تا بدین وسیله تصویر به هم پیوسته و منسجم مفاهیم قرآن بهتر دریافت و نمایان شود.

بررسی تطبیقی مراحل امبریونز تکامل جنین از دیدگاه قرآن و علم جنین شناسی

سید معصوم حسینی^۱، سجاد شفیع پور^۲

۱- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، masoomhosseini@gmail.com

۲- کارشناس ارشد علوم قرآنی، sajad1414@gmail.com

چکیده

دوران تکامل جنین از مرحله لقاح تا مرحله به دنیا آمدن جنین را تشکیل می‌دهد. در این دوران، دگرگونی‌های مختلف و حوادث بسیاری برای مادر و جنین اتفاق می‌افتد که هر کدام مباحث بسیاری از علم پزشکی را در بر می‌گیرد و به ساعتها گفتگو و مطالعه نیاز دارد. این فصل از زندگی انسان، یکی از پر رمز و رازترین دورانهای هستی اوست که با وجود تکاپوی علم و فناوری، هنوز بسیاری از مسائل آن، مبهم باقی مانده است. این دوران به دو مرحله امبریونز و دوره جنینی تشکیل می‌شود. دوره امبریونز از هنگام تشکیل نطفه تا زمان تشکیل اندام‌ها به طول می‌انجامد. علم جنین شناسی امروزه توانسته است به وسیله دستگاه‌های پیشرفته به کشف و ضبط این مراحل دست یابد. این در حالی است که قرآن کریم در صدها سال قبل بدون استفاده از هیچ گونه امکاناتی و به شکلی اعجاز گونه این مراحل را بیان کند.

این پژوهش درصدد آن است که به بررسی تطبیقی این مرحله از دیدگاه جنین شناسی و آیات وازدهم تا چهاردم سوره مومنون قرآن کریم پردازد تا این جنبه از اعجاز قرآن هرچه بیشتر نمایان گردد. در این آیات قرآن از هفت مرحله از خلقت انسان را اشاره می‌کند. این مراحل عبارت‌اند از: ۱. مرحله خاک. (تراب- طین) ۲. مرحله نطفه. ۳. مرحله علقه. (علقه) ۴. مرحله مضغه. (مضغه) ۵. مرحله شکل‌گیری استخوانها. (عظاما) ۶. مرحله پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها ۷. آفرینش روح (أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ)

غیر از مرحله اول یعنی آفرینش انسان از خاک سایر مراحل اشاره به دوره امبریونز دارند که به بررسی آن‌ها پرداخته خواهد شد.

بررسی علمی تاثیر تهجد بر مدیریت کارآمد

سمانه فردوسیان^۱، رضا سعادت نیا^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی اصفهان، s.ferdosian@chmail.ir

۲- دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشکده علوم قرآن اصفهان (دولت آباد)، dr.saadatnia@yahoo.com

چکیده

مدیریت یکی از اساسی‌ترین اصول زندگی فردی و اجتماعی بشر به حساب می‌آید؛ به نحوی که عدم حضور مدیریتی کارآمد در تمامی ابعاد زندگی می‌تواند موجب هرج و مرج و نابودی سرمایه‌های طبیعی و استعداد‌های انسانی شود. دین مبین اسلام به عنوان جامع‌ترین برنامه سعادت به نقش مدیریت توجه ویژه‌ای نموده است و با ارائه راهکارهایی اساسی به رسول گرامی خود به عنوان مدیر جامعه اسلامی ایشان را در به ثمر رساندن هرچه بهتر این مسئولیت سنگین هدایت فرموده است. از آن جایی که در آیه ۲۱ سوره احزاب رسول خدا به عنوان بهترین الگوی رفتاری در تمامی ابعاد زندگی به مسلمین معرفی می‌شود. مدیران می‌توانند با تاسی از این اسوه نمونه مسیر مدیریتی کارآمد را بپیمایند. در این مقاله با نگاهی بر آیات ابتدایی سوره مزمل به بررسی نقش قیام شبانه بر مسئولیت مدیریتی و رهبریت رسول خدا پرداخته می‌شود. سپس با بررسی برخی دست‌آوردهای علمی حاصله به این نتیجه می‌رسیم که در حقیقت قیام شبانه در این سوره دستورالعملی مدیریتی به رسول اکرم بوده است که با ایجاد دو ویژگی "ثبات قدم" و "تدبیر شایسته امور" ایشان را به عنوان یک مدیر در عبور از دشواری‌های مسیر مدیریتی یاری می‌رساند. لذا در تمامی نقش‌های مدیریتی به ویژه مدیریت‌های کلان، شخص مدیر جهت موفقیت در انجام مسئولیت و رسالت خویش علاوه بر تخصص و علم نیازمند قوای جسمی و روحی بالایی است که از جمله مهم‌ترین عوامل تامین کننده این نیاز تهجد و قیام شبانه است.

بررسی تطبیقی عدم حشو در قرآن کریم

حامد دهقانی فیروزآبادی^۱

۱- طلبه سطح سوم حوزه علمیه قم و دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث پردیس فارابی دانشگاه تهران،
hdf.dehghani@gmail.com

چکیده

یکی از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن کریم، موضوع دقت واژگان این کتاب الهی و رازهای نهفته در چرایی گزینش هر یک از حروف و الفاظ آن است. این موضوع، که باید آن را یکی از شاخه‌های دانش مغفول فصاحت دانست، کم‌کم در دهه‌های اخیر جای خود را در مجامع علمی مسلمانان باز کرده است. یکی از فروع این موضوع، بحث عدم زیادت واژگان و در پی آن عدم حشو و اضافه‌گویی در قرآن کریم است. در این مقاله، پس از نگاهی کوتاه به پیشینه موضوع عدم زیادت در قرآن، به بحثی تطبیقی پیرامون عدم رخداد حشو و زیاده‌گویی در این کتاب مقدس پرداخته شده است. زمینه‌های باور به وقوع حشو در قرآن کریم را می‌توان از قرار دانست: هم‌نشینی واژگان مترادف‌نما، هم‌نشینی واژگان لازم و ملزوم، بیان بدیهیات، عطف واژگان عام و خاص بر یکدیگر و تکرار یک واژه.

بیان نمونه‌هایی از فراهنجاری در قرآن کریم

فاطمه نظیری سنجانی^۱، زهرا شیخ حسینی^۲، ابوالفضل شیخ حسینی^۳

۱- کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، nazirifa@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد رشته زبان و ادبیات عربی، hosseini_zahra213@yahoo.com

۳- دانشجو معلم رشته الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید باهنر اراک،

abolfazl_sh.hosseini@yahoo.com

چکیده

قرآن کریم از درون مایه‌ها و تعالیم دینی، تربیتی، علمی و ادبی بسیاری سرشار است که پژوهش بر روی این معجزهٔ پیامبر(ص)، انسان را به عمیق‌تر شدن دریافت‌ها و به درک اهمیت آن، رهنمون می‌سازد؛ به همین سبب از متونی به شمار می‌رود که همواره تحلیل‌ها، نگرش‌ها و پژوهش‌های جدیدی در بافت معنایی و لغوی آن انجام می‌گیرد.

امروزه در حوزه معناشناسی و زبان‌شناسی پژوهش‌های فراوانی انجام شده تا روش‌های دریافت متفاوت و عمیق‌تر از متون را به عرصه‌ی ظهور درآورد. یکی از روش‌های مذکور، بیان مفاهیم متن از طریق برجسته‌سازی و یا بیان فراهنجاریهای متون مورد بررسی است. با استفاده از این روش می‌توان تا حدودی لایه‌های پنهان معنایی کتاب ارزشمندی چون قرآن را، با بررسی دقیق قواعد این کتاب آسمانی و نیز برجسته‌سازی آن دریافت نمود.

در این نوشتار تلاش بر آن است با بیان نمونه‌هایی از آیات قرآن کریم به بررسی فراهنجاری‌هایی چون حذف، التفات، اطناب، تقدیم و تأخیر و... پرداخته و از این طریق به فهم عمیق‌تری از آیات این کتاب الهی دست یابیم.

تبیین علمی اشارات قرآن کریم به انواع، مقدار، سازوکار و سودمندی‌های باران

غلامرضا براتی^۱، فرزانه روحانی^۲، محمود احمدی^۳، فاطمه قیاسی^۴

۱- استادیار آب و هواشناسی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین، G_barati@sbu.ac.ir

۲- استادیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید بهشتی، پژوهشکده اعجاز قرآن کریم

۳- استادیار آب و هواشناسی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم زمین

۴- کارشناس ارشد آب و هواشناسی، دانشگاه شهیدبهشتی

چکیده

در قرآن کریم اشارات علمی گوناگون از جمله در قلمرو آب‌وهوا وجود دارد. هدف از این تحقیق استخراج و رده بندی آنها بر پایه سنجه‌های زمانی شامل رخداد در گذشته، مستمر و آینده و سنجه‌های مکانی شامل سرزمینی، جهانی و فراگیر و سپس تبیین آنها به عنوان اشارات آشکار و نهان مرتبط با علوم جو بوده است. در مرحله نخست انجام این تحقیق، استخراج اشارات جوی از محیط «پارس قرآن» به جهت سه ویژگی پاسخ دهی سریع، روزآمدی ترجمه‌ی آیات و قابلیت دسترسی آسان این محیط برای هر محقق انجام شد و در مرحله دوم با دسته بندی اشارات، و بهره‌گیری از امکانات محیط «جامع التفاسیر نور»، وجوه معنایی و تفسیری اشارات از نظر مفسران تشریح و با یافته‌های علوم روز تبیین شد. نخستین نتایج نشان داد که در قرآن کریم دست کم ۱۵۰ اشاره جوی وجود دارد که ۱۴۰ مورد آن در گروه اشارات آشکار و ۱۰ مورد آن در گروه اشارات نهان یا غیرصریح جای می‌گیرند. تنوع و فراوانی بالای اشارات آشکار جوی نسبت به نوع نهان این اشارات، به تنهایی می‌تواند گویای هم‌اوردخواهی این کتاب از صاحبان علوم جو به عنوان مجموعه‌ای علوم تجربی و حسی باشد. در مرحله بعد، اشارات آشکار و نهان به ترتیب برگرفته از ۴۶ و ۹ سوره از مجموع ۱۱۴ سوره قرآن کریم بودند که قابلیت تفکیک در ۲۰ موضوع جوی را یافتند. موضوعات «نویدبخشی باران» و «مقدار» و «سازوکار آن»، بیشینه تکرار یعنی در مجموع ۴۷ بار را داشتند از نظر مکانی بیشترین اشارات در مقیاس جهانی و از لحاظ زمانی مربوط به زمان حال بوده‌اند.

تحلیل ساختار روایی داستان حضرت سلیمان علیه السلام و ملکه سبا بر پایه الگوی روایی گریماس

حامد صدقی^۱، فاطمه گنج خانلو^۲

۲- دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی، ganjazad@yahoo.com

چکیده

ساختارگرایی در مطالعه متون و ادبیات داستانی در صدد کشف زبان روایت و نظام حاکم بر ساختار متن است. گریماس در باب روایت الگویی ارائه می‌دهد که می‌توان ساختار یک روایت را با نظریه روایت‌شناسی وی مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

پژوهش حاضر در پی آن است که به بررسی ساختار روایی داستان حضرت سلیمان علیه السلام از منظر الگوی روایی گریماس بپردازد در این راستا در پی پاسخ دادن به این سؤال که آیا تطابقی بین ساختار داستان حضرت سلیمان علیه السلام و ملکه سبا با الگوی گریماس وجود دارد یا خیر؟ این فرضیه مطرح است که نظریه گریماس در بررسی داستان‌های قرآنی کارآمد می‌باشد و الگوی کنش و زنجیره‌ها و گزاره‌های روایی این داستان‌ها کاملاً با الگوی گریماس منطبق می‌باشند. هدف این پژوهش شناساندن نظریه گریماس و بررسی میزان انطباق داستان قرآنی حضرت سلیمان علیه السلام با آن و تحلیل ساختار این داستان بر پایه این نظریه است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است و نشان می‌دهد که ساختار روایی این داستان با نظریه مذکور منطبق است.

تحلیل کلام در قرآن کریم

نرگس هوشمند همدانی^۱

۱- دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فرانسه، N_hooshmand@iust.ac.ir

چکیده

در این مقاله سعی شده است با تحلیل کلام بر اساس یکی از تئوری‌های زبانشناسی در قرن ۲۰ بلاغت و تاثیر آن بر روی احکام و دستورات جاری شده در قرآن کریم و اعجازی که از نظر انسجام آیات به وفور در این کلام الهی موجود است مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. بدیهی است دامنه وسیع وحی الهی در این تحقیق محقر و مختصر نمی‌تواند بگنجد و مثالها و مضامین موجود و یافت شده توسط نویسندگان مقاله صرفاً به صورت چکیده‌ای در این مقاله گزارش شده است.

جایگاه سمع و بصر در قرآن کریم

انسبه سرافرازی^۱، مریم حقیقت خرابی^۲

۱- طلبه مدرسه علمیه الزهراء، roojgan@yahoo.com

۲- دانشجوی جغرافیای طبیعی دانشگاه شهید بهشتی، Z.haghighat73@gmail.com

چکیده

اعضای بدن انسان اماناتی هستند که انسان بر پایه آموزه‌های دینی بویژه قرآن کریم، با آنها، راه قرب به سوی بارگاه خداوند متعال می‌پیماید. در این تحقیق واژه «سمع» و «بصر» به لحاظ فراوانی، شیوه تکرار، رده بندی، روابط آنها با هم و موارد اولویت یکی بر دیگری در رویکردهای مثبت و منفی و نیز در نشئه دنیا و روز رستاخیز و نیز ارتباط آن با ذات الهی، پیامبر اسلام و دیگر پیامبران بررسی شد. برای انجام این مهم، واژه‌ها و مشتقات سمع و بصر با عنوان «اشارات»، بار نخست با استفاده از کشف الایات و بار دوم با استفاده از نرم افزار «جامع تفاسیر نور» از متون قرآن کریم استخراج، سپس بر مبنای ترجمه و تفسیرهای معتبر دسته بندی شد تا درختواره‌های آنها طراحی و تحلیل شود. نتایج نشان داد سمع و بصر دارای ۹ جایگاه است که به ترتیب فراوانی نزولی، شامل «ارزش دیدن و شنیدن» ۷ بار، «ویژگی‌ها و حالات نادرست چشم» ۷ بار، «دادن رهنمود» ۶ بار، «حجیت گوش و چشم» ۶ بار، «توانایی دیدن فرادیدنی‌ها» ۵ بار، «پیوند چشم با دل» ۳ بار، «سرعت بصر» ۲ بار و سرانجام «رهیافتگی و قرب» ۲ بار است. در این میان، «تغییر حالت چشم و گوش» با ۲۱ اشاره که ۲ مورد از آن مثبت و ۱۹ مورد از آن منفی بود؛ به عنوان گسترده‌ترین درختواره شناخته شد. از میان موارد منفی، ۱۲ مورد «این جهانی» و ۷ مورد «آن جهانی» بودند. هر چند اشتقاق رهیافتگی و رهیافته از ماده «بصر» می‌تواند نشانه اهمیت عضو «چشم» در قرآن کریم باشد ولی عموماً نقش عضو «گوش» در «آهنگ بندگی و کمال» مقدم شمرده شده است. از آنجاکه انسان در مراتبی بالاتر توانایی دیدن فرادیدنی‌ها را در نشئه خواب دارد، شاید بتوان «گوش» را سروش نشئه «باطن» و «چشم» را سروش نشئه «ظاهر» دانست. یعنی که هر کس در این جهان گوش و چشمی حقیقت‌یاب و دلی حقیقت‌پذیر داشت، در جهان دیگر نشأت قرب را با هزار دیده و دل در خواهد یافت.

جستاری بر بدیهی بودن اعجاز قرآن

جواد فرامرزی^۱، فاطمه تقی زاده^۲، فاطمه اکبرپور^۳

۱- عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - آمل javadfaramarzi70@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم - آمل 3- akbarpourf.1982@gmail.com

چکیده

یکی از مباحث حائز اهمیت در علوم قرآنی مسأله اعجاز است. در این باره وجوه بسیاری را بر شمرده‌اند، امبا هر یک از این وجوه به گونه‌ای است که برای فهم آن یا باید متخصص بود و یا باید به متخصص رجوع کرد. اما این مطلب که مخاطبین قرآن عام بوده و در هر عصری نیاز به هدایتگری قرآن دارند مورد توجه واقع نشده است. در این مقاله با بیان آراء و اقوال دانشمندان علوم قرآنی و با استناد به شواهد و دلایل تاریخی و قرآنی به این مسأله پرداخته شده و به این نتیجه رسیده‌ایم که به دلیل عدم دسترسی همه انسانها به اهل فن تفاوت کلام الهی با کلام بشری باید از طریق فطرت و با استماع آیات قرآن تشخیص داده شود و اعجاز قرآن به صورت بدیهی درک گردد.

چیستی و چگونگی اعجاز عددی در تفاسیر معاصر شیعه

مؤگان عام بخش^۱، محمد محقق ده آبادی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن، f. ambakhsh@gmail.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی دانشگاه تهران

چکیده

تمامی مذاهب اسلامی در اینکه قرآن معجزه‌ای است که بر پیامبر نازل شده است اتفاق نظر دارند، ولی در ابعاد معجزه بودن آن وجوه متفاوتی بیان شده است. یکی از وجوه اعجاز قرآن اعجاز عددی است که اخیراً مورد توجه دانشمندان قرار گرفته و مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه نوشته شده است. هر چند سیوطی در کتاب «الاتقان فی علوم القرآن» به این موضوع اشاره‌ای کرده بود و در دهه ۷۰ میلادی توسط رشاد خلیفه مطرح گردید اما در میان پژوهشگران مسلمان معاصر اولین بار استاد عبدالرزاق نوفل واژه «اعجاز» را در این زمینه به کار برده است. ما در این مقاله با استفاده از روش توصیفی تحلیلی-کتابخانه‌ای به بیان دیدگاه و معرفی برخی از موافقان نظریه اعجاز عددی و نقد و بررسی این دیدگاه‌ها و همچنین به بررسی این نظریه در تفاسیر المیزان علامه طباطبایی، احسن الحدیث آیت الله قرشی، پرتوی از قرآن آیت الله طالقانی و تفسیر نمونه آیت الله مکارم می‌پردازیم. و در این بررسی‌ها می‌بینیم که مفسران شیعه راه اعتدال را در پیش گرفته‌اند و به طور کامل به رد آن نپرداخته‌اند بلکه اثبات آن را در بررسی دقیق و مطالعات بیشتر و ذکر براهین و ادله منطقی دانسته‌اند و کسانی که در صدد اثبات اعجاز عددی قرآن قدم گذاشته‌اند بر اساس یک مبنا و قاعده منطقی کار خود را پایه ریزی نکرده‌اند بلکه فقط به هر طریقی خواستار این بودند که فرضیه خود را اثبات کنند و به حد نصاب لازم برای مفروضات خود دست یابند.

زیبایی شناسی قرآن با تکیه بر تقدیم و تأخیر آیات قرآن

رضا امانی^۱، زهرا عبادی^۲، صدیقه رضایی^۳

۱- دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات عرب، r_amani2007@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر قرآن مجید، Zahraebadi1363@yahoo.com

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، sedigherezaei699@gmail.com

چکیده

قرآن کریم از وجوه مختلف معجزه است. یکی از وجوه برجسته که در طول تاریخ مباحث اعجاز قرآن میان اندیشمندان بر آن اتفاق نظر بوده، اعجاز بیانی است. اعجاز بیانی یعنی آنچه که مربوط به جنبه‌های ظاهری و ساختاری الفاظ قرآن کریم می‌شود. این وجه از اعجاز، خود ابعاد گونه‌گونی دارد. از جمله‌ی آن نحوه چیدمان و همگونی کلمات و تقدیم و تأخیر پاره‌ای از واژگان در برخی آیات، این چینش واژگان، حکیمانه بوده و دارای اغراضی است. گاهی در نظم و ترکیب کلمات تقدیم و تأخیر رخ داده است و این سبک قرآن، دارای اهدافی همچون تبرک، تعظیم، تشریف، کثرت و تخصیص است. در تقدیم و تأخیر از دو طریق «ساختار و ظاهر کلام و انتقال معانی ثانوی» می‌توان با مخاطب ارتباط برقرار کرد. تقدیم یا صدرنشینی مسند الیه، مشوق مخاطب، در شنیدن یا خواندن «مسند یا خبر» کلام است و تقدیم فعل، بر سرعت انتقال پیام و شدت هیجان شنونده می‌افزاید؛ این جابجائی و نشست واژگان، نه تنها شکوه و فصاحت لفظ و کلام را از بین نمی‌برد، بلکه اسرار و حکمت‌های فراوانی در لایه‌های پنهانی متن نهفته می‌دارد، که می‌تواند به عنوان منبعی سرشار در استخراج نکته‌ها و ظرافت‌های تفسیری به شمار آید علاوه بر تقدیم و تأخیرهای رایج در کتاب‌های معانی، شیوه‌های دیگر تقدم و تأخر یعنی تغییر جایگاه ضمیر، فاصله انداختن بین مضاف و مضاف الیه، موصوف و صفت و عائد و صله وجود دارد که در برقرار کردن ارتباطی تأثیرگذار، نقش مهمی ایفا می‌کند. نگارندگان در پژوهش پیش رو با بررسی فهرستی از آیات قرآن که دارای تقدیم و تأخیرند، درصدد جستجوی اغراض و اسرار چینش کلمات و تقدیم و تأخر آیات قرآن و جنبه‌های زیبایی شناسانه هستند.

سبب شناسی تحریم شراب در قرآن (از دیدگاه علم پزشکی)

مصطفی مهدوی آرا^۱

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه حکیم سبزواری، mo_do182@yahoo.com

چکیده

قرآن حکیم به عنوان تنها سند جامع و کامل برای سعادت انسان در زندگی دنیا و آخرت، همه جنبه‌های رشد و تکامل انسان را مورد توجه قرار داده است و ما با عمل به احکام آن می‌توانیم به سلامت روحی و روانی دست یابیم. هر چند به نظر می‌رسد عمل به این احکام و پایبندی بدان در آغاز امر جنبه‌ی تبعیدی داشته است؛ اما با پیشرفت بشر و دست یابی به دانش‌های جدید، گره از نادانسته‌های قرآن باز شده و فلسفه‌ی طرح این گونه اوامر و نواهی در آن تبیین گردیده است. حرمت شراب یکی از این احکام است که در جستار پیش رو نگارنده قصد دارد به روش توصیفی- تحلیلی و کمک گرفتن از برخی مستندات کتابخانه‌ای در زمینه‌ی پزشکی دلیل علمی تحریم شراب را در کتاب خداوند متعال تبیین سازد. آنچه ضرورت انجام این تحقیق را مشخص می‌کند پاسخ به این شبهه است که آیا با توجه به این بخش از آیه‌ی تحریم که فرموده (و فیهما منافع للناس) آیا مصرف به اندازه و کم شراب از دیدگاه پزشکی می‌تواند جنبه‌ی دارویی داشته باشد؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که مصرف موادی که حاوی میزانی الکل- هرچند به اندازه کم است، باعث تخریب بافت‌هایی بدن و آسیب به دستگاه‌های آن از جمله: دستگاه گوارش، دستگاه تنفسی، دستگاه گردش خون و قلب و سیستم اعصاب می‌شود.

سرنوشت ماه از دیدگاه قرآن کریم و علم نجوم

مهدی نظام آبادی^۱

۱- دبیر آموزش و پرورش، اراک، آموزش و پرورش ناحیه یک، پژوهش سرای دانش آموزی خلیج فارس، گروه نجوم
mahdi.nezamabadi@gmail.com

چکیده

یکی از جنبه‌های هدایتی قرآن کریم، اشارات علمی آن، بویژه اعجاز علمی اش در مسایل طبیعی است. در بین پدیده‌های طبیعی، کره ماه بعنوان نزدیک‌ترین همسایه، نقش مهمی در زندگی بشر و زمین دارد. در این مقاله با توجه به پرسش اساسی انسان از سرنوشت خود و جهان هستی، وقایع مربوط به سرنوشت ماه از دیدگاه قرآن کریم و اکتشافات علمی روز، گرد آوری شده و مورد بحث قرار می‌گیرد. شکل سرنوشت ماه در قرآن کریم به چند صورت بیان شده که عبارتند از: (۱) شکافتن ماه (به صورت معجزه شق القمر یا حادثه‌ای در آستانه قیامت. ۲) بی‌نور شدن ماه. (۳) اجتماع خورشید و ماه. ۴) پایان حرکت مداری ماه. اکتشافات و قوانین علم نجوم نیز حاکی بر آن است: (۱) آثاری مبنی بر شکافتن ماه بعلت شق القمر و یا وقوع آن در آینده بعلت گذشتن از حد روچ و نزدیک شدن ماه به زمین یا خورشید. ۲) بی‌نور شدن ماه بعلت دور شدن و کند شدن حرکت ماه (در نتیجه در محاق قرار گرفتن و یا خسوف دائمی) و یا بی‌فروغ شدن خورشید در پایان عمر و به تبع آن تاریکی ماه. ۳) اجتماع ظاهری خورشید و ماه بعلت دور شدن و کند شدن حرکت ماه (در نتیجه در محاق قرار گرفتن ماه) و یا اجتماع واقعی خورشید و ماه بعلت خارج شدن ماه از مدار جاذبه زمین و حرکت بسوی خورشید و برخورد با آن. ۴) پایان حرکت مداری به علت خارج شدن ماه از مدار جاذبه زمین و حرکت بسوی خورشید و برخورد با آن و در نتیجه پایان حرکت ماه.

عبارتهای موزون عروضی: جلوه‌ای از اعجاز فرازمانی و فرازبانی قرآن

بابک شریف^۱، فاطمه بهرامی^۲

۱- دکتری زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، B. sharif@cbi. ir

۲- استادیار زبان‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، f_bahrami@sbu. ac. ir

چکیده

در معنای اعجاز قرآن وجوه متعددی، هم به لحاظ ظاهری و هم از حیث محتوایی بیان کرده‌اند. یکی از مهمترین جنبه‌های نظم موسیقایی قرآن کریم، ضرب‌آهنگ یا موزون بودن عبارات آن است که در کنار جاذبه معنایی و محتوایی قرآن بر زیبایی آن افزوده و سبب کشش و جذبۀ مضاعف آن می‌شود. آن چه به نحو تفصیلی برای نخستین بار در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است، عبارات موزونی است که وزن آنها قابل تطبیق بر اوزان عروضی است و در بسیاری از آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد. برای بررسی این موضوع، عباراتی از چهار جزء آغازین قرآن کریم که بدون نیاز به هیچ گونه دخل و تصرفی موزون هستند، استخراج و بر اساس ارکان عروضی آنها دسته بندی شده‌اند. یافته‌های این پژوهش به صراحت حاکی از آن است که عبارات موزون با وزن عروضی در قرآن به فراوانی به چشم می‌خورند و دارای اوزانی هستند که در شعر عربی یا فارسی یا هر دو یافت می‌شود. بر اساس پژوهش حاضر تعداد این گونه عبارات تنها در چهار جزء نخست و تنها با احتساب اوزان متفق‌الارکان ۱۲۰ عدد است. بدین ترتیب می‌توان تعداد عبارات موزون (اعم از متفق یا مختلف الارکان) در سراسر قرآن کریم را بالغ بر چند هزار فقره تخمین زد. تعداد بسیار زیاد این عبارات در سرتاسر قرآن کریم نشان می‌دهد که این پدیده در قرآن، بر خلاف نظر کسانی که معتقدند موزونیت این عبارات بدون قصد گوینده بوده است، نه تنها تصادفی نیست، بلکه می‌تواند جلوه‌ای از اعجاز فرازمانی و فرازبانی قرآن باشد.



کاربرد اعجاز قرآن در تحدی به مخالفان

دکتر عبدالرزاق رحمانی^۱، محمد راسخ^۲

۱- استادیار دانشگاه هرمزگان khyaban2@yahoo.com

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد شیراز rahmani6038@gmail.com

چکیده

قرآن با مطرح نمودن تحدی، صدای خود را جهت شنیده شدن، بلندتر کرده است، تا هم با واکنش مخالفان و هم با واکنش موافقان، به اهداف خود نزدیکتر شود؛ مخالفان با شکست خود و موافقان با شناخت قرآن. هر چند عملاً نه این شکست به خوبی نمایان شده است و نه مهمتر از آن، شناخت قرآن و مفاهیم کلیدی اش، آنقدر خوب بوده است که قرآن را در رسیدن به اهداف عالی اش یاری رساند که همانا حاکم ساختن اسلام بر جهان است «لیظهره علی الدین کله». در اینجا تلاش بر این است تا با پرداختن به بعضی زوایای پنهان تحدی، ارزش و اهمیت آن بیشتر درک شود.

کارکرد بلاغی استعاره در قرآن مطالعه موردی سوره هود

عمادصادقی^۱، مجیدصادقی مزیدی^۲

۱- دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۲- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، majid.sm39@yahoo.com

چکیده

قرآن کریم به عنوان معجزه الهی در بین انسانها می‌باشد که جامعیت اعجاز آن در حوزه‌های مختلف علمی بر تمامی انسانها روشن است. یکی از مهمترین حوزه‌های اعجازی قرآن در زمینه اعجاز ادبی و بلاغی می‌باشد که به طور گسترده در تمامی آیات قرآن یافت می‌شود. استعاره به عنوان یکی از موضوعات مهم بیانی-بلاغی می‌باشد که خداوند متعال در بیان آموزه‌ها و مفاهیم قرآنی به انسانها از این ویژگی بلاغی به بهترین صورت بهره برده است. شاید یکی از پربسامدترین کاربردهای این موضوع را می‌توان در سوره هود یافت که گستردگی و جامعیت انواع به کارگیری آن از ویژگیهای بارز بلاغی این سوره است. بنابراین این پژوهش برآن است تا به شیوه توصیفی-تحلیلی و به طور ویژه به موضوع استعاره در سوره هود بپردازد و بلاغت بیانی قرآن را از این دیدگاه مورد بررسی قرار دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد خداوند متعال انواع استعاره از جمله تمثیلیه، تصریحیه، تبعیه، مکنیه، استعاره در زمان و مشتقات و... استفاده کرده و مفسران نیز در تفسیرشان از این موضوع به خوبی استفاده کرده‌اند و از این موضوع بلاغی در تبیین و توضیح آیات به نیکی بهره برده‌اند.

کتابشناسی اعجاز قرآن کریم

سیدمجیدنبوی^۱، زهره اخوان مقدم^۲، رضا مرادی سحر^۳

۱- کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث، majidnabavi1366@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه علوم و فنون قرآن تهران، dr. zo. akhavan@gmail.com

۳- کارشناس ارشد و استاد دانشگاه allamehclass91.moradisahar@gmail.com

چکیده

خداوند برای راهنمایی بشر، پیام آورانی می فرستد تا مردم را به راه صحیح راهنمایی کنند ولی چون جایگاه «پیام آوری از خدا» مقام ویژه‌ای است، بدیهی است که مدعیان دروغین نیز سر برآرند. از این رو لازم است تا خدا، فرستاده خود را به نشانه‌ای ویژه مجهز سازد، که در اصطلاح متکلمان «معجزه» نام دارد. معجزه پیامبر اسلام، قرآن است و همانند ناپذیری آن تاریخ را درنوردیده است. همواره سخن در اعجاز قرآن و وجوه آن فراوان بوده و عالمان بسیاری در این زمینه قلم زده‌اند و هنوز هم زوایای این بحث نیاز به پژوهش دارد. اما پژوهشگری که در این راه قدم می‌گذارد، باید از پیشینه تحقیق خود مطلع باشد تا تلاش تکراری و موازی انجام ندهد، و قدم جدیدی در پیشبرد موضوع داشته باشد. نوشتار حاضر بر آنست تا کتب چاپ شده، و موجود تا سال ۱۳۹۴ را در سه بخش کتاب‌های فارسی با معرفی ۲۶۹ کتاب، تألیفات عربی با معرفی ۱۳۳ کتاب، و آثار انگلیسی با معرفی ۱۳ کتاب، نام برده، و راه را بر پژوهشگران هموار سازد.

کتابشناسی قرآن و علوم طبیعی

حمید مغربی^۱، سید مجید نبوی^۲

۱- عضو هیئت علمی دانشگاه غیر انتفاعی صدرالمطالین (صدرا)، Hamid.Maghrebi@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد majidnabavi1366@gmail.com

چکیده

در دهه‌های اخیر اهمیت کتابشناسی نسل جدید کتب منتشر شده روز به روز محسوس‌تر می‌شود که نتیجه حاصله در مقالات مندرجه با درجه‌های عالی به چاپ رسیده است، از روی دیگر ورود به عرصه تحقیقاتی قرآن و علوم طبیعی بدون شناخت کتب منتشره در این حوزه امکان پذیر نیست که یکی از راهکارهای دریافت اطلاعات صحیح در این حوزه شناخت منابع و بررسی نگاه دیداری نویسندگان در این کتاب‌ها است و نگاه اجمالی به کتب منتشره در این حوزه هدف مورد تحقیق نویسندگان این مقاله می‌باشد با بررسی منابع اصلی و سرشاخه‌های کتابشناسی، می‌توان کتب بسیاری را در قرآن و علوم طبیعی یافت و عوامل موثر در این حوزه دریافت کرد و در اختیار محققان قرار داد، آنچه مورد سوال محقق است تعداد کتب منتشره در این حوزه است، که به نظر می‌رسد در دهه اخیر حدود ۳۰۰ کتاب در حوزه‌های گوناگون قرآن و علوم طبیعی مورد انتشار قرار گرفته است، هدف از نگارش این مقاله آشنایی محققان با منابع پیرامون قرآن و علوم طبیعی می‌باشد نتیجه این شناخت نیز پرهیز از انجام تحقیق‌های تکراری و موازی و غنی‌تر شدن نگارش‌های آینده می‌باشد.

معرفی و بررسی کتاب «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»

ابراهیم رضایی آدریانی^۱

1 - erezaei@gmail.com

چکیده

اعجاز علمی قرآن از موضوعات مهم و به روز دانش تفسیر و علوم قرآن است که در عصر ما با استقبال گسترده‌ای از سوی جامعه علمی مواجه است. کتاب وزین «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» نوشته دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی (زیدعزه) از بهترین آثار نگاشته شده در این موضوع به حساب می‌آید. مؤلف محترم در این کتاب پس از ارائه تعریف روشنی از اعجاز، به معرفی تک تک مصادیق آن در قرآن کریم می‌پردازد و از میان انبوه آیاتی که در مورد آنها ادعای اعجاز شده، تنها پنج مورد را به صورت قطعی می‌پذیرد که عبارتند از: «زوجیت»، «حرکت‌های خورشید»، «لقاح ابرها»، «مراحل خلقت انسان»، و «جاذبه زمین». در این مقاله ضمن بررسی مقدمات، تعاریف و پیش فرض‌های بنیادین بحث اعجاز، نقاط قوت و ملاحظات برای کتاب مذکور بیان شده که عبارتند از: نقد معیار تشخیص معجزه، جامعیت، و مصادیق اعجاز علمی در قرآن. در ادامه نیز پنج آیه‌ای که در این کتاب به عنوان مصادیق انحصاری اعجاز علمی قرآن از آنها یاد شده، نقد و بررسی شده است.

مکاتب سیاسی اجتماعی غربی و اعجاز قرآن در علوم انسانی

مهدی میرعرب^۱، اسماء توماج^۲، فاطمه زهرا گلزاری^۳، فاطمه اکبری^۴، نادره خوری^۵

۱- پژوهشسرای دانش آموزی دخترانه رازی گرگان Pajoheshgar. m@gmail.com

۲- عضو پژوهشسرای دانش آموزی پیامبر اعظم(ص) آق قلا

۳- عضو پژوهشسرای دانش آموزی دخترانه رازی گرگان

۴- عضو پژوهشسرای دانش آموزی پیامبر اعظم آق قلا (ص)

۵- عضو پژوهشسرای دانش آموزی دخترانه رازی گرگان

چکیده

یکی از دغدغه‌های اصلی در کشورهای مسلمان مشکلات فلسفه و علوم انسانی جدید است که خاستگاه آن عصر مدرن و اندیشه‌های غربی می‌باشد. از این رو این مسئله به کرات در بیانات مقام معظم رهبری اشاره شده و ایشان سفارشات فراوانی را به تولید محتوای علوم انسانی اسلامی داشته‌اند. قرآن از زمان نزول وحی ثابت بوده و تا ابد نیز ثابت است، اما همه چیز در درون آن یافت می‌شود و این ما هستیم که با جذب دانش جدید و درک تحولات تاریخ می‌توانیم در پیچه‌های تازه‌ای به فهم قرآن باز کنیم. در قرن بیستم تضاد بین جنبه‌های گوناگون نظام‌های ارزشی در شبکه‌ای از ایدئولوژی‌های سیاسی، اقتصادی و... همانند مارکسیسم، داروینیسم، فرویدیسم، نیهیلیسم و... پدیدار شد. لذا به موجب تبیین نظرات اسلام در مورد هر یک از این ایدئولوژی‌های غربی، این امر بواسطه جستجوی کلیدواژه‌های مربوطه در آیات قرآن کریم و بهره مندی از تفاسیر فقها و علما انجام شد تا یکبار دیگر جهان شمول بودن آیات الهی آشکار گردد. روش تحقیق در مطالعه حاضر نوعی روش تلفیقی، میان رشته‌ای و زیر مجموعه روش عقلی از مطالعات علوم قرآنی می‌باشد. همچنین روش تدبر آیات در این تحقیق آیه محور که البته پس از انتخاب آیات سیاق آنها نیز مورد توجه قرار گرفت. در این پژوهش ۱۱ مکتب سیاسی اجتماعی غربی به صورت غیرمستقیم مورد نقد و بررسی قرار گرفت. بدین صورت که ابتدا تعاریف آن مکاتب از کتب علوم انسانی که عموماً نویسندگان آن غربی بودند استخراج و در ادامه آیات مربوطه در این زمینه‌ها ذکر شد. در پایان بدون هیچگونه قضاوت، برخی سوالات مطرح و پاسخ آن را به اذهان بیدار و آزاده‌ی انسان‌های حقیقت طلب واگذار گردید.

نظم آهنگ، پلی میان الفاظ و معانی قرآن

مصطفی عباسی مقدم^۱، سمیه مسعودی نیا^۲

۱- abasi1234@gmail.com

۲- smasoodinia@yahoo.com

چکیده

یکی از جلوه‌های جاذبه و اعجاز بی‌بدیل قرآن، نظم آهنگ و موسیقی کلام الهی است که همواره از دل مشغولی‌های گروهی از اعجاز پژوهان بوده است، لکن پژوهش‌های درخور و بایسته پیرامون آن صورت نگرفته است.

موسیقی و نظم آهنگ قرآن به معنی نوع چینش حروف و واژگان و آواها و الحان متن قرآن است، و از ویژگی‌های برجسته قرآن تطابق موسیقی حاکم بر الفاظ با محتوای آیات به شمار می‌رود که سخن ارزش مند حضرت علی علیه السلام می‌تواند در ضمن معنای خود بر آن دلالت داشته باشد: «إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرٌ أُنِيقٌ وَ بَاطِنٌ عَمِيقٌ. هَمَانَا قُرْآنٌ دَارِی ظَاهِرِی زَبِیَا وَ بَاطِنِی بَسْ شِغْرَفٌ اسْت.»

این مقاله افزون بر اشاره به ابعاد اعجاز قرآن از لحاظ محتوا و ظاهر آیات، نظم آهنگ را به عنوان یکی از ابعاد اعجاز بلاغی می‌شناساند و ابعاد و نمونه‌هایی از شاخه‌های متعدد موسیقی درونی و بیرونی قرآن را واکاوی می‌نماید. نیز و ضمن بررسی آن در طول تاریخ، از عنصر آهنگ و تأثیر آن در زبان دین و سلامت روان مطالبی را به میان می‌آورد. موسیقی قرآن که صفات و مخارج حروف و جایگاه واژگان و همچنین طول آیات و هجاها نقش مهمی در آن دارد، موجب لطافت و آرامش روح می‌شود. همچنین نکاتی چند از هماهنگی لفظ و معنا در واژه‌های قرآن را که باعث تبلوری اعجاز انگیز در قرآن است، متذکر می‌شود.

نقد و بررسی اعجاز محتوایی قرآن

غلام رضا بهرامی فرد^۱، یوسف فرجی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم مراغه، r.bahrami59@gmail.com

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور و مدرس دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، yosef.faraji@yahoo.com

چکیده

در فرهنگ اسلامی، قرآن کریم به عنوان مهم ترین معجزه رسول اکرم (ص) شناخته می شود. قرآن در یک نگاه کلی دارای دو نوع اعجاز، لفظی. محتوایی هست. اعجاز از ریشه عجز به معنای ضعف و ناتوانی است و اعجاز محتوایی، اثبات وحیانی بودن قرآن از راه مضامین هدایتی و معرفتی قرآن را گویند. عده ای معتقدند اهمیت قرآن به خاطر اعجاز بیانی است چون خدا تنها با الفاظ قرآن، مردم را دعوت به تحدی نموده است. دلایل متعددی برای اعجاز محتوایی ذکر شده از جمله دلایل نقلی بویژه آیات قرآن: «بگو: پس اگر راست می گوئید، کتابی از جانب خدا بیاورید که از این دو [قرآن و تورات تحریف نشده] هدایت کننده تر باشد تا پیروی اش کنم» (قصص/۴۹)؛ و روایات پیامبر (ص) و ائمه علیهم السلام از جمله روایت پیامبر (ص) که می فرمایند: «هر کس از نور قرآن بهره برد، خداوند او را هدایت می نماید»؛ و دلایل عقلی شامل: سازگاری مفاهیم قرآن با فرهنگ صحیح انسانی مثل آیه «و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید» (انفال/۶۰)، رعایت اصل تعادل در قانون گذاری در آیه «و بدین گونه شمارا امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید...» (بقره/۱۴۳)، همگام بودن با فطرت پاک انسان ها در آیه «پس روی

خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است» (روم/۳۰)، حقیقت‌بینی و تعمق مثل آیه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند و از عمل شیطان‌اند. پس از آن‌ها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید». (مائده/۹۰)، ارائه معانی عمیق در قالب ایجاز از جمله آیه «وای خردمندان، شمارا در قصاص زندگانی است، باشد که به تقوا گرایید» (بقره/۱۷۶)، عقل‌گرا بودن هدایت‌های قرآن از جمله «و چون به آنان گفته شود: به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبرش بیاوید، می‌گویند: آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است آیا هرچند پدرانشان چیزی نمی‌دانسته و هدایت نیافته بودند؟» (مائده/۱۰۴). پس اعجاز قرآن، این بود که با ارائه مفاهیم والای هدایتی محتوای خود در منطقه‌ای که عاری از فرهنگ و تمدن و به قولی عصر جاهلیت خود را سپری می‌نمود توسط فردی درس نخوانده، آن‌چنان انقلابی در آن‌ها ایجاد کرد که باعث غبطه خوردن همه به احوال آنان شد.

واکاوی اعجاز بلاغی آیه لکم فی القصاص حیاة

آرزوچالسری کچلک^۱

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه شهید بهشتی، arezochalsari@gmail.com

چکیده

فصاحت و بلاغت قرآن یکی از موارد اعجاز آن است، چراکه قرآن زمانی نازل شد که عرب در باب فصاحت و بلاغت به کمال خود رسیده بود، زیبایی و رسایی آیات به حدی شگفت آور بود که تمام ادیبان را به حیرت واداشت و آنها مجبور شدند به عجز و ناتوانی خود در مقابل قرآن اعتراف کنند. از جمله این موارد «آیه لکم فی القصاص حیاة» است. با توجه به اینکه عادت عرب‌ها این بود که با کشتن شدن هریک از افراد قبیله، جنگ‌های طولانی به راه می‌انداختند؛ پس از نزول آیه‌ی فوق حکم عادلانه‌ی قصاص جاری شد و از دیگر سو عرب جاهلی را به تحدی فراخواند. این پژوهش برآن است تا با رویکرد توصیفی-تحلیلی و نیز با واکاوی ابعاد این آیه از دیدگاه بلاغیون، پاسخگوی این سئوالات باشد: علوم بلاغت تا چه حد بازتاب‌کننده‌ی اعجاز آیه‌ی مزبور است؟ همچنین اعجاز بیانی آیه‌ی شریفه برطبق دیدگاه بلاغیون در چه مواردی به اوج خود رسیده است؟ نتایج یافته شده بر این مطلب تاکید می‌کند که فن بلاغت تنها واگویی به بخش‌هایی از اعجاز آیه‌ی مذکور است و بیشتر اهتمام بلاغیون براین بوده است تا نکات بلاغی آن را در رابطه با جمله معروف عرب‌های جاهلی بیان دارند و بدین گونه به جنبه‌های اعجازی آن اشاره کنند.

یاجوج و ماجوج

محمدحسین موحدی^۱

mhmovahedi@ut.ac.ir - ۱

چکیده

در این مقاله برآنیم که واژه یاجوج و ماجوج را مورد تحقیق قرار دهیم و نهایتاً با توجه به معنای آنها در قاموس‌های لغت، و نیز با استناد به آیات قرآنی مقتدرن با این دو واژه، این فرضیه را ارائه دهیم که معنای یاجوج و ماجوج در قرآن کریم، دو قوم جنگجو و خونریز نمی‌باشد، بلکه معنای این دو کلمه در قرآن کریم «مواد مذاب و گدازه‌های آتشفشانی» است.

رهیافت های زمخشری به زیبا شناسی قرآن در تفسیر کشاف

رضا امانی^۱، سمیه شاهملکی^۲، افسانه فتاحی^۳

۱- r_amani2007@yahoo.com

۲- Samavat554@yahoo.com

۳- Zsara459@yahoo.com

چکیده

مقاله حاضر تلاش دارد با بررسی تفسیر ارزشمند کشاف به رهیافت‌های مفسر (زمخشری) در تبیین جنبه‌های زیبا شناختی قرآن بپردازد. در این میان ساختهای بلاغی را می‌توان مهم‌ترین ابزار زیبایی آفرینی در یک متن دانست، که نمونه‌های بسیاری از آن در قرآن دیده می‌شود. به اعتقاد بسیاری از صاحب نظران تفسیر کشاف موفق‌ترین اثر در حوزه تفسیر بلاغی قرآن می‌باشد. زمخشری در تفسیر خود به سازه‌های بلاغی آیات قرآن توجه خاصی داشته و تلاش نموده تا با بیان ظرایف و دقایق زیبا شناختی آیات وحی پرده از ظاهر الفاظ برداشته و به باطن نظام معنایی آن دست یابد. مهم‌ترین ساختهای بلاغی در بیان زیبا شناختی قرآن عبارتند از ساختارهای تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه. براین اساس پژوهش حاضر در پی آن است که تفسیر کشاف را، نه با دید کلی و همه جانبه، بلکه از لحاظ پرداختن به جنبه‌های زیبا شناختی آیات قرآن از منظر علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) مورد بررسی قرار داده و تأثیر این علم را در زیباشناسی قرآن، از دیدگاه زمخشری، مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. گفتنی است مقاله حاضر مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی است.

حضرت مریم خواهر هارون

محمد سادات منصورى^۱

۱- نایب رییس انجمن علمی اعجاز قرآن کریم، sadatmansouri@gmail.com

چکیده

در (مریم/۲۸) می‌خوانیم: «یا أخت هارون ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت امک بغیا» در این آیه شریفه حضرت مریم(س) با عنوان خواهر هارون خطاب شده است. این امر علاوه بر آنکه منشأ گفتگوها و نظرات گوناگون بین مفسران گردیده طعن مخالفان بر قرآن کریم را هم سبب شده است.

پرسش آن است که «هارون» در عبارت قرآن کریم چه کسی است؟ اگر مراد همان برادر معروف حضرت موسی علیه السلام است این شبهه پیش می‌آید که چگونه ممکن است حضرت مریم(س) خواهر او باشد و حال آنکه میان این دو بیش از هزار و پانصد سال فاصله است. طعنه زنان می‌گویند هارون برادر موسی (علیهما السلام) واقعا خواهری به نام مریم داشته است که در سفر خروج تورات به او اشاره شده (خروج/۲۰:۱۵) و این تشابه اسمی سبب شده است که در قرآن حضرت مریم (س) خواهر هارون قلمداد گردد! در پاسخ گفته شده که مراد از خواهر بودن مریم در اینجا صرف انتساب است. مثل اینکه به کسی گفته می‌شود برادر بنی تمیم است. این بدان معناست که او به بنی تمیم منتسب است.

وحدت و تعدد معجزات پیامبر اعظم از منظر مستشرقان

محمد ابراهیمی و رکبانی^۱

۱- دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی، M_Ebrahimi@sbu.ac.ir

چکیده

یکی از سوژه‌هایی که از دوران کهن، اندیشمندان مسیحی در مبارزات مذهبی خویش بر ضد آئین جهانی اسلام از آن بهره جسته و برای اثبات مدعای خویش حتی از آیات متعددی از قرآن کریم نیز به‌زعم خود استفاده نموده‌اند، مسئله وحدت و انحصار معجزه رسول خدا به قرآن کریم بوده است. کشیشان و رهبانان بسیاری با انگیزه مبارزه دینی بر ضد رسالت نبی اکرم اسلام اتهامات متعددی را مطرح ساخته که یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین توهمات آنان پیرامون وحدت اعجاز و انحصار آن در قرآن کریم شکل گرفته و به دنبال این اندیشه واهی معجزه بودن قرآن را نیز انکار نموده و سرانجام رسالت پیامبر اعظم را غیر حقیقی معرفی نموده‌اند.

متأسفانه این اندیشه واهی به تدریج به گونه‌ای گسترش یافته که نه تنها مستشرقان غیر مسلمان بلکه پاره‌ای از کسانی که با مطالعات پیگیر خود به آئین الهی اسلام گرویده و شریعت خاتم را بهترین شریعت و پیامبر اکرم را بزرگترین پیامبر دانسته‌اند؛ نیز ادعای وحدت اعجاز رسول خدا را واقعی پنداشته و به تبعیت نویسندگانی مانند دکتر شریعتی و اقبال لاهوری در صدد توجیه این موضوع برآمده و کوشیده‌اند تا همین ویژگی را به عنوان بزرگترین ویژگی رسول خدا معرفی نمایند و آنرا متناسب با دوران رشد اندیشه عقلی و علمی بشریت بشمار آورند. در حالیکه همانگونه که استاد فرزانه آیت الله شهید مطهری در کتاب وحی و نبوت و... می‌فرماید: این تصوّر غلطی که آگاهانه از طریق ارباب کلیسا مطرح گردیده و رسول گرامی اسلام، نه تنها دارای معجزات بسیاری بوده بلکه همانگونه که قرآن کریم خود حکایت دارد معجزات بسیاری از آن حضرت در کتاب آسمانی و شریعت اسلام به صراحت هر چه تمام‌تر گزارش شده است. نویسندگان این مقاله در صدد است با الهام از بیانات استاد شهید، درباره این موضوع به صورت بی‌طرفانه، بحثی را مطرح و حقیقت این امر یعنی مسئله تعدد و گستردگی معجزات پیامبر اعظم را به اثبات رسانند.

نگاهی انتقادی به رویکرد اعجاز علمی در تفسیر الجواهر طنطاوی

احمد ربانی خواه^۱

۱- عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور rabbani_kh@pnu.ac.ir

چکیده

تفسیر قرآن کریم در دوران معاصر تفاوتی آشکار با قرنهای پیشین دارد. علم‌گرایی در تفسیر از ویژگی‌های بارز تفاسیر معاصر است. با اینکه برخی بر اهمیت و ضرورت اتخاذ روش علمی در فهم و تفسیر قرآن تأکید می‌ورزند، روش علم‌گرایانه در تفسیر قرآن در دوره کنونی سبب شد تا مفسران علم‌گرا در تفاسیر خویش قواعد طبیعی حاکم بر سنت‌های الهی را ملاک اعتبار یا عدم اعتبار دیگر رویدادها قرار دهند.

این نوشتار با بهره‌گیری از روش مطالعه کتابخانه‌ای به موضوع تفسیر قرآن در دوران معاصر پرداخته و دو موضوع انتظار بشر از دین و نگاه حداکثری به آموزه‌های قرآنی را به مثابه زمینه‌ها و بسترهای شکل‌گیری روش علم‌گرایانه در تفسیر، ارزیابی و تحلیل کرده است. پژوهش حاضر با تمرکز بر اندیشه‌های تفسیری طنطاوی در تفسیر الجواهر با نگاهی انتقادی به دیدگاه‌های علم‌گرایانه وی در تفسیر قرآن نگرینسته و برخی کاستی‌ها و اشتباهات در تفسیر مذکور را که بر پایه نگاه حداکثری به آیات قرآن و انتظار مفسر از آموزه‌های قرآنی شکل گرفته، بررسی کرده است.

